



ویژه‌نامه

روز ویراستار

۱۴۰۳

به مناسبت یازدهم بهمن، روز ویراستار

تهیه و تدوین از روابط عمومی انجمن صنفی ویراستاران

۱۶ اسفند ۱۴۰۳

ویژه‌نامه روز ویراستار

ضمیمه خبرنامه داخلی انجمن صنفی ویراستاران

با نظارت و همکاری هیئت‌مدیره انجمن صنفی ویراستاران:
گلی امامی، اصغر مهرپرور، هومن عباسپور، مهناز مقدسی،
مهدی قنوتی، لیلا اثاعشری

انتشار: ۱۶ اسفند ۱۴۰۳

شناسنامه

سردبیر: حجت پویان

طراح جلد، صفحه‌آرا: علی رضا نیک‌زاد

با سپاس از یاشار توحیدی، سحر شهابت‌رزم

ناشر: انتشارات همیشه با همکاری انجمن صنفی ویراستاران

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰ نسخه

مطالب این ویژه‌نامه بیانگر آرای نویسندگان است.

تمام حقوق این ویژه‌نامه متعلق به انتشارات همیشه و انجمن صنفی

ویراستاران است.

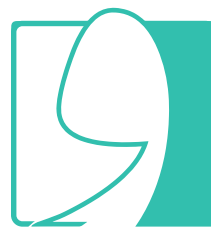
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

انتشار نسخه کامل الکترونیکی این ویژه‌نامه در فضاهای مجازی بدون

نظرداشت مادی منعی ندارد.



انتشارات همیشه



انجمن ویراستاران

نشانی: تهران، خیابان خرمشهر

(آبادانا)، خیابان صابونچی (مهناز)،

کوچه دهم، پلاک ۴، واحد ۱

۰۲۱-۸۸۵۱۴۶۱۴

anjoman.virastar@gmail.com

www.anjomanvirastar.ir

فهرست

سرآغاز

- ۶ سرمقاله
- ۷ خیر! فرهنگ و هنر غیردولتی و مستقل نفس‌های آخر را نمی‌کشد | پژمان موسوی

جستارها

- ۱۰ سابقه‌ای از ویراستاری | ژاله آموزگار
- ۱۳ لزوم تدوین منشور اخلاقی ویراستاران | هومن عباسپور
- ۱۵ فقر نظری در ویرایش | مهدی قنواتی
- ۱۷ ویرایش و زبان‌شناسی ارتباطی عمودی، افقی یا موازی؟ | نیوشا عاشورزاده
- ۲۰ تاریخ شفاهی چیست و چه دستاوردهایی دارد؟ | مهناز مقدسی
- ۲۵ جایگاه ویرایش در سندپژوهی تاریخی | مهدی فقیه
- ۲۸ تصویر ویرایی | عبدالحسین آذرنگ
- ۳۰ ویرایش در مطبوعات | سیروس علی‌نژاد
- ۳۲ ویراستار و هوش مصنوعی | علی خزاعی فر
- ۳۴ ویراویراست دستیار هوشمند ویراستاران | صبا دباغ‌منش، زهرا نواب صفوی
- ۳۹ هوش مصنوعی: دوست یا رقیب ویراستاران؟ | نرگس اسدی
- ۴۱ نرم‌افزارهای ویراستاری و کارکرد آن‌ها برای ویراستاران | راضیه خوش‌ضمیر
- ۴۴ وسواس کامل‌گرایی: آسیبی برای صنف ویراستاران | سیدحمید حیدری ثانی
- ۴۸ مشکلات آموزش ویرایش ترجمه در دانشگاه | سمیه دل‌زنده‌روی
- ۵۰ در تبیین ترجمه ویرایی | نادر خسروی
- ۵۲ ر.ک. به ویرایش ترجمه | کیمیا نیک‌پور
- ۵۵ هنر ویرایش در هیاهوی خبر | زهرا حسن‌زاده



- ۵۷ الماسی خام خبرگزاری در داستان ویراستار ماهر | محمد خدادادی
- ۵۹ حساسیت‌های ویراستاری در متون خبری و رادیویی | معصومه بنیاد
- ۶۳ آسیب‌شناسی نوشتار جلد‌های آثار موسیقایی | محمد صبری
- ۷۱ اشتباه‌های ریز، هزینه‌های درشت: چرا ویرایش تبلیغات مهم است؟ | دلبر یزدان‌پناه
- ۷۴ زبان در گذر از فضای مجازی: از آشفتگی تا انسجام | الهه گلشنی

یادداشت‌ها

- ۷۷ تعامل بین داستان‌نویس و ویراستار (چند مورد مناقشه برانگیز) | بلقیس سلیمانی
- ۷۹ ۴۰۰ ضربه واقعاً یعنی چه؟: چند نکته درباره‌ی عنوان فیلم‌ها به فارسی و وظیفه‌ی ویراستار | محسن آرم
- ۸۱ آن مرکز نامرئی | نازنین سرکارات‌پور
- ۸۳ ویراستار شخم‌زن متن نیست | سیاوش صفری
- ۸۵ مصاحبه‌ای کوتاه و سه بار ویرایش؟! | احمدرضا حجاززاده
- ۸۸ چند واقعیت ساده در ویرایش روزنامه | محمدرضا ربیعیان
- ۹۰ ویرایش و دانشگاه | علیرضا رحمتی
- ۹۲ ویرایش‌آموزی در فضای مجازی | فاطمه آقامیری
- ۹۵ انتحال یا انتحار؟ (داستان) | جمیله سنجری

پیوست‌ها

- ۹۸ حقوق مالکیت فکری در گفت‌وگو با دکتر سید عباس حسینی نیک
- ۱۱۳ مراسم روز ویراستار، ۱۱ بهمن ۱۴۰۳، به روایت تصویر



سرآغاز

سرمقاله

ویژه‌نامه روز ویراستار، که امسال سومین شماره آن را منتشر می‌کنیم، سرآغاز شکل‌گیری مجله‌ای تخصصی در حوزه نگارش و ویرایش است که امید داریم به‌زودی به آن نقطه برسیم. این ویژه‌نامه هر سال، اندکی پس از مراسم روز ویراستار، انتشار می‌یابد. امسال روز ویراستار را به نام کریم امامی نام‌گذاری کردیم و از خدمات و تلاش‌های او یاد کردیم. همچنین فعالیت‌های او را برای تأسیس انجمنی که پا نگرفت بر شمردیم و با کارهای انجام‌شده در انجمن فعلی مقایسه کردیم. برگزاری مراسم روز ویراستار، تقدیر از پیش‌کسوتان ویرایش، انتشار یک برنامه رادیو ویرایش، آماده‌کردن گفت‌وگویی اختصاصی برای ویژه‌نامه و پاسخ به فراخوان مقالات ویژه‌نامه بار سنگینی بود که بر دوش خود گذاشتیم و خوشبختانه از عهده آن برآمدیم و با انتشار این ویژه‌نامه مسئولیت‌های روز ویراستار را تکمیل می‌کنیم.

این ویژه‌نامه با هدف درج نوشته‌ها و خاطرات و یادداشت‌های اعضای انجمن بنا نهاده شد که البته در هر شماره از دیگر صاحب‌قلمان نیز مطالبی دریافت می‌کنیم و در آن می‌آوریم. در این شماره، به سبب تنوع مطالب، دو دسته‌بندی برای آن‌ها قائل شدیم: مطالبی که در ذیل «جستارها» قرار گرفته حاصل تجربه و

پژوهش و نکته‌هایی است که وجه آموزشی و تحقیقی بیشتری دارد، آن‌هایی که زیر عنوان «یادداشت» آمده‌اند خاطرات و توصیه‌های ویراستارانی است که بیشترشان عضو انجمن و منشأ اثر در مجموعه‌های نشر و وابسته به آن‌اند؛ البته این تفکیک ممکن است چندان دقیق نباشد. نکته جالب در این شماره از ویژه‌نامه دریافت مطالب بیشتر درباره ویرایش مطبوعات و خبر و هوش مصنوعی است که ما را به این ذهنیت می‌رساند این حوزه‌ها برای ویراستاران مهم است و توجه به آن ضرورت دارد.

باید اشاره کنم که در مطالب ویژه‌نامه روز ویراستار، که قرار است روحیه نوشتن را در بین ویراستاران تقویت کند، سعی کرده‌ایم کمترین ویرایش را اعمال کنیم و اصلاحات نگارشی و ویرایش اصلی را به صاحبان نوشته محول کنیم؛ لذا محتوا و نوشتار متعلق به نویسندگان اثر است. گفت‌وگوی پایانی نیز با هدف شناساندن مباحث حقوقی نشر و ویرایش تدوین شده که، به سبب مفصل بودن، فقط بخشی از آن را در این شماره آورده‌ایم.

گزارش تصویری روز ویراستار نیز، که در پایان آمده، یادآور هم‌بستگی و هم‌نشینی اهالی قلم (ویراستار، مترجم، نویسنده، خبرنگار، ناشر) است که در کنار هم این روز را گرامی داشتند.

مهناز مقدسی، دبیر انجمن صنفی ویراستاران

۶

ویژه‌نامه روز ویراستار | ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ | انجمن صنفی ویراستاران

خیر! فرهنگ و هنر غیردولتی و مستقل نفس‌های آخر را نمی‌کشد



پژمان موسوی | روزنامه‌نگار

نقش‌ها و مسئولیت‌ها شده، که تکلیف خیلی چیزها را هم روشن کرده: هم رودر بایستی‌ها کنار رفته، هم هر کس دقیقاً می‌داند کجا ایستاده و چه می‌خواهد. حضور و درخشش سینمای غیردولتی ایران در جشنواره‌های معتبر جهانی بهترین شاهد بر این مدعاست.

در موسیقی و در سایه محدودیت‌ها، استعدادها درخشان این حوزه راه‌های جایگزینشان را برای رهایی از بن‌بست موجود به کار گرفته‌اند و ما امسال، و تقریباً در تمامی ماه‌های آن، شاهد اجراهای غیررسمی، انتشار

پرسی اساسی، در روزگاری که دولت در تلاش است تا تمام عرصه‌ها را از آن خود کند و فرهنگ و هنر مستقل ایران را به گوشه رینگ ببرد، وجود دارد: آیا فرهنگ و هنر، در روایت غیردولتی و مستقل آن، در ایران مُرده؟ کم‌جان شده؟ نفس‌های آخر را می‌کشد؟ یا چیزهایی شبیه این؟ آیا شواهد این را نشان می‌دهد؟ با وجود شواهد به‌ظاهر ناامیدکننده، با قاطعیت می‌توان در پاسخ به این پرسش‌ها گفت: خیر! اتفاقاً در ایران امروز، فرهنگ و هنر مستقل و غیردولتی نه تنها زنده است، که از همیشه هم زنده‌تر است و دارد خود را به‌روزرسانی می‌کند؛ رخت‌ظاهری آن هم، تنها به دلیل وفق‌یافتن با شرایط جدیدی است که به وجود آمده؛ تازه اگر بر این باور باشیم که به وجود آمده. وگر نه که نگاهی کلان‌نگر به سپهر فرهنگ و هنر ایران پویایی و آزادی و رهایی از قیدوبند محدودیت‌ها را در این حوزه نشان داده و آینده‌ای روشن را برای دست‌اندرکاران و بازیگران آن علامت‌گذاری کرده است.

چند ساحت را با هم مرور کنیم:

در سینما که جدا شدن راه دولت و هنرمندان نه تنها مُمسّنات بسیار داشته و منجر به تفکیک روشن و صریح

»
در ایران امروز، فرهنگ و هنر مستقل و غیردولتی نه تنها زنده است، که از همیشه هم زنده‌تر است و دارد خود را به‌روزرسانی می‌کند؛ رخت‌ظاهری آن هم، تنها به دلیل وفق‌یافتن با شرایط جدیدی است که به وجود آمده.

«

کم نشد، که تعدادی کتاب‌فروشی تازه هم قدم به عرصه گذاشتند و بر پاتوق‌های فرهنگی شهر و دیارمان افزودند. هنرهای تجسمی هم دست‌پُری دارد. هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ کیفیت آثار به‌نمایش درآمده، امسال سال متفاوتی با سال پیش از آن است و امیدها برای سالی پربارتر را زنده نگاه داشته است.

وضعیت در سایر حوزه‌ها، از جمله مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوای دیجیتال هم مشابه یا حتی جلوتر از حوزه‌های یادشده بالا بود.

این‌ها یک معنا بیشتر ندارد: فرهنگ و هنر در ایران زنده است و به مسیر خود ادامه می‌دهد. حتماً مسیر سخت و سنگلاخی است؛ اما اراده‌ها هم سخت و استوار است و البته متعهد به «خدمتگزاری حقیقت» و «خدمتگزاری آزادی»! اصلاً می‌دانید چیست؟ آزادی هیچ کجا و در هیچ زمانی «تنهایی» به دست نیامده. آزادی روح جمعی می‌خواهد، امید جمعی می‌خواهد، رؤیای جمعی می‌خواهد. آزادی و امید و رؤیا را کسی قرار نیست برای ما کادوپیچ کند و وقتی گوشه‌ای ایستاده‌ایم و از دور به «صحنه» نگاه می‌کنیم دودستی تقدیممان کند. ما خودمان هستیم که باید روی آینده شرط ببندیم، روی فردا شرط ببندیم و «آن روز خوب» را مطالبه کنیم. می‌دانم حال کمتر کسی این روزها خوب است؛ اصلاً انگار مجالی برای خوب بودن باقی نگذاشته‌اند و ما را سخت در خود فروبرده‌اند؛ اما باید بدانیم که هر کس، به قدرِ وسع، در ساختن آن روز خوب سهم و نقش دارد، در تحقق آن رؤیای مشترک، آن فردای بهتر....



»
فرهنگ و هنر در ایران زنده است و به مسیر خود ادامه می‌دهد. حتماً مسیر سخت و سنگلاخی است؛ اما اراده‌ها هم سخت و استوار است و البته متعهد به «خدمتگزاری حقیقت» و «خدمتگزاری آزادی»! اصلاً می‌دانید چیست؟ آزادی هیچ کجا و در هیچ زمانی «تنهایی» به دست نیامده. آزادی روح جمعی می‌خواهد، امید جمعی می‌خواهد، رؤیای جمعی می‌خواهد.
«

آلبوم‌های متفاوت و پخش موزیک/ویدیوهای بودیم که پیش خودمان می‌گفتیم پس کجا بود این همه استعداد تا به امروز که ما از آن خبر نداشتیم؟

در تئاتر و به گواه آمارها، گاه پیش می‌آید که هر شب تا ۵۰ نمایش به روی صحنه می‌رود؛ صحنه‌های رسمی و غیررسمی. اجراهای درخشان، متن‌های خوب، پرداخت‌های متفاوت و البته خلاقیت‌های خیره‌کننده از ویژگی‌های تئاتر ایران در ساحه غیردولتی آن است که امسال به شکلی جدی‌تر به چشم آمده.

در حوزه کتاب و با وجود سانسورهای عجیب و تلاش‌ها برای دوری مردم از مطالعه، آن‌قدر عناوین تازه چاپ شده که روزی نیست که قفسه کتاب‌فروشی‌ها از کتاب‌های «چاپ اول» پر نشود. تجدید چاپ‌ها هم که جای خود را دارد. در فضای وب هم که کم نیستند کتاب‌هایی که در دسترس‌اند چون مجوز نشر در فضای رسمی را پیدا نکرده‌اند. حتی وضعیت در حوزه کتاب‌فروشی‌ها هم درخشان است: هم در تهران و هم در شهرستان‌ها. در ۱۴۰۳، نه تنها تعداد کتاب‌فروشی‌ها



جستارها

سابقه‌ای از ویراستاری



ژاله آموزگار | پژوهشگر و مدرس فرهنگ و زبان‌های باستانی

متعلق به آن دوران است که شیر ماده تیر خورده‌ای را نشان می‌دهد. به قضاوت متخصصان، هیچ هنرمندی در آن زمان موفق نشده بود که، مانند خالق آشوری این اثر، درد ورنج حیوانی را این چنین با احساس نشان دهد. این اثر که از قصر نینوای آشوربانیپال به دست آمده است در موزه بریتانیا نگاهداری می‌شود.

اما بیشترین شهرت آشوربانیپال علاقه اوست به جمع‌آوری گل‌نوشته‌ها، برای جا دادن آن‌ها در کتابخانه‌گونه‌ای که تصادفاً در حفاری هیئت بریتانیایی، که به آن اشاره کردم، به دست آمده: لوحه‌های فراوانی، در موضوعات گوناگون، به فرمان او، در این محل گرد آمده است.

شهرت دیگر کتابخانه به دلیل وجود رونوشت‌های لوحه‌های سومری و بابلی است که از دیگر کتابخانه‌های آن زمان فراهم شده بوده است. نامه‌ای از آشوربانیپال، در همین مجموعه‌الواح، پیدا شده است که در آن او به حکمران بورسیه^۱ (در حوالی بابل) مأموریت داده است که همراه دبیران به جست‌وجوی لوحه‌ها بروند و همه‌نوع تسهیلات برای آن‌ها فراهم شود. این الواح پس از آنکه به آشور می‌رسیدند یا به همان صورت نگاهداری می‌شدند، یا رونوشتی از آن‌ها با خط میخی تهیه می‌شد؛ رونویسی با دقت انجام می‌گرفت و نوعی

من معمولاً عادت ندارم که، بنا به یک ضرب‌المثل عامیانه، خودم را نخود هر آشی کنم؛ مرا چه به ویراستاری! ولی وقتی طرفِ شما یکی از دوستان جوانتان است، که در حقیقت جزو فرزندانان به شمار می‌آید و، با اصرار، شما را به کاری فرامی‌خواند، با همهٔ نه گفتن‌ها، سرانجام می‌پذیرید.

پس اجازه بدهید که در مورد ویراستاری هم من همچنان به گذشته‌ها استناد کنم و به ریشه‌ها بپردازم؛ آنچه می‌توانم، بنابر مطالعات ناچیزم، به عنوان نمونه‌ای از ویراستاری، با شما در میان بگذارم استناد به الواحی است از دوران آشوربانیپال، که در سال ۱۸۴۹ در حوالی نینوای باستان، به همت هیئت باستان‌شناسی بریتانیا، و به ریاست «هنری لایارد»، به دست آمده است.

آشوربانیپال، که در سال ۶۹۹ پیش از میلاد در آشور به قدرت رسید، خود را قائم‌مقام خدای آشور می‌دانست؛ او چهل و سه سال حکمرانی کرد و یکی از فرمانروایان بنام در تاریخ میان‌رودان است. کشورگشایی‌های بسیاری کرده است و در پیروزی‌هایش قساوت‌های آزاردهنده بی‌شماری مرتکب شده است؛ اما در کنار این قساوت‌ها، در اعتلای هنر و فرهنگ نیز اقدامات بسیار جالبی انجام داده است. در دوران او سبک جدیدی در هنر بین‌النهرین به وجود آمد و نمونه آن نقش برجسته‌ای



مطلب دیگری که مناسب می‌بینم بر این گفتار بیفزایم سابقهٔ مطالب کتیبه‌های دورهٔ هخامنشی و ساسانی است. مهم‌ترین و برجسته‌ترین سنگ‌نوشته‌های هخامنشی مربوط به دوران داریوش اول است، و کتیبهٔ بیستون — که خداوند آن را از بلیه‌های آسمانی و آب‌وهوایی در امان دارد — مهم‌ترین اثر این دوران، در پنج ستون، به سه زبان فارسی باستان، اکدی و ایلامی نوشته شده است. این متن تاریخی بسیار ارزشمند، با ۷۶ بند، در ارتفاع شصت متری قرار دارد و به نظر من شاهکاری است انکارنشدنی.

”

در لوحه‌های به‌دست آمده دیده شده است که کاتبان جای برخی از کلمات را، که در لوحهٔ اصلی محو شده بوده است، خالی گذاشته‌اند یا حدس و تفسیر خود را بر آن افزوده‌اند؛ اگر متوجه معنی نشده‌اند، در کنارش نوشته‌اند که معنی را در نیافته‌اند.

“

ویراستاری در آن‌ها صورت می‌پذیرفت و سعی می‌شد ارزنده‌ترین‌ها انتخاب شوند. به عنوان مثال بهترین روایت حماسهٔ گیلگمش از آن کتابخانه به دست آمده است. در این رونویسی‌ها، بنا به تشخیص کاهنان و دبیران، که ما آن‌ها را نوعی ویراستار فرض می‌کنیم، گاهی همهٔ متن و گاهی بخشی از آن برگزیده می‌شد و دستکاری‌هایی هم در آن نوشته‌ها انجام می‌گرفت. در لوحه‌های به‌دست آمده دیده شده است که کاتبان جای برخی از کلمات را، که در لوحهٔ اصلی محو شده بوده است، خالی گذاشته‌اند یا حدس و تفسیر خود را بر آن افزوده‌اند؛ اگر متوجه معنی نشده‌اند، در کنارش نوشته‌اند که معنی را در نیافته‌اند.

همچنین افتادگی‌ها و به‌هم‌خوردگی‌ها را هم در کنار لوحه یادداشت کرده‌اند. کاتبان، یا به قول معروف ویراستاران (!)، این نوشته‌ها و تصحیحات را مستقیماً به گِل نوشته‌ها نمی‌افزودند؛ بلکه آن‌ها را روی موم می‌نوشتند یا در صفحات عاج و چوب نقش می‌کردند. شاید برداشت من از نظر شما منطقی نباشد، من این تلاش‌ها را نمونه‌ای از ویراستاری در دنیای قدیم می‌دانم.

چگونه این مطالب تاریخی، با این تفصیل، در دل سنگ، در این ارتفاع به وجود آمده است؟ به قول معروف:

روغنی در شیشه بینی صاف و روشن ریخته
غافلوی بر سر چه آمد دانه بادام را؟

مسلماً چنین اثری کار دست تنها یک حکاک نیست و عقل سلیم به ما می‌گوید که حتماً دبیران، با حوصله و دقت، با اتکا به اسناد و مدارک، با مشورت اطرافیان داریوش، شاید نخست به خط آرامی متنی را آماده کرده‌اند، به تصویب دبیر دبیران رسانده‌اند و ویراستاری‌های متعدد روی آن صورت گرفته است تا به این صورت درآید؛ و الا بسیار ساده‌لوحانه است اگر تصور کنیم فی‌البداهه چنین تاریخ مستندی، با شرح ریزه‌کاری‌های شورش‌های آغاز زمامداری داریوش و اظهار نظرهای بجای او، در دل سنگ پدیدار شده است.

به عنوان مثالی دیگر، به یکی دیگر از کتیبه‌های معروف داریوش اشاره می‌کنم که در شوش به دست آمده است و در حقیقت منشور احداث کاخ شوش است که چگونه بر زمین شن ریخته‌اند و خشت زده‌اند. هر کدام از اقوام سهمی در بنای این کاخ داشته‌اند؛ درخت سدر از لبنان، آبنوس از کرمان، طلا از لیدی، لاجورد از سغد، فیروزه از خوارزم، ستون‌های سنگی از ایلام و غیره.

مسلماً تهیه این متن‌ها زمان برده است و بارها ویراستاری شده است؛ به بایگانی رجوع کرده‌اند تا چنین متن پاکیزه و خوش‌آهنگی تصویب شود و در اختیار حکاک و خواننده متن گذاشته شود.

همین فرایند در کتیبه‌های دوره ساسانی هم صورت گرفته است؛ این کتیبه‌ها به خط پهلوی کتیبه‌ای نوشته شده‌اند. همانطور که می‌دانید، الفبای پهلوی کتیبه‌ای، به دلیل اینکه باید زاویه دار باشد، با خط پهلوی کتابی تفاوت دارد. این کتیبه‌ها در جای‌جای ایران، در استان فارس، در کنگاور و بیستون، در باروی شهر دربند قفقاز، در دورا اروپوس، در پایکولی و غیره قرار دارند.

یکی از مهم‌ترین آن‌ها کتیبه شاپور اول است، در کعبه

عقل سلیم به ما می‌گوید که حتماً دبیران، با حوصله و دقت، با اتکا به اسناد و مدارک، با مشورت اطرافیان داریوش، شاید نخست به خط آرامی متنی را آماده کرده‌اند و به تصویب دبیر دبیران رسانده‌اند، ویراستاری‌های متعدد روی آن صورت گرفته است تا به این صورت درآید.

زردشت، به سه زبان پهلوی، پارتی و یونانی. تاریخ مستندی از آن دوران، با ذکر استان‌ها، کشور، شرح لشکرکشی‌ها و پیروزی‌های شاپور، نام اعضای خاندان و فهرست نیایشگاه‌ها و غیره. به دلیل تفاوت‌هایی که در متن پارتی و یونانی با متن پهلوی دیده می‌شود، حدس می‌زنند که آن را شاپور یا کارگزاران او برای دو دبیر خود تقریر کرده‌اند و بازبینی‌های مکرر انجام گرفته است تا این متن خواندنی در دسترس آیندگان قرار گیرد.

سخن را کوتاه می‌کنم. از این بابت برای اشاره به سابقه ویراستاری بر کتیبه‌ها استناد کردم که دستکاری‌های بعدی در آن‌ها صورت نگرفته است و کاملاً می‌توان دریافت که فرایندی طولانی برای به ثمر رسیدن چنین آثاری انجام شده است.

البته ما گنجینه‌ای قابل توجه از متون اوستایی و پهلوی، به صورت نوشته، در دست داریم که بازبینی در آن‌ها از این منظر از لونی دیگر است.

برای ویراستاران عزیز موفقیت آرزو می‌کنم و دست‌مریزاد می‌گویم؛ فقط توصیه‌ای دوستانه دارم که لطفاً فقط به ویراستاری بپردازید و سلیقه خود را بر سبک نویسنده تحمیل نکنید!

پی‌نوشت

1. Borsippa

لزوم تدوین منشور اخلاقی ویراستاران



هومن عباسپور | ویراستار، پژوهشگر، مدرس ویرایش

محتوای منشور اخلاقی شامل احترام، صداقت، عدالت، و حفظ مناسبات سالم اجتماعی خواهد بود. برای تدوین منشور اخلاقی نخست باید ارزش‌های عرفی و اجتماعی و حرفه‌ای شناسایی شود و سپس با کسانی که سال‌ها در این صنف مشغول بوده‌اند مشورت شود و به این ترتیب به تدوین آن باید پرداخت. گفتنی است که این منشور اخلاقی یقیناً دائمی نخواهد بود و گه‌گاه در آن می‌توان تجدیدنظر کرد. همچنین آشنا کردن نوویراستاران با منشور تدوین‌شده نیز باید در دستور کار نهاد تدوین‌کننده قرار گیرد.

برخی از قواعد این منشور را صرفاً به صورت پیشنهاد در اینجا می‌آورم که یقیناً باید درباره هر یک از آن‌ها بحث شود و با کسب نظر شورایی که تدوین منشور را به عهده خواهد گرفت قواعد نهایی وضع شود.

برخی از وظایف صرفاً پیشنهادی ویراستار

الف- در قبال ناشر

- ویراستار باید اصول و ضوابط ناشر را بپذیرد و رفتاری خلاف آن انجام ندهد.
- ویراستار باید مطابق شیوه‌نامه مورد تأیید ناشر عمل کند و اگر در مواردی با آن اختلاف نظر داشته باشد، پیش از اتمام کار به ناشر اطلاع دهد.

پس از هفتاد و اندی سال که از شغل ویراستاری به معنای امروزی آن در ایران می‌گذرد و بر اثر ازدیاد ناشران در این دو دهه اخیر شغل ویراستاری یکی از ارکان بی‌جان‌ترین نشر شده است، لزوم تدوین منشور اخلاقی برای این صنف احساس می‌شود. هر شغلی قاعداً باید منشور اخلاقی خود را داشته باشد. چنان‌که در پزشکی، معماری، حقوق، کتاب‌داری، حسابداری و بسیاری شغل‌های دیگر منشور اخلاقی دارند و کسانی که آن تحصیلات یا مهارت‌ها را کسب کرده‌اند و می‌خواهند به آن شغل مشغول شوند باید ملزم به رعایت مفاد آن منشور اخلاقی باشند. ویراستاری هم که به‌ویژه در سال‌های اخیر گسترش عمومی یافته گرفتار ضعف‌ها و بلاتکلیفی‌هایی است که تدوین منشور اخلاقی می‌تواند به فرهنگ سالم سازمانی این شغل و همچنین به کاهش منازعات و دعوی‌های حقوقی کمک کند و همکاری و اعتماد میان اعضای این صنف را تقویت کند. پیش از این در جهان منشورهایی اخلاقی برای ویراستاران و سردبیران و کارگزاران نشر تدوین و منتشر شده است و چه بسا برخی مفاد آن‌ها بتواند ما را در تدوین منشوری ملی راهنمایی کند.

هدف از تدوین منشور اخلاقی یکی حفظ اعتبار این شغل و دیگری راهنمایی برای رفتار و مسئولیت‌پذیری خواهد بود.

- ویراستار حق ندارد بدون اجازه یا اطلاع ناشر با پدیدآور ارتباط برقرار کند. همه ارتباطات ویراستار با پدیدآور باید با اجازه اولیه از طرف ناشر باشد.
- ویراستار باید خوش قول باشد و در صورت طول کشیدن کار باید مراتب را به ناشر اطلاع دهد.
- ویراستار در ارزیابی خود از اثر حق ندارد کلمات کلی و مبهم مانند «همه اش غلط است» و «ترجمه خیلی بد» به کار ببرد.

ب- در قبال پدیدآور

- ویراستار باید به همه پدیدآوران یکسان احترام بگذارد؛ چه پدیدآور سرشناس و چه پدیدآور تازه کار.
- ویراستار باید با پدیدآور روابطی اگر نه لزوماً دوستانه ولی احترام آمیز داشته باشد.
- ویراستار اگر اطلاعاتی از شخصیت و زندگی خصوصی پدیدآور یا خانواده و نزدیکان او کسب کند باید آن‌ها را محرمانه تلقی کند و به هیچ وجه بروز ندهد.
- ویراستار نباید سخنان خصوصی پدیدآور را که فقط به او گفته یا در جمعی خصوصی بیان کرده در جایی بازگو کند.

ج- در قبال سرویراستار یا ویراستار دیگر

- ویراستار نباید اشتباهات ویراستار دیگر را جز به سرویراستار یا ناشر اطلاع دهد.
- ویراستار موظف است هر آنچه مطلب مفید درباره متن می‌داند به سرویراستار منتقل کند.
- ویراستار باید صحبت‌های خصوصی سرویراستار را محرمانه تلقی کند و به پدیدآور منتقل نکند.
- هرگونه اختلاف نظر میان ویراستاران باید با قضاوت سرویراستار و، در صورت لزوم، ناشر رفع شود و کس دیگری نباید از این موضوع خبردار شود.

- ویراستار اگر خود می‌داند که در ویرایش متن هیچ سهمی نداشته و یا سهم بسیار ناچیزی داشته و ویراستار دیگری عمده یا تمام کار ویرایش را انجام داده باید این امر را پیش از تولید کتاب به ناشر اطلاع دهد.
- ویراستار نباید برای گرفتن کار ویراستار دیگر هیچ‌گونه رفتار ترغیبی، از جمله اعلام دستمزد پایین‌تر یا زمان کمتر، از خود نشان دهد.

د- در قبال متن

- ویراستار پاسخ‌گوی فایل یا پرینتی است که روی آن ویرایش کرده و به ناشر تحویل داده و نباید از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کند.
 - ویراستار باید متن را محرمانه تلقی کند و حق ندارد با احدی در مورد محتوا یا ارزش آن یا میزان ویرایش آن صحبت کند.
 - ویراستار تا پیش از انتشار متن حق ندارد از بخشی یا کل متن در جای دیگری، مانند مقاله دیگری یا نوشته‌های خود، استفاده کند.
 - ویراستار باید در طی ویرایش اگر به تصادیقی از انتحال و سرقت محتوایی در متن برخورد، باید آن را به سرویراستار و ناشر اطلاع دهد.
- چنان که پیش‌تر گفته شد، این‌ها فقط پیشنهاد است و تنها برای روشن شدن مطلب بیان شد تا منظور از منشور اخلاقی تا حدی روشن شود و مطمئناً نکات بسیار دیگری می‌توان در این منشور گنجاند.
- قاعدتاً منشور اخلاقی باید به صورت جمعی و با کسب نظر از بسیاری از ویراستاران باتجربه تدوین شود و به نظر می‌رسد شایسته‌ترین نهاد و مرجع قانونی و عرفی، برای تدوین منشور اخلاقی ویراستاران، انجمن صنفی ویراستاران است و امیدوارم این انجمن اکنون پس از تعیین روز ویراستار و تدوین نرخ‌نامه ویرایش گام مؤثر دیگری برای جامعه ویراستاران بردارد.

فقر نظری در ویرایش



مهدی فتواتی | پژوهشگر، مدرس ویرایش

آشنا شدند. از آن زمان تاکنون، متخصصان و استادان گران‌مایه‌ای به تبیین و تعمیم آموزه‌های زبان‌شناختی همت گمارده‌اند. آنچه امروز در مباحث زبانی ویرایش مطرح است بی‌تردید ریشه در خاکی دارد که از خوان پر نعمت زبان‌شناسی تغذیه می‌شود. شناخت کامل از و تسلط کافی بر پاره‌ای از مفاهیم زبان‌شناختی از بایسته‌های دانش و فن امروزین ویرایش است. آواشناسی، واج‌شناسی، ساخت‌واژه، نحو،

ویرایش، با معنا و مفهوم امروزی، از اوایل دهه ۱۳۳۰ خورشیدی آغاز شده و جاده‌ای هفتادساله را تاکنون پیموده است. همه ما نیک می‌دانیم که چه بسیار شخصیت‌های حقیقی و حقوقی گران‌سنگ و گران‌قدری که در پیدایش و پیمایش این جاده پرپیچ‌وخم مؤثر بوده‌اند. این یادداشت، با ارج نهادن بر تمامی گران‌سنگان، فقط در نظر دارد به مخاطبانش جایگاه توجه به «مبانی و مفاهیم نظری» را گوشزد کند.

از سوی دیگر، این یادداشت فقط یکی دو شاخه از پهنه گسترده و لایه‌های تودرتوی ویرایش را می‌نمایاند و درنگی کوتاه در ایستگاه آن‌ها دارد. همچنین، مقصود از ویرایش در این نوشته فقط بر برخی از جنبه‌های زبانی مانند دستورخط، نشانه‌گذاری و ویرایش زبانی است. این ذهنیت نزد عموم جامعه و اهالی قلم بوده و هست که «ادبیات فارسی» خاستگاه و پایگاه بنیادین ویرایش است و هر آن که ادبیاتش به، ویرایشش بهتر. شناخت ادبیات و تسلط بر آن حتماً به ویرایش مدد می‌رساند؛ اما این گونه نیست که اگر کسی ادبیات نداند، نتواند مباحث زبانی ویرایش را انجام دهد.

با پیدایش دانش زبان‌شناسی و گسترش آن، آرام‌آرام ایرانیان از دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ خورشیدی با این دانش

این ذهنیت نزد عموم جامعه و اهالی قلم بوده و هست که «ادبیات فارسی» خاستگاه و پایگاه بنیادین ویرایش است و هر آن که ادبیاتش به، ویرایشش بهتر. شناخت ادبیات و تسلط بر آن حتماً به ویرایش مدد می‌رساند؛ اما این گونه نیست که اگر کسی ادبیات نداند، نتواند مباحث زبانی ویرایش را انجام دهد.

بسیاری از درست‌انگاری‌ها و نادرست‌انگاری‌ها را تشخیص و تشحیذ می‌دهد.

به نظر می‌رسد در روزگار کنونی هیچ اهل قلمی از دانش زبان‌شناسی بی‌نیاز نیست. ناآشنایی با زبان‌شناسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فقر نظری در ویرایش است. سلیقه‌گرایی و ویراستاران یکی از بارزترین نمودهای نبود مفاهیم نظری در ویرایش است. البته، نگارنده بر این نظر است که همه‌ساز و کارها و فرایندهای ویرایش (زبانی و غیرزبانی) بر ستون مبانی نظری متکی‌اند. حتی گذاشتن «نقطه» در متن هم چنین وضعیت و موقعیتی دارد.

چرا زبان فارسی به زبان یا واژه‌های عربی نیاز دارد؟ آیا زبان فارسی با خطر هجوم واژه‌های بیگانه مواجه است؟ حدود و ثغور واژه چگونه است؟ آیا ویرایش باید به زبان معیار صورت پذیرد؟ رعایت امانت در ترجمه و ویرایش ترجمه یعنی چه؟ آیا مفهوم و فرایند «همزه» در زبان فارسی نیز وجود دارد؟ کاربرد «را» در زبان فارسی چگونه است؟ آیا ویراستار باید اجزای فعل مرکب را به هم نزدیک کند؟ آیا یک ویراستار می‌تواند هم ویراستار متون پزشکی باشد و هم ویراستار متون مهندسی؟ آیا شناخت ابزارهای انسجامی متن به ویراستار کمکی می‌کند؟ نگاهی گذرا به همین چند پرسش و پرسش‌های مشابه نشان می‌دهد که ویراستاران تا چه میزان باید به دانش نظری مسلح شوند تا هم بتوانند ویرایشی کم‌نظیر عرضه کنند و هم بتوانند در مذاکرات خود با صاحبان آثار و ناشران، هر چه بهتر، از عملکرد خود دفاع کنند.

”
به نظر می‌رسد در روزگار کنونی هیچ اهل قلمی از دانش زبان‌شناسی بی‌نیاز نیست. ناآشنایی با زبان‌شناسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فقر نظری در ویرایش است.
“

معنا و مفهوم‌شناسی، واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، کاربردشناسی، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان و گفتمان‌شناسی مهم‌ترین شاخه‌های دانش زبان‌شناسی‌اند که هر اهل قلمی، به‌ویژه ویراستاران، بهتر است تا حد امکان در فراگیری آن‌ها بکوشد.

یادگیری و فراگیری زبان‌شناسی به‌تنهایی کافی نیست؛ پس از فراگیری زبان‌شناسی، ویراستار باید کاربست آن‌ها را نیز در کار خود بداند. «واج، تکواژ، واژه، عناصر زبرزنجیری، تکواژگونه، گونه آزاد، پیشوند، پسوند، نندواره، بیناوند، مقوله دستوری، نقش دستوری، واژگانی‌شدگی، دستوری‌شدگی، وند تهی، اشتقاق صفر، اشتقاق و تصریف، انواع گروه‌های نحوی، سازه‌های اجباری و اختیاری، تفاوت واژه با اصطلاح، چگالی واژگانی، انواع فرانش‌های گفتمانی، اطلاع کهنه و اطلاع نو، انواع استعاره‌های مفهومی و دستوری، نظریه ایکس تیره و ترکیب‌های درون‌مرکز و برون‌مرکز» مشت نمونه خروارند که هر ویراستاری، با اشراف بر آن‌ها و شیوه کاربستشان، پایه و اساس



ویرایش و زبان‌شناسی

ارتباطی عمودی، افقی یا موازی؟



نیوشا عاشورزاده | ویراستار، مترجم، پژوهشگر

تولید زبانی، اعم از گفتاری، نوشتاری، هنری، یا ادبی، مرتبط با علم زبان‌شناسی خواهد بود. ویرایش نیز، به منزله فرایندی زبانی، نقشی اساسی در بهبود کیفیت تمام گونه‌های تولیدی پیش‌گفته داشته و مستقیماً با زبان‌شناسی در ارتباط است.

اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که این ارتباط از چه نوعی است؟

برای پاسخ به این پرسش، باید ابتدا درک کنیم که هر ارتباطی، به‌ویژه در دنیای علم، نیاز به مدل یا چارچوبی مشخص دارد. همان‌طور که زبان‌شناسی

می‌توان گفت زبان‌شناسی انسانی‌ترین علم در میان تمام علوم انسانی است. برای پذیرش صحت این جمله کافی است بدانیم که عمده تفاوت انسان با نزدیک‌ترین گونه‌های جانوری خود به همان توانش و کنش زبانی بازمی‌گردد که جان کلام نوآم چامسکی است. چامسکی، با نظریه‌های خود در زمینه زبان‌شناسی، به‌وضوح بیان کرد که یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان توانایی پردازش زبان و تولید آن است. این ویژگی اساسی باعث می‌شود زبان‌شناسی علم و دانشی باشد که به عمق هستی‌شناسی انسان و تعاملات اجتماعی او در تمامی ابعاد زندگی پرداخته و به همین دلیل می‌توان تمام علوم را که به هر نوعی با انسان و زبان در ارتباط‌اند، مستقیم یا غیرمستقیم، مرتبط با زبان‌شناسی دانست. تأثیر مطالعات زبان‌شناختی در بسیاری از علوم زیستی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، ادبیات و سایر حوزه‌های مشابه به‌طور مستمر دیده می‌شود. رد و نشان زبان‌شناسی را می‌توان در تحلیل ساختارهای بیولوژیک مغز، فرایندهای شناختی، تعاملات اجتماعی، حتی در نحوه شکل‌گیری ایده‌ها و عقاید سیاسی و البته در تفسیر آثار ادبی مشاهده کرد. به‌طور خاص، هر گونه

» همان‌طور که زبان‌شناسی در مقام علمی مستقل به بررسی ساختارهای زبان، قوانین و البته چپستی آن می‌پردازد، ویرایش نیز فرایند اصلاح و بهبود تولیدات زبانی را دنبال می‌کند.

«

در مقام علمی مستقل به بررسی ساختارهای زبان، قوانین و البته چیستی آن می‌پردازد، ویرایش نیز فرایند اصلاح و بهبود تولیدات زبانی را دنبال می‌کند. برای فهم دقیق‌تر این ارتباط، می‌توانیم سه مدل مختلف ارتباطی را بررسی کنیم: ارتباط عمودی، ارتباط افقی و ارتباط موازی. این مدل‌ها به‌طور خاص به این پرسش پاسخ می‌دهند که ویرایش و زبان‌شناسی چگونه و در چه چارچوبی با یکدیگر همراه می‌شوند.

ارتباط عمودی: به معنای تعامل و تأثیرگذاری یک حوزه علمی بر دیگری است که معمولاً در سطحی سلسله‌مراتبی قرار دارد. در این مدل، زبان‌شناسی همچون علمی بنیادی می‌تواند قواعد و اصول خود را بر تولیدات زبانی تحمیل کند و ویرایش نیز بر اساس آن اصول به بهبود آثار زبانی بپردازد. این نوع ارتباط ارتباطی یک‌طرفه است که در آن زبان‌شناسی، در جایگاه علم مادر، ویرایش را هدایت می‌کند. به‌طور کلی، زبان‌شناسی و ویرایش در کنار هم، یکی به‌مثابه مبنای نظری و دیگری به‌مثابه اجرای عملی آن، کیفیت متون را ارتقا می‌دهند.

ارتباط یک‌طرفه و بالا به پایین در نهایت منجر به تجویز افراطی خواهد شد. تجویز افراطی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن زبان‌شناسان یا متخصصان زبان مجموعه‌ای از قواعد و اصول زبانی را برای استفاده صحیح از زبان تعیین می‌کنند، ولی برای اعمال تغییرات و هماهنگی با بخش‌های کاربردی تمایلی نشان نمی‌دهند. این تجویز می‌تواند به سطح‌های مختلفی از زبان شامل دستور زبان، واژه‌ها، تلفظ و سبک نوشتاری مربوط باشد. تجویز در زبان‌شناسی در مقابل توصیف قرار دارد؛ در حالی که توصیف به تحلیل و شناسایی نحوه استفاده واقعی افراد از زبان می‌پردازد، تجویز بر آن است که نشان دهد زبان چگونه باید استفاده شود. به این ترتیب، تجویز، به‌ویژه در آموزش زبان، می‌تواند با ویرایش متون و توسعه دستور زبان‌های رسمی کاربرد گسترده‌ای داشته باشد. اما ارتباط‌های یک‌طرفه تا امروز چقدر توانسته‌اند ثمربخش باشند؟

کتاب‌های تجویزی مانند غلط‌نویسیم و دستور خط فارسی تا چه حد در کسب مقبولیت میان گویشوران موفق بوده‌اند؟

ارتباط افقی: به معنای تعامل و هم‌افزایی بین دو یا چند حوزه علمی است که در آن هیچ حوزه‌ای ارشذیت خاصی به دیگری نداشته و رسالت هر کدام بهبود در کنار دیگری است. در این مدل، ویرایش و زبان‌شناسی، مشترکاً بر اساس اصول و قواعد موجود، به بهبود و پالایش زبان کمک می‌کنند. ویرایش ممکن است به زبان‌شناسی بازخورد دهد یا درخواستی داشته باشد و زبان‌شناسی نیز ممکن است روش‌های جدیدی برای بهبود فرایند ویرایش معرفی کند. در شرایطی که می‌توان با کمک گرفتن از نمودارهای درختی نحوی به رفع ابهام‌های جمله پرداخت، نقش زبان‌شناسی بر جسته‌تر و زمانی که برای نیازسنجی یا تدوین دستورهای خط و فرهنگ‌های لغت تخصصی نیاز به فهم مشکلات گویشوران باشد نقش ویرایش تقویت خواهد شد.

ارتباط موازی: به معنای هم‌زمانی فعالیت‌های دو حوزه است که مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند. در این حالت، زبان‌شناسی و ویرایش هر کدام مسیرهای متفاوتی را طی می‌کنند و در نهایت ممکن است به هدف مشابهی برسند که آن ارتقای کیفیت زبانی و بهبود تولیدات نوشتاری و گفتاری باشد؛ امکان هم دارد هرگز به اهداف مشترکی نرسند و مکرراً شاهد اتلاف زمان، منابع، ناهماهنگی و موارد دیگر باشیم. تازمانی که شکل‌های میان‌حوزه‌ای رسمیت نیابند در تمامی علوم و مباحث شاهد بروز این ارتباط موازی خواهیم بود.

برای فهم بهتر و دقیق‌تر ارتباط بین زبان‌شناسی و ویرایش، بیابید نگاهی به منابع اصلی ویراستاران بیندازیم. ویراستاران معمولاً به مجموعه‌ای از قواعد دستوری، ساختاری، معنایی و سبکی نیاز دارند تا متن را از نظر روان بودن، صحت و دقت بهبود بخشند. این قواعد اصولاً برگرفته از یافته‌های زبان‌شناختی‌اند؛

به طور خاص، از زبان‌شناسی ساختاری، معنی‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی. در واقع ویراستاران، با در نظر گرفتن این قواعد و نظریه‌های زبان‌شناسی، متون را از جنبه‌های مختلفی همچون انسجام معنایی، روان بودن جمله‌بندی‌ها و صحت دستوری بررسی می‌کنند؛ اما نیازسنجی این منابع با بازخوردهایی انجام می‌شود که مهم‌ترین منابع پیاده‌سازی آن‌ها ویراستاران هستند. مسلماً این ارتباط پیچیده و چندلایه بین ویرایش و زبان‌شناسی نیازمند تفکر و بررسی دقیق‌تر است. فقط در صورتی که بتوانیم نوع این ارتباط را به خوبی بشناسیم و درک کنیم می‌توانیم از تمام ظرفیت‌های آن بهره‌برداری کنیم. چه ارتباط عمودی باشد، چه افقی یا موازی، این همکاری قطعاً به بهبود کیفیت زبانی آثار نوشتاری و گفتاری منتهی خواهد شد.

بنابراین، ویرایش فقط یک فعالیت زبانی نیست، بلکه جزئی از فرایند پیچیده یادگیری و انتقال صحیح دانش زبانی به شمار می‌آید. آنچه امروزه بیشتر از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم ارتباطی هم‌سطح و افقی میان این دو حوزه است؛ ارتباطی که به هماهنگی و یک‌دستی خروجی‌های زبانی کمک کند و این امری است که متأسفانه در بسیاری از موارد شاهد آن نیستیم. اگر نهادهای معتبر مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌طور مداوم با این دو حوزه در تعامل باشند، قطعاً هماهنگی‌ها، کیفیت خروجی‌های زبانی و همچنین مقبولیت دستورهای منتشرشده چشمگیرانه افزایش خواهد یافت. همچنین می‌توان با تعاملات بیشتر یا حتی تشکیل نهادهای مشترک میان مراجع زبان‌شناسی در دانشگاه‌ها و انجمن‌های رسمی مانند انجمن صنفی ویراستاران به هدف نهایی هم‌افزایی و تعامل مؤثر بین زبان‌شناسی و ویرایش دست یافت که در نتیجه آن کیفیت متون علمی و ادبی بهبود یابد و شاهد ارتقای استانداردهای زبانی به‌طور مؤثر و هماهنگ در سطح جامعه همراه با مقبولیت همگانی باشیم. از این تعاملات مشترک

بنابراین، ویرایش فقط یک فعالیت زبانی نیست، بلکه جزئی از فرایند پیچیده یادگیری و انتقال صحیح دانش زبانی به شمار می‌آید. آنچه امروزه بیشتر از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم ارتباطی هم‌سطح و افقی میان این دو حوزه است؛ ارتباطی که به هماهنگی و یک‌دستی خروجی‌های زبانی کمک کند.

می‌توان به برگزاری کارگاه‌های مشترک برای ویراستاران و زبان‌شناسان برای تبادل نظر و انتقال تجارب اشاره کرد. همچنین می‌توان با نیازسنجی‌های عملی از سوی ویراستاران و ارائه پیشنهادها گوناگون به زبان‌شناسان دستورالعمل‌های تخصصی مشترک بر اساس نیازهای ویراستاران تدوین کرد. شاید ما همیشه با این دید به این اشتراکات نگاه کرده باشیم که زبان‌شناسان باید بر ویرایش تسلط داشته باشند، کمااینکه برگزاری دوره‌های آشنایی با زبان‌شناسی نیز می‌تواند برای ویراستاران بسیار مفید باشد. در میان این دوره‌ها می‌توان به زبان‌شناسی کاربردی، نحو، معنی‌شناسی، آواشناسی، سبک‌شناسی و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد.

در نهایت، ارتباط میان زبان‌شناسی و ویرایش، چنان که در این مطلب بررسی شد، می‌تواند در صورت رعایت تعاملات دقیق و هم‌سطح، موجب ارتقای کیفیت زبانی در متون مختلف شود. این همکاری نه تنها به بهبود متون علمی و ادبی کمک خواهد کرد، بلکه به منظور گسترش و توسعه زبان و فرهنگ مسیرهای جدیدی برای هماهنگی میان نهادهای مختلف خواهد ساخت.

تاریخ شفاهی چیست و چه دستاوردهایی دارد؟



مهناز مقدسی | ویراستار، پژوهشگر، مدرس ویرایش

در قرن اخیر، پژوهشگران تاریخ فقط به منابع تاریخی دست اول، یعنی اسناد و مدارک و نوشته‌های شاهدان وقایع، اکتفا نمی‌کنند و از منابع ثانوی مانند آثار ادبی، اشیا و آثار هنری، یادداشت‌ها و خاطره‌نویسی‌ها و گفته‌های شفاهی افراد برای تکمیل و تصحیح اطلاعات تاریخی کمک می‌گیرند.

بدین ترتیب، باید گفت که در چند دهه اخیر دستاوردهای تاریخ شفاهی راهگشا بوده و کمک بزرگی به پژوهشگران حوزه علوم انسانی به ویژه تاریخ و تاریخ‌نگاری کرده و در زمره منابع دست اول قرار گرفته است. عنوان «تاریخ شفاهی» را برخی نادقیق می‌دانند؛ زیرا فقط به ثبت تاریخ یا دوره‌های تاریخی منتهی نمی‌شود، اما چون یافته‌های حاصل از آن بر اساس گفته‌ها و شنیده‌هاست و در درک اتفاقات و ارتباطاتی که در گذشته انجام شده مؤثر است مناسب‌ترین عنوان برای آن «تاریخ شفاهی» است.

تاریخ شفاهی چشم‌انداز جدیدی است در عرصه تحقیق و پژوهش که طی آن موضوعات و وقایع و حوادث و شخصیت‌ها و زوایای پنهان و پیدای آن‌ها از منظری نو نگریسته می‌شود. تاریخ شفاهی از جمله روش‌های تحقیق کیفی^۱ و بر اساس مصاحبه و گفت‌وگو با شاهدان

وقتی از «تاریخ‌نگاری» سخن می‌گوییم، دو معنا به ذهن متبادر می‌شود: ۱) فرایند نگارش تاریخ؛ ۲) محصول نهایی آن که «تاریخ» است. پژوهشگران تاریخ بر این نکته تأکید دارند که اطلاعات تاریخی همیشه در معرض تغییر است و هرگز نمی‌توان به آن‌ها استناد قطعی کرد؛ زیرا همواره یافته‌های جدید در اطلاعات تاریخی پیشین تأثیر می‌گذارد و آن را تکمیل می‌کند یا به کل تغییر می‌دهد.

مورخان همیشه کوشیده‌اند با طی کردن فرایندی صحیح به برداشت «درست» از وقایع و «تاریخ واقعی» برسند؛ در حالی که اسناد و مدارک دست مورخان را بسته‌اند. واریسی اسناد و مدارک و اطمینان از صحت آن‌ها نیازمند داشتن دانش و توانایی درک و استنباط دقیق است و مورخ همیشه برای ثبت تاریخ دچار شک و تردید می‌شود. این شک و تردید لازمه بقای کار تاریخ‌نگار است؛ زیرا رسیدن به اطلاعات دقیق دست‌اندازهای فراوانی دارد. تاریخ بیش از هر چیز نوعی گفت‌وگوست میان گذشته و حال، میان آنچه واقعاً رخ داده و آنچه قرار است در آینده رخ بدهد. همین است که حساسیت آن را چند برابر می‌کند و تردید در واقعی بودنش را بیشتر.

هدف از تاریخ شفاهی به دست آوردن اطلاعاتی است که در طول زمان و بر اثر تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و هنری در معرض نابودی اند. با این توصیف، تاریخ شفاهی در حوزه‌های متعددی در رأس پژوهش‌هاست؛ از جمله فرهنگ عامه و فولکلور، تاریخ سیاسی، ثبت آداب و رسوم اقوام، زبان‌ها و گویش‌ها، موسیقی اقوام، اطلاعات جغرافیایی و معماری اماکن و شهرها.

دانشگاه کلمبیا در امریکا برمی‌گردد. آلن نوینز^۲ در دانشگاه کلمبیا نخستین کسی بود که تلاشی اصولی برای ضبط و نگهداری خاطراتی صورت داد که ارزش و اهمیت تاریخی داشتند و این اطلاعات را برای پژوهش‌های بعدی آماده کرد. او در تحقیقاتش متوجه شد که برخی اسناد، مانند نامه‌ها و یادداشت‌های روزانه و خاطرات، جمع‌آوری نشده و برای ثبت زندگی‌نامه افراد به این اطلاعات نیاز است، اما چون دستیابی به این اسناد نیاز به کاغذبازی داشت به ذهنش خطور کرد که با افرادی که در آن زمینه اطلاعاتی دارند مصاحبه کند. بدین ترتیب، دفتر پژوهشی تاریخ شفاهی کلمبیا، بزرگ‌ترین مجموعه آرشیوی مصاحبه‌های تاریخ شفاهی دنیا و جنبش تاریخ شفاهی معاصر، شکل گرفت.

پروژه تاریخ شفاهی در ایران نیز در سال ۱۳۶۰ و به ابتکار حبیب‌لاجوردی در دانشگاه هاروارد آغاز شد که در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد به اجرا درآمد. در این پروژه بیش از ۱۴۰ مصاحبه انجام گرفته است. تمرکز این گفت‌وگوها بر تاریخ معاصر بوده و از سیاستمداران و صاحب‌منصبان معاصر ایران

رخداد تاریخی یا اشخاص سهیم در آن رخداد است و این گفت‌وگوی روشمند و هدفمند و آگاهانه که بین دو یا چند نفر انجام می‌گیرد ابعاد یک موضوع یا رخداد را، که اهمیت تاریخی و اجتماعی دارد، ثبت و ضبط می‌کند و از این طریق به ماندگاری آن واقعه یا اطلاعات کمک می‌کند. در حقیقت، پژوهشگر تاریخ شفاهی، با یاری گرفتن از حافظه افراد، دوره‌ای از تاریخ یا حادثه‌ای را بازآفرینی می‌کند.

پژوهشگر تاریخ شفاهی با استفاده از ابزارهایی چون ضبط صوت و دوربین فیلم برداری و عکاسی به ثبت خاطرات و مشاهدات و تصاویر و اسناد یک حوزه خاص می‌پردازد که، با کنار هم قرار دادن این اطلاعات، یافته‌هایی مستقیم و غیرمستقیم حاصل می‌شود. مستقیم آن یافته‌هایی است که در راستای هدف شکل‌گیری آن تاریخ شفاهی به دست می‌آید و غیرمستقیم یافته‌هایی است که در حاشیه اطلاعات اصلی حاصل می‌شود. مثالی می‌زنم: در بسیاری از فیلم‌های مستندی که ساخته می‌شود هدف یک موضوع خاص است، اما هنگامی که دوربین فیلم برداری در دست عوامل قرار می‌گیرد ممکن است تصاویری ثبت شود که جزئیات دیگری را روشن کند و بسا که اطلاعات خاصی را در زمینه دیگری به مخاطب بدهد.

هدف از تاریخ شفاهی به دست آوردن اطلاعاتی است که در طول زمان و بر اثر تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و هنری در معرض نابودی اند. با این توصیف، تاریخ شفاهی در حوزه‌های متعددی در رأس پژوهش‌هاست؛ از جمله فرهنگ عامه و فولکلور، تاریخ سیاسی، ثبت آداب و رسوم اقوام، زبان‌ها و گویش‌ها، موسیقی اقوام، اطلاعات جغرافیایی و معماری اماکن و شهرها.

مروری بر پیشینه تاریخ شفاهی

سرآغاز تاریخ شفاهی، به معنای امروزی آن در جهان، به سال ۱۹۴۸ و جریان جمع‌آوری اسناد تاریخی در

مصاحبه گرفته شده است. نتایج این مصاحبه‌ها نیز در چندین جلد کتاب منتشر شده است.

مراحل تدوین تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی، چنان که آمد، بر اساس گفت‌وگو شکل می‌گیرد که یک‌سوی آن مصاحبه‌گر و سوی دیگر مصاحبه‌شونده است که روایتگر حوادث است. اما آیا هر نوع گفت‌وگویی را می‌شود تاریخ شفاهی نامید؟ تفاوت اصلی گفت‌وگوهای تاریخ شفاهی با دیگر گفت‌وگوها در این است که مصاحبه تاریخ شفاهی هدفمند است و مطالب روایت تاریخی دارد. مصاحبه‌کننده با پرسش‌های خود به کشف و شهود می‌رسد و خاطرات مصاحبه‌شونده یا راوی را، به شیوه‌ای ماهرانه، بیرون می‌کشد و گاه کمک می‌کند که راوی خاطراتش را مرور و دسته‌بندی و بازگو کند و از میان پاسخ‌های راوی پرسش‌های جدیدی را خلق می‌کند و ذره‌ذره به اعماق ذهن راوی نفوذ می‌کند و تا پایان مصاحبه پیش می‌رود.

اگر چه در روند تاریخ شفاهی فیلم و عکس و مشاهدات مصاحبه‌گر مهم‌اند، اساساً مصاحبه است که در رأس قرار دارد. به همین علت باید بر دو عنصر مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده تأکید کرد؛ همچنین موارد دیگری نیز در تاریخ شفاهی مهم‌اند که در ادامه نکاتی درباره هر کدام آمده است:

۱) مصاحبه‌کننده

برخی ویژگی‌های مصاحبه‌کننده تاریخ شفاهی از این قرار است:

۱. داشتن دانش و آگاهی نسبتاً کامل به موضوع و منابع نوشته‌شده درباره موضوع؛
۲. داشتن اطلاعات درباره مصاحبه‌شونده و موقعیت فردی و اجتماعی او؛
۳. داشتن قدرت جلب اعتماد مصاحبه‌شونده و دادن آگاهی از هدف مصاحبه و نتیجه آن؛

۴. داشتن مهارت ارتباطی با افراد گوناگون با روحیه‌های متنوع و قدرت هدایت صحبت‌ها؛
۵. دادن فرصت کافی به مصاحبه‌شونده برای پاسخ دادن و کمک به استخراج خاطرات او؛
۶. کمک به شکل‌گیری روایت با یادآوری اسامی و دادن اطلاعات حاشیه‌ای و ارجاعات لازم در مواقع مناسب؛
۷. تهیه پرسش‌های دقیق و هدفمند، بر اساس پیش‌طرح مدون؛
۸. طرح پرسش‌های بجا از صحبت‌های مصاحبه‌شونده برای تکمیل اطلاعات؛
۹. دقت در ثبت اسامی اشخاص یا مکان‌ها یا تاریخ‌هایی که مصاحبه‌شونده بیان می‌کند؛
۱۰. دخالت ندادن نظر و دیدگاه شخصی در مصاحبه و پرهیز از زیاده‌گویی؛
۱۱. کمک گرفتن از عکس و فیلم و نوشته برای یادآوری خاطرات؛
۱۲. خسته نکردن مصاحبه‌شونده و، در صورت نیاز، چندمرحله‌ای کردن مصاحبه؛



مصاحبه‌کننده با پرسش‌های خود به کشف و شهود می‌رسد و خاطرات مصاحبه‌شونده یا راوی را، به شیوه‌ای ماهرانه، بیرون می‌کشد و گاه کمک می‌کند که راوی خاطراتش را مرور و دسته‌بندی و بازگو کند و از میان پاسخ‌های راوی پرسش‌های جدیدی را خلق می‌کند و ذره‌ذره به اعماق ذهن راوی نفوذ می‌کند و تا پایان مصاحبه پیش می‌رود.



۳) مکان و زمان مصاحبه

مکان و زمان در مصاحبه بسیار مهم است که در ادامه نکاتی درباره آن ذکر می‌شود:

۱. داشتن نور مناسب برای تهیه عکس و فیلم؛
۲. انتخاب مکان ساکت و بدون تردد و شلوغی؛
۳. انتخاب ساعت مناسب که مصاحبه‌شونده خسته یا مشغول کاری نباشد؛
۴. زاویه نشستن مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده در برقراری احساس همدلی و راحتی گفت‌وگو مهم است؛
۵. قرار دادن دستگاه‌های فیلم‌برداری و ضبط در جای مناسب.

ترجیح آن است که فضای مصاحبه را مصاحبه‌شونده انتخاب کند و تا حد امکان محل زندگی او باشد که بتوان از محتواهای دیگری مثل عکس و صوت بهره گرفت.

۴) ابزارهای مصاحبه

ضبط صوت، دوربین عکاسی و دوربین فیلم‌برداری ابزارهایی اند که مصاحبه‌کننده باید همراه داشته باشد. با توجه به اینکه این امکانات در زمان کنونی به راحتی قابل دسترس است بهتر است، با حفظ امنیت روانی مصاحبه‌شونده، از این ابزارها استفاده کرد.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد این است که مصاحبه‌کننده در جایگاه بازجو نیست که مصاحبه‌شونده را در فشار بگذارد تا از او پاسخی بشنود. باید فضا و مکان مصاحبه و ادبیات حاکم بر جلسه برای مصاحبه‌شونده مطلوب و همراه با امنیت باشد و با رغبت در گفت‌وگو شرکت کند.

۱۳. جلب رضایت مصاحبه‌شونده برای تهیه فیلم و عکس از او یا وسایل شخصی و یا اشیای مرتبط با موضوع؛

۱۴. گرفتن اجازه از مصاحبه‌شونده بابت انتشار کلی مطالب مصاحبه و تصاویر و نتایج حاصل از آن. مصاحبه‌کننده را از نظر دانش و توانایی به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: مصاحبه‌کننده در جایگاه شنونده فعال، مصاحبه‌کننده در جایگاه مورخ، مصاحبه‌کننده در جایگاه سهیم در روایت.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد این است که مصاحبه‌کننده در جایگاه بازجو نیست که مصاحبه‌شونده را در فشار بگذارد تا از او پاسخی بشنود. باید فضا و مکان مصاحبه و ادبیات حاکم بر جلسه برای مصاحبه‌شونده مطلوب و همراه با امنیت باشد و با رغبت در گفت‌وگو شرکت کند. اگر نیاز باشد بهتر است جلسه گفت‌وگو را کوتاه کرد و فرصت استراحت به مصاحبه‌شونده داد.

۲) مصاحبه‌شونده

انتخاب شخص مناسب برای مصاحبه بسیار مهم است. دانش و توانایی او در دادن اطلاعات باید مد نظر مصاحبه‌کننده باشد. در این مورد توصیه می‌شود به نکات زیر توجه شود:

۱. مصاحبه‌شونده در تاریخ شفاهی کسی است که شاهد دوره یا رخداد تاریخی یا سهیم در آن باشد؛
۲. مصاحبه‌شونده باید به صحبت کردن اشتیاق داشته باشد؛
۳. مصاحبه‌شونده باید احساس آزادی و امنیت کند تا خاطرات و احساسات و تجارب و نظرهای خود را بیان کند؛
۴. از مصاحبه‌شونده درخواست شود که تصاویر یا اشیای آثاری را که به تکمیل موضوع کمک می‌کند در اختیار مصاحبه‌کننده قرار بدهد و با کمک آن‌ها نیز اطلاعات بیشتری بیان کند.

۵. تکمیل اطلاعات شفاهی با تصاویر و دست‌نوشته‌ها یا اسناد.

آنچه از تاریخ شفاهی حاصل می‌شود، به‌ویژه در حوزه‌هایی که منابع مکتوب درباره آن‌ها اندک است، مثل ادبیات شفاهی، هنرهای دستی و سنتی، گویش‌ها و آداب و رسوم منطقه‌ای، معماری و پیشینه آثار، در حوزه پژوهش بسیار مهم است. تاریخ شفاهی به شفاف شدن برخی دانسته‌ها کمک می‌کند؛ از این روست که این حوزه تازه شناخته‌شده اهمیتی ویژه یافته است و در بعضی حوزه‌ها اطلاعاتی دست‌اول را در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

آنچه در این مقاله آمده حاصل برخی تجارب شخصی و یافته‌هایی از برخی منابع است که مهم‌ترین آن‌ها در ادامه آمده است.

منابع

شوپس، لیندا، «تاریخ شفاهی چیست؟»، ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، بازیابی در وبگاه تاریخ شفاهی ایران به نشانی:

[https://oral-history.ir/show.php?page=](https://oral-history.ir/show.php?page=post&id=2352)

[post&id=2352](https://oral-history.ir/show.php?page=post&id=2352)

صالحی، پیمان‌ه و تجلی، آرزو (۱۳۹۸). دستنامه ویرایش و تدوین آثار تاریخ شفاهی، تهران: معین ادارات.

آرنولد، جان. ایچ (۱۳۸۶). تاریخ، مختصر مفید، تهران: نشر ماهی.

پی‌نوشت

۱. تحقیق کیفی یکی از روش‌های پژوهشی است که بر گردآوری داده‌های غیرعددی تمرکز دارد. در این شیوه، پژوهشگر از رویکردهایی کیفی مثل مصاحبه و پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کند و با کمک آن‌ها دست به تحلیل و نتیجه‌گیری می‌زند.

2. Allan Nevins

»
تاریخ شفاهی به شفاف شدن برخی دانسته‌ها کمک می‌کند؛ از این روست که این حوزه تازه شناخته‌شده اهمیتی ویژه یافته است و در بعضی حوزه‌ها اطلاعاتی دست‌اول را در اختیار پژوهشگران قرار داده است.
«

۵) دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات

در تاریخ شفاهی تمامی اطلاعات حاصل شده حائز اهمیت است. تصاویر، صوت، اشیا، مکان‌ها، معمول آن است که اطلاعات شفاهی به متن نوشتاری تبدیل شود و گاه لازم است برای تکمیل مطالب پانویس یا یادداشت به متن افزوده شود و پس از تأیید مصاحبه‌شونده برای انتشار آماده شود.

در مواردی ممکن است در زمان مکتوب کردن اطلاعات برخی حفره‌های اطلاعاتی یافته شود که نیاز به گفت‌وگوی دیگری باشد. یا اینکه تناقضی در گفته‌ها پیدا شود که برای رفع آن از مصاحبه‌شونده کمک گرفته شود. در مجموع پس از اجرای مصاحبه باید روال زیر طی شود:

۱. مکتوب کردن صحبت‌های شفاهی، اگر هدف تهیه محتوای مکتوب باشد؛

۲. دسته‌بندی داده‌های دریافت‌شده و تنظیم درست روایت (جابه‌جایی، تلخیص، تفسیر)؛

۳. راستی‌آزمایی اطلاعات دریافت‌شده با اطلاعات منابع موثق برای تکمیل یا تصحیح احتمالی آن؛

۴. افزودن اطلاعات جنبی مانند مقدمه‌نویسی، شرح‌نویسی، منبع‌نویسی در شکل پانویس یا

پی‌نوشت؛

جایگاه ویرایش در سند پژوهی تاریخی



مهدی فقیه | ویراستار، پژوهشگر

کوتاه مدت بعد یا بازسازی شده یا دستخوش تغییراتی اساسی شده است. نشانه‌های ماهیت کوتاه مدت جامعه به معنایی که یاد کردیم در سراسر تاریخ دیرینه ایران، خواه دوران پیش از اسلام و خواه دوران اسلامی، یافت می‌شود.»

او در بخشی دیگر می‌افزاید: «ما ایرانیان هزارچندگاه با یک انقلاب و دگرگونی بنیادی در نظام سیاسی، تمام دستاوردها و تجربه‌های سازنده و سرمایه‌های

فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که در دوران پیش از آن را داشته‌ایم، نابود می‌کنیم و همه چیز ناگهان به نقطه صفر و آغازین آن بازمی‌گردد. این به آن معناست که ما هر از چند گاهی عمارتی نو می‌سازیم، اما پس از مرور زمان این ساختمان نو، به عنوان عمارتی کلنگی و کهنه، ویران و نابود (صاف) می‌شود.»

این نظریه را می‌توان به حوزه اسناد و میراث فرهنگی مکتوب بسط داد؛ از آنجایی که بعد از سقوط

محمدعلی همایون کاتوزیان، در کتاب تضاد دولت و ملت، نظریه جامعه کلنگی خود را این گونه توضیح می‌دهد: «از آنجا که تداوم درازمدتی در میان نبوده، جامعه ایران در فاصله دو دوره کوتاه تغییراتی اساسی به خود دیده و به این ترتیب تاریخ آن بدل به رشته‌ای از دوره‌های کوتاه مدت به هم پیوسته شده است. بنابراین اگر به این معنی بگیریم تغییرات این جامعه فراوان — و اغلب نمایان — بوده و چنان که گفتیم تحرک اجتماعی

در درون طبقات گوناگون بسیار بیشتر از جوامع سنتی اروپایی بوده است. اما بنابر آنچه گفتیم در این جامعه تغییرات انباشتی درازمدت، از جمله انباشت درازمدت مالکیت، ثروت، سرمایه و نهادهای اجتماعی و خصوصی، حتی نهادهای آموزشی، بسیار دشوار بوده است. بدیهی است که این نهادها در هر دوره کوتاه مدت وجود داشته یا به وجود آمده است، اما در دوره‌های



ساسانیان تا ظهور دولت صفوی در ایران حکومتی واحد که بتواند یکپارچگی سرزمینی را حفظ کند وجود نداشت، در تاریخ شاهد ظهور حکومت‌هایی بوده‌ایم که بر بخشی از قلمرو سرزمینی ایران حکومت می‌کردند و انتقال قدرت هیچ‌گاه مسالمت‌آمیز صورت نمی‌گرفت؛ لذا در جنگ‌های بین‌خاندان‌های حکومتگر شاهد کشتار و ویرانی‌های وسیع بودیم که البته این امر باعث از بین رفتن کتاب‌ها و اسناد دیوانی هم می‌شد و این خود باعث شده است بایگانی و آرشیو متمرکز و جامعی وجود نداشته باشد؛ از این‌رو، فقط بخشی از اسناد به دست ما رسیده است یا به لحاظ اهمیت در درون خانواده‌ها حفظ و ثبت شده است. این وضعیت تا دوره قاجار ادامه داشته است. در این دوران ما شاهد تأسیس «وزارت امور خارجه» هستیم؛ وزارت امور خارجه ایران در سال ۱۲۷۸ توناست، با پیروی از روش بایگانی کشورهای اروپایی، بایگانی خود را با رعایت اصول صحیح حفظ و نگهداری اسناد انسجام بخشید

که به تبع آن یکی از غنی‌ترین و مهم‌ترین مراکز اسناد تاریخی در کشور شکل گرفت. سال ۱۳۴۵، لایحه تأسیس «سازمان اسناد ملی ایران» ارائه شد و در هفدهم اردیبهشت ۱۳۴۹، مجلس شورای ملی قانون تأسیس این سازمان را تصویب کرد. در این قانون اسناد ملی این‌گونه تعریف شده است: «کلیهٔ اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، نوارهای ضبط‌صوت و سایر اسنادی که در دستگاه دولت تهیه شده یا به دستگاه دولت رسیده است و به‌طور مداوم در تصرف دولت بوده از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران ارزش نگهداری داشته باشد». بعدها با تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در جایگاه اولین نهاد مدرن اطلاعاتی و امنیتی، پرونده‌های امنیتی بخش دیگری از اسناد تاریخی در دوران معاصر را شکل دادند. زنده‌یاد دکتر جهانگیر قائم‌مقامی، مورخ، دربارهٔ اسناد تقسیم‌بندی چهارگانه‌ای ارائه کرده است:

۱. اوراق اسنادی که دربارهٔ امور روزمره زندگی است و خود شامل دو گروه، یکی اسناد مالی یا اوراق سندی و دیگری اسناد حقوقی یا اوراق صریحه، است؛
۲. اخوانیات (نامه‌های دوستانه، نوع خاصی از منشآت بود که دیران و منشیان، آن را برای دوستان صمیمی و نزدیکان خود می‌نوشتند و برای آن نیز ارکانی مشخص کرده بودند)؛
۳. مکاتیب دیوانی یا سلطانیات؛
۴. دیوانیات یا نوشته‌های دستگاه‌های اداری.

اسناد تاریخی مهم‌ترین منابع شناخت تاریخ‌اند؛ سند همان حقیقتی است که واقعت «درزمانی» را تثبیت، آشکار و تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، سند پل ارتباطی بین گذشته و آینده است. بخشی از کتاب‌هایی که در حوزه تاریخ منتشر می‌شود متون و اسناد تاریخی است که

» همان‌طور که می‌دانیم در فرایند تولید هر کتابی حضور ویراستار ضروری است، اما در حوزه اسناد تاریخی ویراستاری از نوع دیگری است؛ در این حوزه ویرایش زبانی و صوری جایگاهی ندارد و نمی‌توان متن سند را ویرایش زبانی کرد. ویراستار این آثار در مواردی مجاز است «نقطه»، «ویرگول» یا جداول نویسی کلمات را برای خوانش راحت‌تر متن اعمال کند، ولی حتی رسم الخط را هم باید مطابق متن سند حفظ کند و نباید آن را تغییر دهد.

»

- ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارند و ثبت و ضبط و آماده‌سازی آن‌ها نیازمند دانش و توانایی خاصی است. همان‌طور که می‌دانیم در فرایند تولید هر کتابی حضور ویراستار ضروری است، اما در حوزه اسناد تاریخی ویراستاری از نوع دیگری است؛ در این حوزه ویرایش زبانی و صورتی جایگاهی ندارد و نمی‌توان متن سند را ویرایش زبانی کرد. ویراستار این آثار در مواردی مجاز است «نقطه»، «ویرگول» یا جدانویسی کلمات را برای خوانش راحت‌تر متن اعمال کند، ولی حتی رسم الخط را هم باید مطابق متن سند حفظ کند و نباید آن را تغییر دهد؛ مثلاً اگر در سند «ایطالیا» و «طهران» آمده باشد، مجاز به تغییر آن نیست. اگر به لحاظ دستوری و نحوی در سند مشکلی باشد نباید آن را اصلاح کند و فقط مجاز است آن را در پانویس یا پی‌نوشت مطرح کند و توضیح دهد.

در کتاب‌های علمی وجود «نمایه» برای برقراری خط ارتباطی بین منابع اطلاعاتی متن و استفاده‌کننده یا کاربر ضروری است؛ بنابراین ویراستار اسناد می‌تواند در نمایه‌سازی کتاب، به‌نحو احسن، مشارکت کند و انواع اسامی را تکمیل و ارجاعات آن را برقرار کند (هر چند معمولاً در ساختار سازمانی بنگاه‌های انتشاراتی ویراستاری و نمایه‌سازی جایگاهی متفاوت و افرادی منفک از هم دارند).

در مجموع باید گفت ویراستاری در سند تاریخی از نوع ویراستاری محتوایی و علمی است که سرآمدان آن کسانی بوده‌اند چون مرحوم ایرج افشار و عبدالحسین حائری که جایگاه و وجهت علمی لازم را برای این موضوع داشته‌اند.

ویراستار اسناد تاریخی باید به این نکته مهم هم توجه داشته باشد که کتاب‌های حوزه اسناد تاریخی با سه هدف نگارش می‌شوند:

۱. کار علمی روی سند، یعنی سند محمل اصلی پژوهش است؛

۲. موضوع‌گرایی، یعنی موضوع یا واقعه تاریخی با سند مستند می‌شود؛

۳. معرفت‌شناسی تاریخی اسناد، یعنی دوران‌شناسی و کارکرد «در زمانی» سند مطرح است.

در نهایت، ویراستار اسناد باید توجه کند که آیا کتاب، با توجه به عنوان و آنچه نویسنده به‌منزله هدف نگارش کتاب مطرح کرده و با توجه به دسته‌بندی فوق، هماهنگی و هم‌خوانی دارد یا خیر.

پی‌نوشت

۱. قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲. هر نوشته که در حاشیه سند درج شود و جزء سند نباشد.

• آیا در بازخوانی متن سند امانت‌داری رعایت شده است؟

• آیا در بازخوانی متن سند امانت‌داری رعایت شده است؟



تصویر ویرایی



عبدالحسین آذرننگ | ویراستار، پژوهشگر، نظریه‌پرداز ویرایش و نشر

این عامل‌ها می‌توان دید: نبود تصویر ویرای متخصص و تربیت‌شده، نبود استاد آموزش‌دهنده تصویر ویرایی، نبود دوره‌های آموزشی در این زمینه، گنجانده نشدن مبحث تصویر ویرایی در برنامه‌های آموزشی ویراستاری، ناآشنایی، یا توجه نکردن، یا بی‌اعتنایی ناشران به جنبه‌های فنی این شاخه از ویرایش،

جای‌ندادن تصویر ویرایی در سیاست‌ها و برنامه‌های انتشاراتی و ویرایشی، گرانی هزینه‌های استفاده از اشکال دیداری در نشر آثار، و عامل‌های دیگری از این دست. به سبب همین نپودها و کمبودها، بررسی آسیب‌شناختی اشکال بصری در نشریات فارسی نشان می‌دهد که جز در نمونه‌های انگشت‌شمار و

بسیار معدود، استفاده مناسب و متناسب از تصویر، ایجاد ارتباط مستقیم میان متن و تصویر، چگونگی استفاده از تصویر و جای‌دادن آن در جای مناسب در کتاب‌های

مراد از واژه «تصویر» فقط عکس نیست، بلکه همه اشکال بصری مانند طرح، نقشه، رسم، نقاشی، کاریکاتور، جدول، نمودار و نظایر آن در دامنه معنایی این واژه قرار می‌گیرد. تصویر ویرایی (ویرایش تصویر، یا ویرایش اشکال دیداری/بصری) یکی از شاخه‌های ویرایش است که در

دهه‌های اخیر در نشرهای توسعه‌یافته پیشرفت بسیار زیادی داشته است و علت آن هم توسعه مطالعات روان‌شناختی و روان‌شناسی شناختی، نشانه‌شناسی و بررسی تأثیرهای اشکال دیداری در انتقال سریع‌تر و بهتر مفاهیم، سرعت تأثیرگذاری و یادگیری، صرفه‌جویی در وقت و زمان، صرفه‌جویی در وقت مخاطبان، و نیز گویا، زنده

و جذاب‌تر کردن آثار منتشر شده است.

تصویر ویرایی در ایران از ضعیف‌ترین، واپس‌مانده‌ترین و غیر تخصصی‌ترین شاخه‌های ویرایش است. علت رادر

»
تصویر ویرایی در ایران از ضعیف‌ترین، واپس‌مانده‌ترین و غیر تخصصی‌ترین شاخه‌های ویرایش است. علت رادر این عامل‌ها می‌توان دید: نبود تصویر ویرایی متخصص و تربیت‌شده، نبود استاد آموزش‌دهنده تصویر ویرایی، نبود دوره‌های آموزشی در این زمینه، ...
«

مصور، نکته‌ها و کیفیت‌های فنی تصاویر با چه کاستی‌ها و عیب‌هایی روبه‌رو بوده است. پیامد بدتر در شمار بسیاری از منابع مرجع و درسی در سطوح مختلف دیده می‌شود. این عیب و کاستی فقط به منابع مصور، یعنی منابعی که تصویر در خدمت متن است، محدود نمی‌شود؛ تصویرویرایی در منابع تصویری، که متن در خدمت تصویر است، به تسلط‌های فنی به مراتب بیشتری نیازمند است.

چه باید کرد؟ آن‌هم در اوضاع و احوالی که سامانه آموزشی تربیت ویراستار وجود ندارد و هر عاملی در نشر آثار، خود را مجاز می‌بیند تعریف و برداشت شخصی خود را از نشر و ویرایش، و نیز انتخاب‌ها و سلیقه‌های خود را حاکم بگرداند. حداقل اقدام و کوشش، نزدیک و همراه‌شدن دو تخصص است: تخصص فنی در زمینه عکاسی و ابزارهای دیداری، و تخصص در ویراستاری جامع (فراگیر). همراه‌شدن عکاس متخصص با ویراستاری کارآزموده و تبادل اطلاعات میان این دو، می‌تواند نخستین گام در راه ایجاد شاخه تصویرویرایی باشد، اما تا انتشار منابع راهنما و لازم، تربیت استاد و آموزش‌گر و تدوین سرفصل‌های درسی مرتبط، راه درازی در پیش است. اگر انجمن صنفی ویراستاران بتواند موجباتی برای نزدیک کردن این دو تخصص به هم و مبادله اطلاعات، نیازها و امکانات میان آن دو فراهم بیاورد، به ایجاد شاخه تصویرویرایی در ایران کمک کرده است.

تحول در عرصه نشر از چند دهه پیش آغاز شد. این تحول همچنان ادامه دارد و، با راه‌افتن هوش مصنوعی به نشر، سرعت چشمگیرتری گرفته است. انقلاب در رسانه‌های ارتباطی و پیدایی رسانه‌های جدید، چالش بارسانه‌های نوشتاری را آغاز کرد. در میدان رقابت میان رسانه‌ها، هر رسانه‌ای که بتواند مخاطبان و کاربرد بیشتری داشته باشد دست بالاتر را دارد. در این کارزار، نشر آثار نوشتاری برای بقا و تداوم ناگزیر است جذابیت، کاربرد، تأثیرگذاری و مقبولیت بیشتری

»
در میدان رقابت میان رسانه‌ها، هر رسانه‌ای که بتواند مخاطبان و کاربرد بیشتری داشته باشد دست بالاتر را دارد. در این کارزار، نشر آثار نوشتاری برای بقا و تداوم ناگزیر است جذابیت، کاربرد، تأثیرگذاری و مقبولیت بیشتری داشته باشد تا بتواند مخاطبان خود را حفظ کند. یکی از راه‌های این موفقیت، تصویرویرایی کارآمد است.

»
داشته باشد تا بتواند مخاطبان خود را حفظ کند. یکی از راه‌های این موفقیت، تصویرویرایی کارآمد است. در برنامه‌های آموزش ویراستاری در سطح کارشناسی ارشد در نهادهای آموزشی خارجی، از چندین سال پیش شاخه تصویرویرایی و تربیت تصویرویرا تأسیس شده است. تصویرویرایان تربیت شده هم نقش و تأثیر خود را در عمل نشان داده‌اند. حاصل کارشان را در شماری از منابع مرجع، از جمله در دانشنامه‌ها، اطلس‌ها، راهنماها، منابع درسی و فنی در سطوح مختلف، منابع تصویری، نشریه‌های مصور و نیز در کتاب‌های کودکان و نوجوانان می‌توان دید. تصویرویرا فقط فنون استفاده، کاربرد و ایجاد تناسب میان متن و تصویر را نمی‌داند، بلکه او معمار هم هست و برای هر قسمتی لازم بداند تصویر یا هر شکل دیداری دیگری را به مسئول یا فرد مناسب سفارش می‌دهد.

تهران، دی ۱۴۰۳

پی‌نوشت

1. picture editing
2. picture editor



ویرایش در مطبوعات



سیروس علی‌نژاد | روزنامه‌نگار، پژوهشگر

حالا انجمن ویراستاران فرصتی فراهم کرده که در اینجا حرفم را تا اندازه‌ای باز کنم؛ با این توضیح که چون بحث ویرایش در مطبوعات اساساً بحث تازه‌ای است و هنوز در معرض گفت‌وگو قرار نگرفته و درباره آن چیزی نوشته نشده ممکن است بحث من ناقص باشد. بنابراین از همه دست‌اندرکاران ویرایش در مطبوعات یاری می‌طلبم تا این بحث را تکمیل کنند.

ابتدا بگویم که ویرایش مطبوعات شامل تمام اصولی می‌شود که در مورد کتاب به کار می‌رود؛ اما به غیر از آن شامل نکات دیگری نیز می‌شود که در ویرایش کتاب اساساً مطرح نیست. بنابراین کوشش من این خواهد بود که این نکات را توضیح دهم و لا غیر.

در مطبوعات به غیر از خبر، دو سه نوع مطلب چاپ می‌شود که عبارت‌اند از مقاله، یادداشت، گزارش و گزارش‌های خبری که همگی، مانند خبر، مخصوص مطبوعات‌اند و به‌طور معمول در کتاب با این چیزها سروکار نداریم. در مورد خبر، ویراستار نه تنها باید زبان خبر را پاکیزه تحویل خواننده بدهد بلکه به غیر از آن باید به موارد زیر توجه کند:

اولین مورد این است که اگر مبنای خبرنویسی به شکل هرم وارونه باشد، خبری که چاپ می‌شود باید بر اساس سبک هرم وارونه تنظیم شده باشد؛ یعنی

چند سال پیش، یکی از مؤسسات فرهنگی همت کرده بود و بزرگداشتی برای عبدالمحمد روح‌بخشان برگزار کرده بود. اسم مؤسسه یادم نیست ولی یادم هست که در خیابان میرعماد قرار داشت. در آن جلسه سخن از ویرایش به میان آمد و گویا به مناسبت اینکه زنده‌یاد روح‌بخشان ویراستار چند مجله در مرکز نشر دانشگاهی بود، به برخی دوستان از پیش سفارش داده شده بود که درباره ویرایش سخن بگویند. از آن جمله یکی از مطبوعاتی‌های باصلاحیت و قدیمی که در کنار من نشسته بود و سابقه تدریس در این زمینه‌ها را داشت، پشت تریبون قرار گرفت و مواردی از ویرایش را برشمرد؛ مواردی که معمولاً در ویرایش کتاب به کار می‌رود و در واقع همان ویرایشی است که در دانشگاه به ما می‌آموختند. من در پایان جلسه ضمن تشکر از استادان گفتم ویرایش مطبوعات با ویرایش کتاب فرق دارد و این دورا نباید یکی انگاشت. یکی پرسید چه فرقی دارد؟ گفتم ویرایش کتاب صرفاً با متن و درون متن کار دارد ولی ویرایش در مطبوعات به غیر از متن و بیشتر از متن با حواشی آن سروکار دارد. مقصود من این بود که ویرایش در مطبوعات، به غیر از مواردی که در ویرایش کتاب به کار می‌رود، شامل نکات دیگری هم هست که باید جداگانه به آن‌ها پرداخته شود.

مهم‌ترین پاسخ‌ها در همان پاراگراف اول که «لید» نام دارد داده شود. بنابراین کار ویراستار این است که ببیند لید خبر درست نوشته شده یا نه، و اگر درست نوشته نشده باشد آن را درست بنویسد. پس از لید هم باید دقت کند که پاراگراف‌های بعدی به ترتیب اهمیت پشت سرهم قرار گرفته‌اند یا نه. چون اهمیت هرم وارونه در این است که مطالب از مهم به غیر مهم پشت‌نمره می‌شوند، به طوری که اگر خواننده همه خبر را نخواند و فقط نیمی از آن را مطالعه کند، اصل موضوع دستش آمده باشد و اگر تمام خبر را بخواند نه تنها از موضوع باخبر می‌شود بلکه از سوابق خبر نیز مطلع می‌گردد. به غیر از این، از نوشتن سوتیترها و میان‌تیترها گریزی نیست؛ یعنی باید جابه‌جای مطلب تیترهای کوچکی زده شود تا اولاً نفس خواننده نبرد و ثانیاً میان‌تیترها راهنمای ادامه مطلب برای خواننده باشند و او را به خواندن ادامه مطلب برانگیزانند.

تا همین جای کار گمان می‌کنم تفاوت ویرایش در مطبوعات با ویرایش در نشر تا حدی روشن شده باشد. حالا به بقیه ماجرا بپردازیم.

در مورد مقاله و گزارش و گزارش‌های خبری و هر چیز دیگر که معمولاً در مطبوعات می‌خوانیم موضوع کمی فرق می‌کند؛ مثلاً مقاله و گزارش معمولاً به مقدمه‌ای احتیاج دارد که اصل موضوع را بیان کند و طوری نوشته شود که خواننده را به خواندن تمام مطلب برانگیزد. مقدمه نوشتن کار ساده‌ای نیست؛ زیرا لازمه برانگیختن خواننده این است که مقدمه رسا نوشته شده باشد؛ یعنی خواننده با خواندن مقدمه دریابد که اصل موضوع چیست. علاوه بر آن، مقدمه باید چنان جذاب باشد که خواننده از دست نرود؛ یعنی خواننده با خواندن آن از خیر مطلب نگذرد. اگر مقدمه بی‌حال و سردستی نوشته شده باشد و جذاب نباشد، خواننده از همان ابتدا از دست رفته است. در حالی که کار ویراستار خبر در نوشتن مقدمه آن است که خواننده را به درون مطلب

بکشاند. نوشتن سوتیترها و میان‌تیترها به گونه‌ای که خواننده را به خواندن راغب‌تر کند از دیگر وظایف ویراستار است.

از این‌رو لازم است ویراستار مطبوعات در کار خود استاد باشد و بر زوایای مطلبی که برای ویرایش به دستش داده‌اند، دست‌کم به اندازه نویسنده مطلب، مسلط باشد. دو سه سال پیش در یکی از وبگاه‌های فارسی زبان خارج از کشور دیدم مقدمه‌هایی بر سر مطالب می‌گذارند که با خواندن آن‌ها اصل و عصاره مطلب فهم خواننده می‌شود. پرس و جو کردم بینم چه کسی آن مقدمه‌ها را می‌نویسد و دریافتیم که آن‌ها قوی‌ترین فرد تحریریه را بر سر این کار گذاشته‌اند. مقصودم از ذکر این حکایت آن است که ویراستار مطالب مطبوعات باید از میان قوی‌ترین افراد تحریریه انتخاب شود و کار خود را بسیار جدی بگیرد.

نوشتن تیتر جذاب و رویتیر هم از همین دست است و نباید در نوشتن آن‌ها اهمال کرد. یادم است که از بین مطبوعاتی‌ها مرحوم فیروز گوران برای نوشتن یک تیتر جذاب عرق‌ریزی‌های فکری بی‌حسابی با خود داشت و برای نوشتن تیتر مقالات و گزارش‌هایی که به دستش داده می‌شد بسیار وقت می‌گذاشت.

در زمانی که ما در دانشکده روزنامه‌نگاری بودیم، که البته هزار سال پیش بود، درس ویراستاری کم‌وبیش وجود داشت و به خصوص عماد افشار درباره رسم‌الخط با ما بسیار کار می‌کرد؛ ولی از ویرایش مطبوعات به این معنی که اینجا گفتم خبری نبود. حالا خبر ندارم که چنین درسی وجود دارد یا نه؛ ولی فکر می‌کنم دست‌کم یک و واحد درسی در یک نیم‌سال برای این کار لازم است.

پی‌نوشت

۱. یعنی پشت هر کدام از برگ‌ها یک شماره صفحه درج می‌کنند که اگر مفقود شد یا صفحات به هم خورد، قابل بازیابی باشد.



ویراستار و هوش مصنوعی



علی خزاعی فر | ویراستار، مترجم، پژوهشگر، مدرس دانشگاه

و ویراستاران محدود می‌کنم. تردیدی نیست که هوش مصنوعی ابزاری بسیار دقیق و سریع برای انجام بخشی از کار ویرایش است که انجام آن دشوار و وقت‌گیر است یا نیاز به دانش تخصصی بالا دارد. ولی هوش مصنوعی در اصلاح هر جنبه از متن که موفق باشد از اصلاح مهم‌ترین جنبه متن، یعنی متنیت، عاجز است و در این حوزه نه فقط قدرت تشخیص مشکل را ندارد بلکه راه‌حلش نیز غالباً با متنیت سازگار نیست؛ و اینجاست که قدر ویراستاران خبره بیش از پیش شناخته می‌شود و مهارت‌های منحصر به فردی که ویراستاران در مواجهه با متن، مخصوصاً متون علوم انسانی، از خود نشان می‌دهند معلوم می‌گردد. در ویرایش، متن ساده و دشوار نداریم. حتی کارکرد یک کلمه ساده یا یک جمله به ظاهر کوتاه گاه ظرافتی

ورود هوش مصنوعی به عرصه تألیف، ترجمه و ویرایش این سه حوزه را سخت متحول کرده است، ولی آیا این خبر خوبی است یا خبر بدی؟ آیا هوش مصنوعی رقیبی است که ویراستار سنتی را دیر یا زود از دور خارج می‌کند یا، برعکس، باعث می‌شود روز به روز ضرورت

وجود ویراستاران خوب را بیشتر احساس کنیم؟ آینده ویرایش چه می‌شود؟

کارکرد هوش مصنوعی در مورد زبان‌های غیر فارسی شاید داستان دیگری باشد؛ ولی در مورد زبان فارسی به نظرم می‌رسد که گرچه آمدن هوش مصنوعی اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌شود جلوی پیش را گرفت ولی اصلاً نیازی به این کار نیست و باید از ورودش استقبال کرد و آن را هدیه ارزشمند علم به ویراستاران و مترجمان و مؤلفان دانست. در اینجا حرفم را به حوزه ویرایش

»
در ویرایش، متن ساده و دشوار نداریم. حتی کارکرد یک کلمه ساده یا یک جمله به ظاهر کوتاه گاه ظرافتی معنایی، منطقی و کاربردی دارد که در مخیله هوش مصنوعی نمی‌گنجد. هوش مصنوعی شاید در انتخاب کلمه دقیق بتواند کمک کند اما هنر نوشتن به انتخاب کلمه محدود نمی‌شود؛ بلکه مهم‌تر از آن ترکیب کلمات است و همین شیوه ترکیب کلمات است که از نوشتن هنر می‌سازد.
«

مصنوعی را درست بشناسد و آن‌ها را بر توانایی‌های ذهنی منحصر به فرد خود بیفزاید و کارش را با سرعت و دقت بیشتری انجام بدهد. اتکا به هوش مصنوعی در ویرایش، هم‌چنان که در ترجمه، از اتکا به ویراستار (یا مترجم) کارنابلد نیز خطرناک‌تر است، و کار را از آنچه هست بدتر می‌کند، چون هوش مصنوعی در نهایت «درستِ دستوری» را می‌شناسد و «درست بلاغی» را نمی‌شناسد و جملاتش در نهایت جملاتی مصنوعی است که با روح زبان بیگانه است.

ورود هوش مصنوعی را باید به ویراستاران و مترجمان و مؤلفان تبریک گفت و آن‌ها را به استفاده کارآمد از این ابزار دقیق و باهوش تشویق کرد.

معنایی، منطقی و کاربردی دارد که در مخیله هوش مصنوعی نمی‌گنجد. هوش مصنوعی شاید در انتخاب کلمه دقیق بتواند کمک کند اما هنر نوشتن به انتخاب کلمه محدود نمی‌شود؛ بلکه مهم‌تر از آن ترکیب کلمات است و همین شیوه ترکیب کلمات است که از نوشتن هنر می‌سازد. نیز، معنی از کنار هم گذاشتن کلمات حاصل نمی‌شود، بلکه معنی در رابطه میان کلمات شکل می‌گیرد. هوش مصنوعی شاید در آینده دور یا نزدیک بتواند جای ویراستار انسانی را بگیرد که محال به نظر می‌رسد، ولی بر اساس آنچه تا به حال از کار هوش مصنوعی دیده‌ایم می‌توانیم با اطمینان بگوییم که هوش مصنوعی چیزی نیست جز ابزاری قدرتمند در خدمت ویراستار. ویراستار می‌تواند توانایی‌های هوش

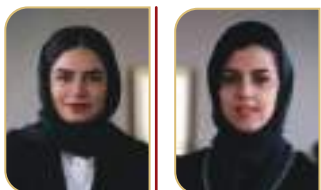
”

اتکا به هوش مصنوعی در ویرایش، هم‌چنان که در ترجمه، از اتکا به ویراستار (یا مترجم) کارنابلد نیز خطرناک‌تر است، و کار را از آنچه هست بدتر می‌کند، چون هوش مصنوعی در نهایت «درستِ دستوری» را می‌شناسد و «درست بلاغی» را نمی‌شناسد و جملاتش در نهایت جملاتی مصنوعی است که با روح زبان بیگانه است.

“

ویراویراست

دستیار هوشمند ویراستاران



صبا دباغ منش^۱، ویراستار || زهرا نواب صفوی^۲، ویراستار

۱. مقدمه

۱. ویرایش زبانی و صورتی: این ویرایش شامل اصلاح خطاهای نگارشی، دستوری و املائی است که خوانایی و دقت متن را تضمین می‌کند.

۲. ویرایش محتوایی: در ویرایش محتوایی، ویراستار به بررسی، نقد و اصلاح محتوای متن می‌پردازد. به عبارت دیگر، ویرایش به مرحله اصلاح جمله‌ها وارد می‌شود. ویراستار باید دانش کافی از محتوا داشته باشد و تغییراتی اعمال کند که فهم پیام برای مخاطب تسهیل شود (نیکوبخت، ۱۳۸۹).

امروزه تولید محتوا با سرعت بسیار زیادی در حال افزایش است؛ از این رو کیفیت و دقت متن بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. نویسندگان و ویراستاران همواره به ویرایش همچون فرایندی ضروری برای بهبود کیفیت متن توجه کرده‌اند. پیشرفت هوش مصنوعی و توسعه ابزارهای مبتنی بر آن این فرایند را نیز مانند بسیاری دیگر متحول کرده است. در این جستار ضمن تعریف ویرایش و بیان اهمیت آن، به نقش هوش مصنوعی در ویرایش متن‌ها و معرفی ویراویراست در مقام دستیار هوشمند ویراستاران و نویسندگان خواهیم پرداخت.

۳. اهمیت ویرایش

زمانی که نویسنده قلم به دست می‌گیرد، تمام هدفش این است که محتوای مد نظرش را به مخاطب برساند. در این میان ممکن است از نکته‌های نگارشی و ویرایشی غافل بماند. نقش ویراستار در اینجا پررنگ می‌شود. ویراستار چشم سوم نویسنده است. او اولین مخاطب متن است که آن را موشکافانه و واژه‌به‌واژه می‌خواند تا پیام نویسنده را شفاف‌تر و مؤثرتر به مخاطب برساند. ویرایش پلی است میان نویسنده و مخاطب

۲. تعریف ویرایش

ویرایش به معنای اصلاح و بهبود ساختار زبانی، دستوری و محتوایی متون است که با هدف افزایش خوانایی، دقت و انتقال بهتر پیام انجام می‌شود. ویرایش در چند سطح انجام می‌شود؛ از جمله صورتی، زبانی، محتوایی، ویرایش ترجمه، ویرایش استنادی و... در ادامه دو سطح اصلی آن را شرح می‌دهیم:

که از سوء تفاهم‌های احتمالی جلوگیری می‌کند و پیام نویسنده را به دقیق‌ترین شکل ممکن منتقل می‌سازد. ویرایش و نگارش دقیق نقشی اساسی در ارتقای کیفیت متون گوناگون ایفا می‌کند، به گونه‌ای که با رفع ضعف‌های زبانی و نگارشی، موجب تسهیل انتقال پیام و افزایش پذیرش و تأثیرگذاری متن می‌شود (فلاح و خواجه‌ای، ۱۴۰۲).

۴. هوش مصنوعی

هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) شاخه‌ای از علوم کامپیوتر است که به طراحی سیستم‌هایی می‌پردازد که می‌توانند رفتارهای انسانی مانند یادگیری، استدلال و تصمیم‌گیری را شبیه‌سازی کنند (Russell & Norvig, 2021). هوش مصنوعی، در حوزه زبان‌شناسی و ویرایش، ابزارهایی همچون پردازش زبان طبیعی (NLP) را فراهم کرده است که امکان تحلیل متون، شناسایی خطاها و بهبود خودکار آن‌ها را ممکن می‌سازد (Jurafsky & Martin, 2021).

۵. ابزارهای فعلی هوش مصنوعی و کاربرد آن‌ها در ویرایش

متخصصان و پژوهشگران، با بهره‌گیری از قابلیت‌های هوش مصنوعی، ابزارهای پیشرفته‌ای را طراحی کرده‌اند و توسعه داده‌اند که نقش چشمگیری در بهبود ویرایش متون ایفا می‌کنند. برخی از این ابزارها به قرار زیرند:

الف. ابزارهای پردازش متن

از جمله ابزارهای پردازش زبان طبیعی می‌توان به Grammarly و Hemingway اشاره کرد که به اصلاح اشتباهات گرامری و ساختاری در متون کمک می‌کنند. در تحقیقی که چودوروف و دیگران (Chodorow, M. et al, 2019) منتشر کرده‌اند، ابزارهای مشابه این‌ها به منزله فناوری‌های مؤثر در ارتقای کیفیت متون بررسی شده است.

ب. مدل‌های یادگیری عمیق^۳

مدل‌های GPT^۴ که از سوی OpenAI توسعه یافته‌اند، قادر به تولید و ویرایش متون به صورت هوشمند هستند. این مدل‌ها به‌ویژه در شناسایی خطاهای زبانی و ارتقای کیفیت متن به‌طور گسترده استفاده می‌شوند. مطالعه براون و دیگران (Brown et al, 2020) به بررسی قابلیت‌های مدل‌های GPT و کاربرد آن‌ها در پردازش زبان طبیعی پرداخته است. این پژوهش نشان داده است که مدل‌های GPT-3، با دسترسی به ۱۷۵ میلیارد پارامتر، عملکردی چشمگیر در وظایف پردازش زبان طبیعی دارند و توانسته‌اند، در تولید متون روان و دقیق و نیز درک زمینه‌های متنی پیچیده، به سطحی پیشرفته دست یابند.

ج. ابزارهای فارسی محور

ابزارهایی که برای پردازش زبان فارسی طراحی شده‌اند، مانند سیستم‌های تصحیح خودکار برای دستور زبان و واژگان، در مطالعات اخیر به‌ویژه در زمینه پردازش زبان فارسی و تحلیل ساختارهای پیچیده آن مورد توجه قرار گرفته‌اند. یزدانی و دیگران (Yazdani et al, 2020) پژوهشی را منتشر کرده‌اند که ابزارهایی برای تصحیح نگارشی در فارسی را بررسی کرده است. نتیجه اینکه این ابزارها در افزایش دقت تصحیح نگارش و کاهش خطاهای زبانی در متون فارسی عملکرد مؤثری دارند؛ اما همچنان نیاز است در زمینه شناسایی پیچیدگی‌های زبانی و واژگان خاص به پیشرفت‌هایی دست یابند.

۶. مقایسه ابزارهای هوش مصنوعی و ویرایش انسانی

ویرایش انسانی با استفاده از دانش زبانی، بافت فرهنگی و خلاقیت، در اصلاح متون بادقت‌تر عمل می‌کند. در مقابل، ابزارهای هوش مصنوعی با سرعت بیشتر و تحلیل گسترده، گزینه‌ای کارآمد برای ویرایش متن‌های حجیم هستند (Manning et al, 2008).

Distill Bert و MT5 و GPT و دیگر الگوریتم‌های ترنسفرمر استفاده شده است.

کارکردهای ویراویراست

- غلط‌یابی املائی،
- اصلاح نیم‌فاصله،
- نشانه‌گذاری نگارشی،
- بهبود جمله‌بندی‌های ضعیف،
- اصلاح خطاهای صوری و زبانی،
- پیشنهاد معنایی هوشمند.

ویراویراست و تأیید فرهنگستان زبان و ادب فارسی

یکی از مهم‌ترین امتیازهای ویراویراست کسب نشان تأیید از فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. این نشان به نرم‌افزارهایی تعلق می‌گیرد که بر اساس دستور خط مصوب فرهنگستان و معیارهای فنی مشخص، عملکردی با دقت ۷۵ درصد یا بیشتر داشته باشند. ویراویراست، پس از بررسی و ارزیابی‌های دقیق گروه زبان و رایانه،

ویراویراست یکی از ابزارهای نوآورانه در حوزه ویرایش زبان فارسی است که با ادغام هوش مصنوعی و زبان‌شناسی توانسته است خدمات پیشرفته‌ای را در اختیار کاربران بگذارد. این ابزار به‌طور خاص بر چالش‌های زبان فارسی تمرکز می‌کند، از جمله ساختار پیچیده دستوری، ترکیبات و تنوع واژگانی، شناسایی و اصلاح خطاهای رایج نگارشی.

هوش مصنوعی و هوش انسانی هر کدام برتری‌هایی دارند، از جمله:

هوش مصنوعی: سرعت، مقیاس‌پذیری^۵ (توانایی انجام کارها به‌طور مؤثر با افزایش حجم داده‌ها) و کاهش هزینه‌ها.
هوش انسانی: دقت، خلاقیت و تحلیل معنایی.

۷. ویراویراست و تأثیر آن در توسعه ویرایش فارسی

ویراویراست یکی از ابزارهای نوآورانه در حوزه ویرایش زبان فارسی است که با ادغام هوش مصنوعی و زبان‌شناسی توانسته است خدمات پیشرفته‌ای را در اختیار کاربران بگذارد. این ابزار به‌طور خاص بر چالش‌های زبان فارسی تمرکز می‌کند؛ از جمله ساختار پیچیده دستوری، ترکیبات و تنوع واژگانی، شناسایی و اصلاح خطاهای رایج نگارشی.

ویراویراست، همچون ویراستاری حرفه‌ای، متن را بر اساس بهره‌رترین مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی ویرایش می‌کند. این نرم‌افزار مبتنی بر هوش مصنوعی، با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری عمیق همراه با مدل‌های آماری^۶ و مدل‌های مبتنی بر قانون^۷ توسعه داده شده است. الگوریتم‌های ترکیبی باعث شده‌اند که ویراویراست در پردازش متن فارسی به دقت زیادی برسد. الگوریتم‌های یادگیری عمیق، مانند ترنسفرمر^۸ گوگل که یکی از مدل‌های پیشرفته در پردازش زبان طبیعی است، مشکل اساسی long distance dependency^۹ را حل کرده است. این مشکل در زبان‌های طبیعی مانند فارسی به‌ویژه در جملات پیچیده که کلمات وابسته به یکدیگر در فاصله‌های طولانی قرار دارند، چالش‌برانگیز است که این مدل‌ها با توجه هم‌زمان به تمام قسمت‌های جمله، آن را به‌طور مؤثر مدیریت می‌کنند. علاوه بر این، در ساخت ویراویراست از الگوریتم‌های BERT^{۱۰} و

هوش مصنوعی دشوار است. دیگر اینکه، تفاوت‌های فرهنگی و ادبیاتی در زبان فارسی نیز می‌تواند بر پیچیدگی موضوع بیفزاید و نیاز به توسعه مدل‌های خاص برای زبان فارسی را بیشتر نشان دهد.

راه‌حل

- استفاده از مدل‌های پیشرفته NLP: مدل‌های یادگیری عمیق مانند BERT و GPT-3 می‌توانند با درک عمیق‌تری از متن، دشواری‌های مربوط به زبان فارسی را حل کنند و به اصلاح آن‌ها پردازند.

- آموزش الگوریتم‌ها با داده‌های فارسی: آموزش سیستم‌های NLP با داده‌های متنی فارسی امکان درک بهتر ویژگی‌های منحصر به فرد این زبان را فراهم می‌کند. این فرایند مستلزم جمع‌آوری داده‌های متنی مناسب، توسعه مدل‌های اختصاصی برای زبان فارسی و استفاده از تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی برای حل چالش‌های خاص این زبان است.

۹. چشم‌انداز نقش هوش مصنوعی در ویرایش زبان فارسی

آینده ویرایش متن با کمک هوش مصنوعی در زبان فارسی امیدوارکننده است. با پیشرفت‌های بیشتر در یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی، ابزارهای ویرایشی از جمله ویرایر است می‌توانند دقیق‌تر شوند و به بهبود کیفیت متن‌های فارسی کمک کنند. این اتفاق باعث می‌شود که ویراستاران و نویسندگان در کنار خود همکاری هوشمند و اتکالپذیر داشته باشند. این دستیار هوشمند سرعت عمل بیشتری دارد و در وقت صرفه‌جویی می‌کند، همچنین آسیب‌های ناشی از پای سیستم‌نشین و فرسایش جسمی را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهد. به چند نمونه از پیشرفت‌های آینده هوش مصنوعی در این زمینه اشاره خواهیم کرد:

توانست این معیارها را به طور کامل برآورده کند. این تأییدیه نشان‌دهنده قابلیت ویرایر است در ارائه خدماتی مطابق با دستور خط فارسی ۱۴۰۱ است. ویرایر است یکی از ابزارهای پردازش زبان طبیعی است که در شناسایی و اصلاح خطاهای املائی، نگارشی و معنایی توانایی چشمگیری دارد. ویرایر است با اتکا بر هوش مصنوعی و الگوریتم‌های پیشرفته در بهبود کیفیت نگارش فارسی نقشی کلیدی ایفا می‌کند و اکنون با کسب این نشان، اعتماد بیشتری در میان کاربران حرفه‌ای زبان فارسی یافته است.

۸. دشواری‌های ویرایش متن‌های فارسی و راه‌حل‌ها

در ویرایش متن‌های فارسی، دشواری‌های خاصی وجود دارد که به توجه ویژه نیازمندند، از جمله:

۱. کمبود منابع سخت‌افزاری و داده‌های متنی: از مشکلات اساسی زبان فارسی در حوزه هوش مصنوعی، کمبود منابع سخت‌افزاری و داده‌های متنی مناسب برای آموزش مدل‌های زبانی است. بیشتر مدل‌های زبانی موجود برای زبان‌هایی مانند انگلیسی و دیگر زبان‌ها طراحی شده‌اند. همین کمبود داده باعث می‌شود مدل‌های زبانی برای زبان فارسی عملکرد چندان مناسبی نداشته باشند.

۲. تنوع واژگانی و ساختارهای پیچیده: زبان فارسی دارای واژگان و ساختارهای دستوری متنوعی است که درکشان برای ماشین‌ها دشوار است. برای مثال، فعل‌های مرکب و پیچیدگی‌های نحوی در جمله‌های فارسی ممکن است موجب مشکلاتی در تحلیل دقیق متن شود.

۳. وجود زبان محاوره‌ای و اصطلاحات: در متن‌های فارسی، به ویژه متن‌های برگرفته از اینترنت و محاوره‌ای، واژگان و اصطلاحات غیر رسمی به وفور یافت می‌شود که تشخیص و اصلاح آن‌ها برای سیستم‌های

few-shot learners." *Proceedings of NeurIPS*, 33, 1877-1901.

Yazdani, M., et al. (2020). "Farsi text correction and NLP applications for Persian." *Journal of Computational Linguistics*, 45(2), 234-255.

Russell, S., & Norvig, P. (2021). *Artificial intelligence: A modern approach* (4th ed.). Pearson Education.

Manning, C. D., Raghavan, P., & Schütze, H. (2008). *Foundations of Statistical Natural Language Processing*. MIT Press.

Turchin, A., & Denkenberger, D. C. (2021). *eXtended Artificial Intelligence: New Prospects of Human-AI Interaction Research*. Retrieved from ResearchGate.

پی نوشت

۱. سرویستار ویراویست
۲. مدیر روابط عمومی ویراویست
3. Deep Learning Models
4. Generative Pre-trained Transformer
5. Scalability
6. Statistical Models؛ مدل‌های آماری برای شبیه‌سازی الگوهای داده‌ای و پیش‌بینی‌های زبان طبیعی استفاده می‌شوند.
7. Rule-based Models؛ مدل‌های مبتنی بر قانون برای تحلیل و ویرایش زبان با استفاده از قواعد دستوری ثابت طراحی می‌شوند.
8. Transformer
9. به موقعیت‌هایی در زبان اشاره می‌کنند که در آن‌ها کلمات یا عبارات مرتبط با یکدیگر در فاصله‌های دور از هم قرار دارند، مانند زمانی که در یک جمله فاعل و فعل یا مفعول با فاصله از یکدیگر آمده‌اند. این موضوع ممکن است در پردازش زبان طبیعی مشکلاتی ایجاد کند.
10. Bidirectional Encoder Representations from Transformers
11. نسخه بهینه‌شده BERT با مدل فشرده‌تر و سریع‌تر
12. مدل چندزبانۀ ترنسفرمر

- تحلیل معنایی پیشرفته: در آینده، سیستم‌ها قادر خواهند بود به تحلیل معنایی پیچیده‌تری از جمله‌ها بپردازند و پیشنهادهایی برای بهبود معنا و انسجام متن مطرح کنند.
- شخصی‌سازی ویرایش: ابزارهای ویرایشی قادر خواهند بود به‌طور خودکار، با توجه به سبک نگارش نویسنده، اصلاحات شخصی‌سازی شده را پیشنهاد دهند.
- ترکیب فناوری‌های مختلف: پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که ترکیب هوش مصنوعی با تحلیل انسانی می‌تواند به توسعه ابزارهای ویرایشی پیشرفته‌ای منجر شود که، با بهره‌گیری از قابلیت‌های هر دو، عملکرد بهینه‌تری ارائه می‌دهند (Turchin & Denkenberger, 2021).

منابع

نیکویخت، ناصر (۱۳۸۹). مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معیار. تهران: چشمه.

فلاح، فاطمه و یاسر خواجوی (۱۴۰۲). «رعایت اصول نگارش و ویرایش فارسی در نوشتار دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه سلمان فارسی». *مطالعات آموزش زبان فارسی*، دوره ۸، ش ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۹۹-۱۳۰.

Jurafsky, D., & Martin, J. H. (2021). *Speech and language processing* (3rd ed.). Prentice Hall.

Chodorow, M., et al. (2019). "Automated grammatical error correction: How far can we go?" *Journal of Artificial Intelligence Research*, 68, 573-610.

Brown, T. B., et al. (2020). "Language models are

هوش مصنوعی

دوست یا رقیب ویراستاران؟



نرگس اسدی | ویراستار

محتوایی روان، جذاب و فهم‌پذیر برای مخاطب ایجاد می‌کند. هر ویراستار در فرایند اصلاح متون، نقش مهمی در انتقال بهتر پیام نویسنده دارد. اما با پیشرفت فناوری و ظهور هوش مصنوعی، این حرفه هم مثل بسیاری از حوزه‌های دیگر دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. در این مطلب، به بررسی نقش هوش مصنوعی در ویرایش متون، فرصت‌ها و مسائل پیش رو، همچنین همکاری انسان و ماشین در این عرصه می‌پردازیم.

هوش مصنوعی و ویرایش متون

پیشرفت‌های چشمگیر هوش مصنوعی در سال‌های اخیر بسیاری از صنایع، از جمله صنعت نشر و ویرایش، را تحت تأثیر قرار داده است. ابزارهای هوشمند ویرایشی مانند Grammarly، Ginger و ProWritingAid به سرعت محبوبیت می‌یابند و به نویسندگان و ویراستاران کمک می‌کنند تا متون خود را با دقت و سرعت بیشتری ویرایش کنند. اما آیا این ابزارها می‌توانند جایگزین ویراستاران انسانی شوند؟ یا می‌توانند ابزاری مکمل برای بهبود کیفیت ویرایش باشند؟

روز ویراستار فرصتی است برای قدردانی از افرادی که با دقت و هنری که در ویرایش متون دارند و مطمئن می‌شوند که هر کلمه به درستی در جای خود قرار بگیرد. در دنیای امروز، که فناوری به سرعت در حال پیشرفت است، هوش مصنوعی باعث تغییر و تحولات مهمی در ویرایش متون شده است. ویرایش هنری ظریف است که با دقت و دانش،

ویرایش هنری ظریف است که با دقت و دانش، محتوایی روان، جذاب و فهم‌پذیر برای مخاطب ایجاد می‌کند...؛ اما با پیشرفت فناوری و ظهور هوش مصنوعی، این حرفه هم مثل بسیاری از حوزه‌های دیگر دستخوش تغییرات چشمگیری شده است.

فرصت‌های هوش مصنوعی در ویرایش

افزایش سرعت و دقت ویرایش: ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند با سرعت بسیار بالایی خطاهای نحوی، املائی و نگارشی را شناسایی و تصحیح کنند. پیشنهادهای هوشمند برای بهبود سبک نگارش: این ابزارها قادرند، با تحلیل متن، پیشنهادهایی برای بهبود ساختار جمله، انتخاب واژگان مناسب‌تر و یکدست‌سازی سبک نگارش ارائه دهند. کاهش بار کاری ویراستاران: با خودکارسازی برخی از وظایف تکراری، ویراستاران می‌توانند روی کارهای پیچیده‌تر و خلاقانه‌تر تمرکز کنند.

مشکلات و محدودیت‌های هوش مصنوعی در ویرایش

با وجود تمام مزایای ذکر شده، هوش مصنوعی همچنان با محدودیت‌هایی روبه‌روست: ناتوانی در درک عمیق متن: هوش مصنوعی هنوز توانایی درک کامل مفاهیم پیچیده، کنایه‌ها و زوایای ظریف زبانی را ندارد. وابستگی به کیفیت داده‌های آموزشی: عملکرد این ابزار به شدت به کیفیت داده‌های آموزشی وابسته است و بر اساس اطلاعاتی که در اختیار آن گذاشته‌ایم عمل می‌کند. خطای انسانی در تنظیمات ابزار: تنظیم نادرست متغیرهای ابزار ممکن است منجر به نتایج نامطلوب شود.

همکاری انسان و ماشین، کلید موفقیت

به نظر می‌رسد که همکاری انسان و ماشین بهترین راه برای بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی در ویرایش باشد. ویراستاران با دانش، تجربه و تشخیص خود می‌توانند از این ابزارها همچون دستیار قدرتمند استفاده کنند و کیفیت کارشان را ارتقا دهند. در آینده‌ای نزدیک، می‌توان انتظار داشت که هوش مصنوعی نقش

به نظر می‌رسد که همکاری انسان و ماشین بهترین راه برای بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی در ویرایش باشد. ویراستاران با دانش، تجربه و تشخیص خود می‌توانند از این ابزارها همچون دستیار قدرتمند استفاده کنند و کیفیت کارشان را ارتقا دهند.

پرننگ‌تری در فرایند ویرایش ایفا کند و به ویراستاران کمک کند تا متون باکیفیت‌تری تولید کنند.

نکات مهم برای استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی

تنظیمات دقیق ابزار: قبل از استفاده از هر ابزاری، لازم است متغیرهای آن را با دقت تنظیم کنیم تا با سبک نگارش و نوع متنی که ویرایش می‌کنیم مطابقت داشته باشد.

بررسی دقیق پیشنهادها: همیشه باید پیشنهادهای ابزار هوش مصنوعی را به دقت بررسی کرد و فقط در صورتی آن‌ها را پذیرفت که از صحت و مناسب بودن آن‌ها مطمئن بود.

توجه به محدودیت‌های ابزار: به یاد داشته باشیم که هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین خلاقیت انسان شود.

جمع‌بندی

ظهور هوش مصنوعی فرصت‌های جدیدی برای ویراستاران فراهم کرده است. با استفاده هوشمندانه از این ابزارها، می‌توانیم به کیفیت و بهره‌وری در فرایند ویرایش دست یابیم؛ اما برای دستیابی به بهترین نتایج، همکاری انسان و ماشین ضروری است.

نرم افزارهای ویراستاری

و کاربرد آنها برای ویراستاران



راضیه خوش ضمیر | ویراستار

برای نمونه به چند نرم افزار پر کاربرد اشاره می کنیم که اسامی آنها را بر اساس میزان استفاده کاربران فهرست کرده ایم:

نرم افزار ویراستار

نرم افزار فارسی ویرایش متن با نام ویراستیار یکی از اولین افزونه های کاربردی برای نرم افزار Microsoft Word است که پس از نصب می توانیم به صورت برون خط (آفلاین) از قابلیت های آن برای ویرایش متن بهره ببریم؛ شایان ذکر است استفاده از نرم افزار ویراستیار کاملاً رایگان و متن باز است و با سرعت بالایی قابلیت خطیابی و اصلاح نگارشی را دارد. غلطیاب املایی ویراستیار علاوه بر کارایی و سرعت خوبی که دارد قادر به برخی اصلاحات از جمله موارد زیر است:

- پیوسته نویسی؛
- ارائه فهرست پیشنهادی واژه ها؛
- اصلاح غلط های املایی؛
- اصلاح فاصله در میان واژه های هدف؛
- و

کیفیت اثر و جذب مخاطب ارتباط مستقیمی با متن ویرایش شده دارد؛ لذا توجه به امر ویرایش و کسب تبحر کافی در این زمینه گامی است حیاتی در پیشبرد تولیدات مکتوب.

چه بسیارند نویسندگان صاحب نامی که صرفاً به دلیل داشتن توانایی در نویسندگی متن خود را از داشتن ویراستار بی نیاز می دانند و حتی هر نوع ویرایش یا تغییر در متن نوشته شده را بر نمی تابند؛ اما باید دانست که هر نویسنده ماهر لزوماً ویراستار ماهر هم نیست.

امروزه با پیشرفت علم و فناوری، نویسندگان و ویراستاران از نرم افزارهای متنوعی در مسیر ویرایش متون استفاده می کنند. بعضی از این نرم افزارها به صورت مستقل در رایانه شخصی افراد نصب می شوند و به افراد و به خصوص ویراستاران کمک می کنند تا با سرعت بیشتری به ویرایش متون پردازند. بخشی نیز افزونه نرم افزارند؛ علاوه بر این ها می توان از بعضی وبگاه های برخط (آنلاین) نیز در این زمینه استفاده کرد.

اما با وجود تمامی این قابلیت‌ها، متأسفانه امروزه این نرم‌افزار عملاً استفاده نمی‌شود؛ زیرا فقط بر روی نسخه‌های پایین‌تر ورد تا ۲۰۱۳ قابلیت اجرا دارد.

نرم افزار پاکنویس

پاکنویس نرم‌افزاری جدید و نمونه توسعه یافته نرم‌افزار قبلی یعنی همان ویراستیار فارسی است. این نرم‌افزار به ما کمک می‌کند تا با سرعت بیشتری نوشته‌های خود را طبق استانداردهای نویسندگی ویرایش و ذخیره کنیم. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این نرم‌افزار با ویراستیار این است که پاکنویس نسخه آزمایشی است و فقط با برخط (آنلاین) بودن کاربران در دسترس قرار می‌گیرد اما دقت اصلاح متون در این نرم‌افزار کمی بهتر از ویراستیار است.

علاوه بر نرم‌افزارهای فارسی می‌توانیم از نرم‌افزارها و وبگاه‌های خارجی برای ویرایش گرامر و ویراستاری متون غیرفارسی به‌ویژه انگلیسی استفاده کنیم تا دقت کار به میزان چشمگیری افزایش یابد. در ادامه می‌توان به پرکاربردترین موارد موجود اشاره کرد:

Prowritingaid

وبگاهی مناسب برای نویسندگان، ویراستاران، دانشجویان و تمامی افراد و سازمان‌هایی است که با متن و نویسندگی سروکار دارند.

در نسخه پرمیوم Prowritingaid با قابلیت‌های پیشرفته، می‌توان متونی را تولید کرد که در بالاترین کیفیت ممکن و کمترین خطای نگارشی و ویرایشی باشند. این نرم‌افزار به راحتی انواع اشتباهات املائی و گرامری را تشخیص می‌دهد و اصلاح می‌کند و بدین ترتیب متن ویراسته‌تری را ارائه می‌دهد.

Grammarly

نرم‌افزار گرامرلی، یکی از بهترین نرم‌افزارهای ویرایش، تصحیح‌کننده متن و اصلاح‌کننده علائم نگارشی در

”
امروزه با پیشرفت علم و فناوری، نویسندگان و ویراستاران از نرم‌افزارهای متنوعی در مسیر ویرایش متون استفاده می‌کنند. بعضی از این نرم‌افزارها به صورت مستقل در رایانه شخصی افراد نصب می‌شوند و به افراد و به خصوص ویراستاران کمک می‌کنند تا با سرعت بیشتری به ویرایش متون بپردازند.
“

مقالات انگلیسی است. این نرم‌افزار با اصلاح خطاها و دستور زبان‌ها متنی دقیق و حساب شده به شما می‌دهد و به نوعی به اصلاح گرامر و واژگان می‌پردازد. شایان ذکر است این نرم‌افزار به اصلاح اکثر زبان‌های خارجی از جمله انگلیسی مسلط است.

Hemingway Editor

برنامه همینگوی یکی دیگر از نرم‌افزارهای ویرایش متون است. این نرم‌افزار نوشته‌های پیچیده را هایلایت و مشخص می‌کند؛ مثلاً جملاتی که لغات زیادی دارد و پیچیدگی مطلب در آن‌ها بیشتر است و درک مفهوم آن‌ها دشوار است. این نرم‌افزار جملاتی از این دست را به رنگ زرد و جملاتی را که پیچیدگی آن‌ها بیشتر است و جز با تغییرات اساسی قابل درک نیست با رنگ قرمز مشخص می‌کند تا راحت‌تر بتوان در مورد اصلاح آن‌ها تصمیم گرفت.

برخلاف سایر ویرایشگرهای متن مانند Grammarly، برنامه همینگوی عمیقاً وارد جزئیات گرامری نمی‌شود؛ اما خوانایی کلی متن را ارزیابی می‌کند و پیشنهادهایی برای بهبود آن ارائه می‌دهد.

ویراستاران، در سطوح مختلف، ویرایش کار آن‌ها را در ازای دریافت مبلغی که برای آن پروژه در نظر گرفته شده است انجام بدهند. علاوه بر این، ویراستاران می‌توانند با نام‌نویسی در این وبگاه از همان ابتدای کار از انواع پروژه‌های موجود و مبلغی که در قبال آن پرداخت می‌شود مطلع شوند. Scribendi از ۱۹۹۷ کار خود را در زمینه ویرایش برخط (آنلاین) مقالات آغاز کرده است که تا کنون نیز ادامه دارد.

The Write Life

این وبگاه نیز به نویسندگان کمک می‌کند تا از طریق نوشته‌های خود درآمدزایی کنند. هر بار در صفحه اصلی وبگاه روش‌هایی برای کسب درآمد از طریق نویسندگی به اشتراک گذاشته می‌شود که یکی از این روش‌ها آموزش استفاده از شبکه‌های مجازی برای یافتن افرادی است که به نویسندگان سفارش کار بدهند و دیگری داشتن یک ساختار منظم و منسجم در نگارش و در نهایت تولید اثری ویراسته و عاری از هر نوع نادرستی حروف نگاری، املائی و نگارشی است. این وبگاه همواره از طریق اشتراک ایده‌های جدید در زمینه نویسندگی در قالب خبر به‌روزرسانی می‌شود.

در انتها باید گفت تمامی نرم‌افزارها و وبگاه‌های موجود، در کنار دقت عمل و سرعت ویرایش بالایی که دارند، به حضور همیشگی ویراستارانی ماهر نیاز دارند تا مجدداً کل متن را بررسی و از خطاهای نرم‌افزاری و ویرایش اشتباه جملات جلوگیری کنند؛ زیرا ممکن است این گونه نرم‌افزارها با بسیاری از کلمات بومی آشنایی نداشته باشند و در نگارش متون آن‌ها را غلط قلمداد کنند و به نحوی دیگر بنویسند؛ لذا حضور مستمر ویراستار، به مثابه ناظر اثر، همواره ضروری می‌نماید و پیشرفت علم و یا کاربرد هوش مصنوعی و نرم‌افزار ما را از وجود ویراستاران حرفه‌ای بی‌نیاز نمی‌سازد.

حضور مستمر ویراستار، به مثابه ناظر اثر، همواره ضروری می‌نماید و پیشرفت علم و یا کاربرد هوش مصنوعی و نرم‌افزار ما را از وجود ویراستاران حرفه‌ای بی‌نیاز نمی‌سازد.

One Look Reverse Dictionary

یکی از مشکلات عمده نویسندگان استفاده از کلمات تکراری در نوشتن یک متن است. کلمات تکراری ممکن است به شدت از کیفیت متن شما بکاهد. این وبگاه، همان‌طور که از اسمش پیداست، همانند فرهنگ لغت عمل می‌کند و مترادف‌های مناسبی را برای غنای متن پیشنهاد می‌دهد.

Scrivener

اسکریونر برنامه پردازش کلمات و سیستم مدیریت اسناد، نوشته‌ها و یادداشت‌هاست. این برنامه، که از ۲۰۰۷ تا کنون فعال و بر روی اکثر سیستم‌های رایانه‌ای قابل استفاده است، به ما این امکان را می‌دهد تا با استفاده از قالب‌ها و الگوهای مختلفی که عرضه کرده، مثل فیلمنامه، یادداشت‌های روزانه و...، نوشته‌هایمان را برای دسترسی آسان و ارجاع‌دهی دسته‌بندی و ذخیره کنیم. همچنین می‌توانیم ابتدا متون را بنویسیم و سپس بر اساس الگوهای پیش‌فرض آن‌ها را به قالب موردنظر تبدیل و ذخیره‌شان کنیم.

Scribendi

این وبگاه یکی از سرویس‌های ویرایش متون است که به شکل خاصی عمل می‌کند. در این وبگاه دانش‌آموزان و کسانی که نیاز به ترجمه متن و یا پروژه‌های دارند می‌توانند طرح خود را معرفی کنند و منتظر بمانند تا

وسواس کامل‌گرایی

آسیبی برای صنف ویراستاران



سیدحمید حیدری‌ثانی | ویراستار، مدرس ویرایش

از ویرایش کمینه‌گرا تا ویرایش بیشینه‌گرا

در این یادداشت، مقصودم از «ویرایش» معنای عام ویرایش در نشر ایران است؛ یعنی همان ویرایش صوری و زبانی. در برخورد با ویرایش زبانی، می‌توان دورویکرد در پیش گرفت:

۱. **رویکرد کمینه‌گرا:** در این رویکرد، ویراستار صرفاً به اصلاح خطاهای زبانی می‌پردازد و تخطی از خطاهای زبانی را درمان می‌کند. ممکن است متنی تغییرات اندکی نیاز داشته باشد؛ همچون بیماری که به نزد پزشک رفته و پزشک تشخیص سلامت در او داده است. با این رویکرد، قرار نیست همه چیز غلط و خطا پنداشته شود و تغییر کند. خطاها دامنه‌ای حداقلی دارد. در این رویکرد، بسیاری از متن‌ها به‌طور متوسط ۱۰ تا ۱۵ درصد تغییر می‌کنند و کم پیش می‌آید که متن‌های پرکار به محدوده ۳۰ درصد تغییر برسند.

۲. **رویکرد بیشینه‌گرا:** در این رویکرد، علاوه بر اصلاح خطاها، از ویراستار انتظار می‌رود که متن را هر چه می‌شود بهتر و بهتر کند. معیار ارزیابی در این رویکرد، دو شکل دارد: الف. کثرت تغییرات با قرمز شدن کل صفحه و نماندن جای خالی روی کاغذ؛ ب. بازنویسی و زیبانویسی کل متن. کسی که با این

سال‌هاست در وادی ویرایش مشغولم، چه به ویراستاری و چه به کنشگری در این سرزمین ناپیموده. در این دوره طولانی حضورم در این صنف، هرگز به این نتیجه نرسیده‌ام که در جایگاه ویراستار زمین‌متن نویسندگان را شخم بزنم و بنای بالارفته‌شان را بکوبم و از نو بسازم. من ویراستارم و صرفاً باید ایرادها را بگیرم. اگر در زمین کاشته‌شان علف هرزی باشد که نگذارد پیامشان سرراست و سریع به خواننده برسد، وجین می‌کنم و اگر جریزی بر دیوار کاخ بلندشان افتاده باشد، بتونه‌ای می‌کشم و رنگی می‌زنم تا با بقیه متن یکسان و یکدست شود. خوب، این راه می‌دانم که اگر زمینی سنگلاخ باشد و بایر، ارزش بذریاشی ندارد و بر خاک سست نباید بنایی بلند پی افکند. این را نیز به نویسنده‌ها بارها گفته‌ام و برخی مقصود را دریافته‌اند و با روی باز پذیرفته‌اند و برخی هم ترجیح داده‌اند آینه بشکنند.

از نظر من که البته در این وادی تازه‌کارم و نیز از نظر بسیاری از استادان و موی‌سپیدان و دودچراغ‌خورده‌های این عرصه، ویراستار باید به همین حداقل بسنده کند و در تغییر دادن متن دیگران کمینه‌گرا باشد. کم دیده‌ام عزیزانی را که بیشینه‌گرایی در تغییر متن‌ها را ترویج کنند و آموزش دهند.

شیوه ویرایش می‌کند، از هیچ تلاشی برای دست یافتن به متنی بهتر فروگذار نمی‌کند و هر جا را بتواند طور دیگری بنویسد، می‌نویسد.

این نمونه را ببینید:

نمونه ناوراسته

آلکات خودش را به عنوان ستون حمایتی مالی و احساسی برای خویشاوندان مونث‌اش می‌دید.

ویرایش کمینه‌گرا

آلکات خودش را به عنوان ستون حمایتی مالی و احساسی برای زنان خویشاوندان مونث‌اش می‌دید.

ویرایش بیشینه‌گرا

آلکات خودش را به عنوان ستون حمایتی حامی مالی و احساسی برای زنان خویشاوندان مونث‌اش می‌دید می‌دانست.

چرا نباید به سراغ ویرایش بیشینه‌گرا برویم؟

با رویکرد بیشینه‌گرا موافق نیستیم به چندین دلیل:

۱. اخلاقی نیست: متن از آن دیگری است و نویسنده برای بیان مقصود خود، واژه‌ها و ساختارهایی از زبان فارسی را برگزیده است و معنای مد نظرش را با آن کلمات در آن قالب بیان کرده و همان‌ها مطلوبش است. او همین را خواسته است و انتخاب کرده است و متن هم که مال اوست. جایگاه ویراستار جایگاه مادر نیست که در تربیت و خورد و خوراک و پوشاک کودک دخالت کند و نظر بدهد؛ بلکه جایگاه دایه است که کمک دست مادر می‌شود. اگر قرار است ویراستار متن را به چیزی غیر از آنچه نویسنده نوشته تغییر دهد، بهتر است خودش دست به قلم ببرد و بنویسد. در رویکرد بیشینه‌گرا، ویراستار دارد در جایگاه نویسنده می‌نشیند.

۲. شدنی نیست: با رویکرد بیشینه‌گرا شاید بشود یکی دو صفحه را اصلاح کرد؛ اما در مقیاس کتاب

نمی‌توان عمل کرد. اگر متنی ۳۰ هزار کلمه داشته باشد، یعنی حدود ۱۰۰ صفحه باشد، با رویکرد کمینه‌گرا شاید به ۵ هزار تا ۱۰ هزار تغییر نیاز داشته باشد. این میزان آن قدر وقت و انرژی می‌برد که شاید ده روز تا دو هفته از ویراستار زمان بطلبد. دیگر فرصتی می‌ماند برای بازنگاری متن؟! بعید نیست بازنگاری متن تا دو برابر این مقدار وقت بخواهد. حالا تصور کنید بخواهیم کل کتاب‌های یک ناشر را با این رویکرد ویرایش کنیم. به چند ویراستار نیاز است؟ چقدر باید زمان اضافی صرف شود؟ تازه اگر بشود، چه ثمری دارد؟

۳. آموزش‌دانی نیست: رویکرد کمینه‌گرا را می‌شود نظم بخشید و تدوین کرد و در کارگاه‌های ویرایش و کارآموزی‌ها آموزش داد. قواعدی وجود دارد که تبیین شده و صورت‌های تخطی از آن‌ها آموزش داده می‌شود و ویراستار راهکارهای اصلاح آن‌ها را می‌آموزد. اما در رویکرد بیشینه‌گرا، تغییرات حداکثری مبتنی بر شمّ زبانی ویراستار است و او باید بتواند هر متن را به شکل دیگری بنویسد. این دیگر آموزش‌دانی نیست؛ چون ضابطه‌مند نیست و صرفاً به دایره‌واژگان و گستره مطالعات ویراستار و خلاقیت ذهنی او وابسته است. مقصود من از آموزش دادن فقط این نیست که نمی‌شود مثلاً کارگاه ویرایش برگزار کرد، نه، منظورم این است که برای پاسخ به نیاز صنعت نشر نمی‌توان نیرو تربیت کرد و آن وقت است که یافتن ویراستار خوب می‌شود آرزوی هر ناشری.

۴. ارزیابی‌پذیر نیست: وقتی تغییرات قاعده‌مند باشد، می‌شود ویراستار را ارزیابی کرد و آموزش داد و در مسیر پیشرفت، به پیش راند؛ اما در تغییرات ذوقی و شمی، امکان ارزیابی وجود ندارد؛ جز همان که گفتم: هر چه متن خط‌خطی‌تر، بهتر! این شد ملاک و معیار؟! تازه اینجا مشکل دیگری هم پیش می‌آید و آن مراجعه ناشر به ارزیابان بی‌اخلاق است. در ارزیابی متن ویراسته، باید بسیار محتاط بود: باید سفارش را شنید، متن پیش

از تغییر را دید، دستمزد و زمان را دانست، از شیوه‌نامه باخبر بود و بعد تازه صرفاً به برشمردن خطاهای قطعی ویراستار اکتفا کرد، آن هم با اما و اگر. غیر از این باشد و بدون تلاش برای آموزش و ارتقای آن ویراستار، این

” جایگاه ویراستار جایگاه مادر نیست
که در تربیت و خورد و خوراک و پوشاک
کودک دخالت کند و نظر بدهد؛ بلکه
جایگاه دایه است که کمک دست مادر
می‌شود. اگر قرار است ویراستار متن را
به چیزی غیر از آنچه نویسنده نوشته تغییر
دهد، بهتر است خودش دست به قلم
ببرد و بنویسد.“

ارزیابی عملی اخلاقی نخواهد بود. اما ناشرانی که دچار وسواس بیشینه‌گرایی شده‌اند، ارزیابانی را جذب می‌کنند که حتی گاه بدون آشنایی با ویرایش یا دستور زبان فارسی، صدها تغییر غیر ضروری در متن ویراسته ایجاد می‌کنند و ویراستار متن را کم‌کار و نابلد جلوه می‌دهند و زمینه‌چین از کار بی‌کار شدن ویراستارهای حرفه‌ای می‌شوند.

۵. **نارضایتی آفرین است:** وقتی باب این باز شود که هر چیزی باید به چیز دیگری تغییر کند تا ناشر فکر کند متنش بهتر شده است، ناشر همیشه ناراضی خواهد بود. چرا؟ چون هر متنی را می‌شود به هزاران صورت دیگر تغییر داد و نوشت. ما این را آزموده‌ایم. در نتیجه ناشر همیشه ناراضی خواهد بود و با بدبینی به ویراستار خواهد نگرست و در این فضای غبارآلود، تعاملی سازنده شکل نخواهد گرفت.

۶. **هزینه‌بردار است:** بازنویسی متن زمان بسیار بیشتری از ویرایش آن می‌طلبد و ناشر اگر بخواهد ویراستار متن را برایش بازنویسی کند، از پس هزینه‌های دو تا سه‌برابری بازنویسی بر نمی‌آید. نمی‌شود از ویراستار توقع داشت بیشتر زمان بگذارد و همان دستمزد ویرایش را بگیرد. تازه در روزگاری هستیم که دستمزد ویراستار گاهی تا یک‌سوم دستمزد واقعی‌اش کاهش می‌یابد؛ چون ناشر توان پرداخت ندارد. فشار اقتصادی صدچندان شده است و اقتصاد نحیف صنعت نشر این همه فشار را تاب نمی‌آورد. در این فضا، جا برای رویکردهای غیر حرفه‌ای و وسواس‌گونه نیست. باید چالاک و چابک و دقیق و درست سیاست‌گذاری کرد و پیش رفت.

۷. **سبک‌ستیز است:** آسیب کلان این رویکرد، این است که بعد از مدتی، دیگر سبک برای نویسندگان معنا نخواهد داشت؛ چون ویراستار هر متنی را که از هر نویسنده‌ای به دستش می‌رسد، به سبک و سیاق و سلیقه و طرز فکر خود شکل می‌دهد و می‌آراید! اما همه می‌دانیم اغلب نویسندگان و به‌خصوص جافتادگان در این وادی، قلم و سبک خودشان را دارند و آثارشان برایشان حکم امضا یافته است. ویرایش بیشینه‌گراییانه ردپای نویسنده را از متن می‌زداید.

یا از آن طرف بام، یا از این طرف

این روزها بارها و بارها مواجه می‌شوم با ناشران و سرو ویراستاران و سیاست‌گذاران نشری که به وسواس کامل‌گرایی دچار شده‌اند و انتظار دارند ویراستار متنشان را از تغییر قرمز کند! آتش آن قدر شور شده است که حتی وقتی متنی را می‌بینند که ویراستار برایش از جان مایه گذاشته و هزاران تغییر در آن داده است، باز او را متهم می‌کنند به کم‌کاری و نابلدی! در میدن به این آتش، ضعف تألیف آثار نقش مستقیم دارد. دستمزد مترجمان و نویسندگان بسیار ناچیز است و ناشران در رقابت با هم‌صنفان خود، به دنبال ارزان‌ترین متن‌ها

هستند. مترجمان و نویسندگان نیز متن‌های ضعیف و ماشینی تولید می‌کنند تا با دستمزد ناچیزشان تناسب داشته باشد. ناشر هم تصور اشتباهی دارد که این متن را ویراستار درست خواهد کرد. نامتن‌هایی می‌رسد به دست ویراستار و توقعاتی نابجا از او وجود دارد. خبر بدتر اینکه این ویروس کامل‌گرایی دارد خودش را تکثیر می‌کند و به جان همه می‌افتد. تا دیروز کم نبودند ناشرانی که حتی نمی‌دانستند «ویرایش» یعنی چه و باید برایشان توضیح می‌دادی و ویرایش چیست و چه ضرورتی دارد؛ اما امروز همان‌ها یا ناشران بسیار نوپای دیگر، از کم‌کاری ویراستارها دم می‌زنند و می‌خواهند بابت نصف یا کمتر از دستمزد ویرایش، متنشان را برایشان بازنویسی کنی! سرانجام این تب کامل‌گرایی چیست؟ خشکیدن نهال نوپای ویرایش. با این رویکرد پراسیب، افراد با استعداد و دل‌سوزی که در تلاش‌اند تا در وادی بی‌آب‌ونان و ویرایش گام بردارند، خیلی زود ناامید و سرخورده خواهند شد و به فعالیت دیگری روی خواهند آورد و این عرصه از نخبگان تهی خواهد ماند. حال که ویرایش به فرهنگی پذیرفته نزد عموم ناشران تبدیل شده است، جا دارد این گرمیان با نگاه درست به وظایف ویراستار، از شکل‌گیری چهارچوبی صحیح برای وظایف ویراستار حمایت کنند. برای نمونه، مستندات کارگروه تعرفه‌قیمت انجمن صنفی ویراستاران که در نشانی anjanvirastar.ir/nerkname در چشم‌رس نهاده شده، معیاری مناسب برای ارزیابی وظایف ویراستارها و تعیین دستمزد آن‌هاست.

سخن پایانی

آنچه در این نوشتار مطرح کردم درباره‌ی وسواس کامل‌گرایی در اصلاح متن و ویرایش بیشینه‌گرا بود. جا دارد در پایان بر این نکته انگشت بگذارم که من همیشه در جایگاه ویراستار از این استقبال می‌کنم که کس دیگری ویراستارم را ببیند و نظرها و پیشنهادهایی برای بهتر شدن ویرایشم بدهد. این نقد، سازنده است و کمک

دستمزد مترجمان و نویسندگان بسیار ناچیز است و ناشران در رقابت با هم صنفان خود، به دنبال ارزان‌ترین متن‌ها هستند. مترجمان و نویسندگان نیز متن‌های ضعیف و ماشینی تولید می‌کنند تا با دستمزد ناچیزشان تناسب داشته باشد. ناشر هم تصور اشتباهی دارد که این متن را ویراستار درست خواهد کرد. نامتن‌هایی می‌رسد به دست ویراستار و توقعاتی نابجا از او وجود دارد.

می‌کند بیاموزم و ببالم و کاستی‌ها و خطاهایم را بزدایم. اما در ماجرای وسواس کامل‌گرایی، با تغییر درست به درست مواجهیم و تغییر درست به درست را نه می‌شود آموزش داد و نه ارزیابی کرد. مبنای معیاری ندارد، جز سلیقه آن کسی که دارد درباره‌ی متن نظر می‌دهد. سلیقه را هم نمی‌شود آموزش داد یا از آن الگو گرفت و تکرارش کرد؛ پس فایده‌ای ندارد.

در پایان باید بگویم این موضوع همچنان شایسته بررسی و تبیین جوانب و آثار آن است. امید که دیگر ویرایش‌پژوهان در این باره بنویسند و آسیب‌شناسی کنند و راهکار بدهند.

پی‌نوشت

۱. برای سنجش ظرفیت زبان فارسی در بیان یک مفهوم، جمله‌ای را در کارگاه بیست و هفتم ویرایش و درست‌نویسی مؤسسه «ویراستاران» در بهمن ۱۳۹۰ به بررسی گذاشتیم و به ۲۳۶،۸۸۸،۰۶۴،۰۰۰ «حالت محتمل» برای جمله‌ای با ۹ واژه رسیدیم! از این تعداد «حالت محتمل»، اگر فقط ۰،۰۰۰۰۰۰۴ درصدش معنادار و درست باشد، می‌شود ۱۰۰۰ جمله درست.

مشکلات آموزش ویرایش ترجمه در دانشگاه



سمیه دل‌زنده‌روی | ویراستار، مترجم

سالم از متن معیوب ندارند. از همین رو، جمله‌هایی را که اساساً مبهم است چندان غیرطبیعی نمی‌شمارند و حتی گاه نفهمیدن معنی دقیق جمله را تقصیر خود می‌دانند. همدلی دانشجویان با مترجم زمانی بیشتر می‌شود که دانشجویان متن اصلی را در کنار ترجمه می‌بینند و می‌گویند مترجم چاره‌ای نداشته جز اینکه

طی سال‌ها آموزش ترجمه در دانشگاه، که ویرایش ترجمه هم جزء جدایی‌ناپذیر آن بوده، با مشکل خاصی مواجه بوده‌ام و آن اینکه بسیاری از دانشجویان بد بودن ترجمه‌ای را متوجه نمی‌شوند و آن‌هایی هم که متوجه می‌شوند، در پاسخ به این سؤال که اشکال ترجمه چیست، فقط به گفتن اینکه «یک جوری است» اکتفا می‌کنند. توجه کنید که در اینجا صحبت از تولید متن نیست؛ صحبت از تشخیص متن است. به عبارت دیگر، صحبت از مهارت خلق زبان نیست که مهارتی active است و نیازمند استعداد و تمرین. صحبت از مهارت تشخیص درستی یا نادرستی متن است که مهارتی passive است و افراد خودبه‌خود در جریان یادگیری زبان مادری آن را کسب می‌کنند. زبان‌شناسان معمولاً می‌گویند افراد حتی اگر در زبان مادری خود قدرت خلق نداشته باشند قدرت تشخیص دارند، ولی به نظر می‌رسد که در نسل‌های جدید قدرت تشخیص تا حدی کاهش یافته. مسلماً یکی از دلایل چنین معضلی این است که اکثر دانشجویان، به دلیل ضعف نظام آموزشی در دبیرستان، کم‌کم کتاب می‌خوانند و یا اگر زیاد می‌خوانند، نثر سالم نمی‌خوانند؛ و در نتیجه معیاری برای تشخیص متن

”

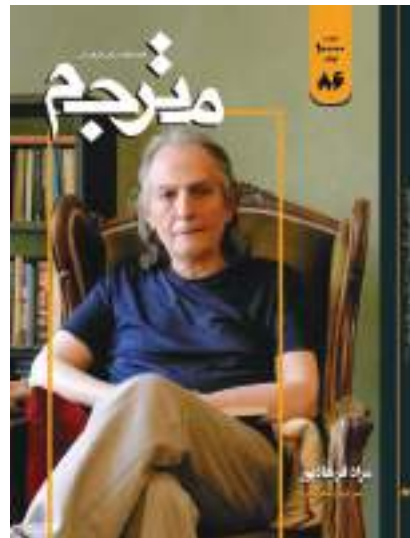
اکثر دانشجویان، به دلیل ضعف نظام آموزشی در دبیرستان، کم‌کم کتاب می‌خوانند و یا اگر زیاد می‌خوانند، نثر سالم نمی‌خوانند؛ و در نتیجه معیاری برای تشخیص متن سالم از متن معیوب ندارند. از همین رو، جمله‌هایی را که اساساً مبهم است چندان غیرطبیعی نمی‌شمارند و حتی گاه نفهمیدن معنی دقیق جمله را تقصیر خود می‌دانند.

“

بنابراین به نظر می‌رسد که برنامه آموزش ترجمه و ویرایش که از یکدیگر جدایی ناپذیرند باید در رفع این دو مانع اصلی بکوشد و بیشتر واحدها باید در همین مسیر تقویت تشخیص برنامه‌ریزی شود؛ چون عمل بدون قدرت تشخیص و عمل بدون مبنایی برای تشخیص طبعاً عملی کور خواهد بود و نمی‌توان نتیجه‌ای از آن انتظار داشت. البته در سرفصل دروس کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، درس‌های زیادی گنجانده شده، از جمله نگارش فارسی، بررسی مقابله‌ای ساخت جمله در انگلیسی و فارسی، آشنایی با ادبیات معاصر فارسی؛ ولی این درس‌ها جهت خاصی ندارند، یعنی مشخصاً برای دانشجویان رشته ترجمه و برای رفع نیازهای خاص آنان طراحی نشده‌اند و بنابراین ممکن است فایده لازم را نداشته باشند. شاید قدم اول در برنامه‌ریزی دروس برای این رشته، به‌خصوص اکنون که وارد عصر هوش مصنوعی شده‌ایم، نخست باید به دقت نیازسنجی کنیم و نیازهای دانشجویان ترجمه را مشخص کنیم و سپس برنامه‌ها و درس‌نامه‌هایی برای رفع این نیازها بنویسیم.

همین‌طور بنویسد. این هم ریشه در باوری دارد که معلوم نیست از کجا آمده و آن اینکه مترجم باید عین کلام نویسنده را منتقل کند. بدین ترتیب یکی از کارهایی که در کلاس‌های ترجمه و ویرایش باید انجام بدهیم افزایش قدرت تشخیص دانشجویان است تا بتوانند فرق جمله سالم و جمله ناسالم را به‌سادگی تشخیص بدهند و این قدم اول برای معالجه بیماری است.

مانع دیگری که به آن اشاره شد تلقی دانشجویان از مفهوم ترجمه است. مجله مترجم در بیش از سه دهه کوشیده خطر این مانع نظری را گوشزد کند و بگوید ترجمه تحت‌اللفظی نه یگانه‌گزینه ممکن است؛ نه به مترجم آزادی و اختیار می‌دهد؛ نه دوست خواننده است؛ نه کمکی به فارسی می‌کند؛ نه دانشی را درست منتقل می‌کند و نه لذتی می‌بخشد. اگر دید نظری خود را درباره ترجمه اصلاح کنیم، دست‌کم نیمی از راه را به سلامت رفته‌ایم. دانشجویان غالباً چنین تصور می‌کنند که ترجمه دقیق و وفادار ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است و در برگرداندن متنی از زبان بیگانه به فارسی اگر قرار است چیزی قربانی شود، آن زبان فارسی است.



در تبیین ترجمه‌ویرایی



نادر خسروی | ویراستار، مترجم

خودش قابل فهم باشد، اما نتواند ارتباط معنایی بین جملات را در ترجمه‌اش شکل دهد. سوم، گاهی متن اصلی به راحتی تن به ترجمه نمی‌دهد (به دلایلی مانند سبک نویسنده، کثرت اصطلاحات و مفاهیم و غرابتشان در زبان مقصد، تعدد داشتن نویسنده در دشوارنویسی و چه بسا «مبهم‌نویسی»!) و مترجم در «انتقال» — چه مسئله بسیار پیچیده و مبهمی در ترجمه! — یا «بازآفرینی» این موارد در زبان مقصد چندان عملکرد خوبی نداشته باشد. چهارم، و در آخر، هر چه فاصله زبان مبدأ و زبان مقصد از هم بیشتر باشد، عمل ترجمه پر مسئله‌تر و چه بسا دشوارتر می‌شود (مثلاً فاصله زبان فارسی با انگلیسی بیشتر از فاصله زبان انگلیسی با زبان فرانسه است. این فاصله هم زبان‌شناختی است، هم فرهنگی — اجتماعی — سیاسی). بنا بر مسائل فوق لازم است شخصی تحت عنوان ترجمه‌ویرا متن ترجمه را ویرایش کند: پس نخست کار او به یک معنا نظارت بر متن است و سپس افزایش خوانایی (جنبه ویرایش زبانی) و فهم‌پذیری آن (جنبه مقابله متن ترجمه با متن اصلی).

چه بسا این بحث ما را به این نتیجه برساند که ترجمه‌ویرا نقشی میانجی دارد میان مترجم و خواننده؛ اما موضوع او باید مستقل از مترجم باشد. میانجیگری در اینجا

تقریباً بر همگان — آن‌هایی که در حوزه «کار روشنفکری» مشغول‌اند — آشکار است که هیچ ترجمه‌ای مصون از «خطا» نیست؛ به همین علت ما به «فرایند»ی تحت عنوان ترجمه‌ویرایی (یا ویرایش ترجمه) نیاز داریم که روی متن ترجمه انجام شود تا به سطحی «مناسب» برسد (در این یادداشت کوتاه مجال نیست که منظورم از واژه «مناسب» را شرح و بسط دهم). بنابراین مطلوب است که متن ترجمه را شخصی غیر از خود مترجم بررسی و ویرایش کند. از طرفی احتمالاً بسیاری از ما بر این باوریم که ایده «ترجمه بی‌عیب و نقص» صرفاً نوعی آرمان و خیال است و دست بر قضا همین وجود «خطا» هاست که — در هر کاری — گاه مسیر تأمل و اندیشه را می‌گشاید. با توجه به مصون نبودن متن ترجمه از «خطا» و نیز ضرورت ترجمه‌ویرایی، درباره فرایند ترجمه‌ویرایی می‌توان اصلی — به‌زعم من — مهم را مبنا قرار داد: اینکه ترجمه‌ویرایی فرایندی بی‌پایان است. بنابراین، می‌توان در تبیین و اهمیت ترجمه‌ویرایی به دلایلی از این دست اشاره کرد: نخست، گاهی مترجم جمله یا ترکیبی می‌نویسد که خودش «ظاهراً» آن را می‌فهمد، اما خواننده نمی‌تواند آن را بفهمد یا به دشواری می‌فهمد. دوم، از آنجا که مترجم هنگام ترجمه متن اصلی را در اختیار دارد، ممکن است جملاتی برای

عاملی است که در نهایت باعث می‌شود خواننده و حتی خود مترجم نیز فهم بهتری از متن ترجمه پیدا کند: ترجمه‌ویرا گاهی — و درباره ترجمه‌ویرای کاربرد، همیشه — باعث می‌شود خود مترجم نیز فهمی تازه از ترجمه خودش پیدا کند. به بیان دیگر، کار ترجمه‌ویرا در پی رسیدن به نوعی «فهم‌پذیری پایدار متن» است: این فهم‌پذیری پایدار به معنای تقلیل دادن متن به متنی تک‌معنا نیست (که بنا بر هر منوتیک متن کاری ناممکن و غیرضروری است)، بلکه به معنای رساندن متن به سطح «مناسب» است که خواننده‌ای که با زمینه آن متن آشناست، هنگام خواندن آن متن درگیر ابهامات و خطاهایی که از طریق کار مترجم وارد متن شده است نباشد. در مقابل، می‌توان گفت ترجمه «نابسنده» در نهایت مسیر تأمل و اندیشیدن خواننده را ناهموار و چه‌بسا مسدود می‌کند. به نظر می‌توان از این منظر فرایند ترجمه‌ویرایی را بررسی و تحلیل کرد و به رویکردی تازه به آن نائل شد.

در برخورد اول با متن ترجمه، ممکن است چنین پرسش‌هایی به ذهنمان خطور کند: آیا لازم است مترجم دیگری یا یک ترجمه‌ویرا ترجمه را بررسی و ویرایش کند؟ و اگر آری، آیا باید کل متن ترجمه را ویرایش کند یا بخش‌هایی از آن را؟ آیا لازم است همه مؤلفه‌های ترجمه‌ویرایی بررسی شود؟ (لازم است این مؤلفه‌ها در مرحله ارزیابی ترجمه مشخص شود). با این حال ترجمه‌ویرا همواره به فکر تغییرات ضروری باشد، نه تغییرات ممکن. این پرسش می‌تواند راهنمای خوبی حین ویرایش باشد: «آیا لازم است این مورد را تغییر دهیم؟» علی‌صلاح جو در جایی گفته است که نباید خواننده حین خواندن متن و فهم آن انرژی مضاعف صرف کند. او می‌گوید گاهی خواننده مجبور است برای فهم یک جمله دو-سه بار یا حتی بیشتر آن جمله را بخواند و همین کار انرژی مضاعفی از او می‌گیرد. انگاره «فهم‌پذیری پایدار متن»، که به آن اشاره کردم، درست ناظر به رفع

«خطا»هایی در متن ترجمه است که چنین انرژی‌ای را از خواننده می‌گیرند. این نیز دلیل مهمی در اهمیت و ضرورت ترجمه‌ویرایی است. مثلاً، در داستان و رمان، مهم است «توالی وقایع» در متن ترجمه حفظ شود یا، در متون نظری، «مراحل استدلال» روشن و متمایز ترجمه شوند. گاهی خواننده به‌دشواری می‌تواند «توالی وقایع» یا «مراحل استدلال» را پی‌گیری کند. رفع این «خطا» نیز نزدیک شدن به ایده «فهم‌پذیری پایدار متن» است (اساساً فهم ترجمه‌ویرا از جنبه‌های استدلالی یک متن نظری یا مؤلفه روایی یک داستان یا رمان گام مهمی در بهبود و اصلاح متن ترجمه است).

نکته دیگر اینکه نمی‌توان ترجمه یک متن را نهایی دانست و همین نکته درباره ترجمه‌ویرایی نیز صادق است: هر دو فرایندی بی‌پایانند و پیوسته جنبه‌هایی تازه از آن‌ها آشکار می‌شود — به‌ویژه که ما مدام در گذر زمان دگرگون می‌شویم و متن نیز برای ما دگرگون می‌شود؛ درست همچون سخنی که به هر اکتیوس نسبت می‌دهند: در یک رودخانه هیچ‌گاه نمی‌توان دو بار پا گذاشت. ترجمه و ترجمه‌ویرایی مشترکات بسیاری با هم دارند و در عین حال دو فرایند متفاوت‌اند.

خلاصه آنکه ترجمه‌ویرایی مجموعه‌ای از اقدامات است که ترجمه‌ویرا برای تصدیق کیفیت متن ترجمه انجام می‌دهد: خواندن متن ترجمه و متن اصلی (اول متن ترجمه، بعد متن اصلی) و مقابله آن‌ها؛ جست‌وجو برای اصطلاح‌شناسی و معادل‌گذاری مفاهیم؛ تشخیص و اصلاح «خطا»ها؛ بازخوانی متن ترجمه و تصدیق نهایی آن. در آخر لازم است بر این مسئله تأکید کنم که ترجمه‌ویرایی دست‌آخر مرزهای روشن و قطعی ندارد و ممکن است در هر مرحله‌ای از ترجمه متن انجام شود، چه به دست خود مترجم و چه به دست ترجمه‌ویرا.

ر.ک. به ویرایش ترجمه



کیمیا نیکپور | ویراستار

و آخر حرفه ویرایش را قواعد درست‌نویسی می‌داند
عموماً اسباب تعجب خواهد بود. مبانی ویرایش ترجمه
البته تنها یکی از حوزه‌های مغفول در تعلیم ویراستاران
است؛ نمونه دیگرش نیاز مبرم و روزافزون به کار با
ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی است که آینده این
حرفه به آن‌ها وابسته است و یادگیری سازوکار آن‌ها و
اخلاقیات به‌کارگیری‌شان نیازی مسلم برای این حرفه
محسوب می‌شود.

۲ در بحث پیش رو، کوتاه به سه مسئله نظر می‌کنم که
اغلب در ویرایش ترجمه محل پرسش و ابهام‌اند:

- میزان آشنایی ویراستار با زبان مبدأ؛
- میزان مداخله ویراستار در ترجمه، یا بازترجمه متن؛
- میزان رجوع ویراستار به متن مبدأ.

پاسخ دقیق و سراسر است به این موارد مستلزم سنجیدن
متغیرهای بسیاری است؛ با این حال تبیین حدود و
مختصات کلی نیز تا حدی می‌تواند راهگشا باشد.
ویراستار متون ترجمه لزوماً نباید فن ترجمه بداند یا در
زبان مبدأ مدارک معتبری کسب کرده باشد. ویراستار
این متون بیش از هر چیز باید متن خوانی بلد باشد،

۱ تردیدی نیست که صنعت نشر ایران حالا دیگر
مدت‌هاست که در هوای متون ترجمه نفس می‌کشد،
و اگر اندکی صراحت‌چاشنی کار کنیم، در هوای
ترجمه‌هایی غالباً نازل و نامطلوب. عجیب آنکه در
راهروهای این صنعت خیل ویراستارانی رفت‌وآمد
دارند که مبانی ویرایش ترجمه در حفظیات و جزواتشان
جای اندکی اشغال کرده است. واقعیت این است که

سنت تعلیم ویراستار در ایران هنوز هم اصول ویرایش
ترجمه را در حاشیه می‌گذارد و به سیاق سابق و غافل از
تقاضای بازار کارش عمده هم‌وغم خود را صرف تعلیم
قواعد زبان فارسی می‌کند. نگاهی گذرا به جزوه‌ها،
کتاب‌ها و سرفصل‌های کارگاه‌های آموزشی حاکی از
عدم توازن شیوه‌های تربیت ویراستار و تقاضای بازار این
حرفه است. دانش قواعد درست‌نویسی البته ضروری
است، اما امروزه تنها بخشی از وظایف ویراستار را
تعریف می‌کند. گاهی حتی، بسته به اولویت و جنس
و حجم مشکلات متون ترجمه، چه بسا بهتر باشد از
اعمال برخی از این قواعد صرف‌نظر کنیم یا در درجه
دوم اهمیت قرارشان دهیم یا آن‌ها را به فرد دیگری
محول کنیم. چنین تقاضایی برای ویراستاری که اول

ساختارهای زبانی زبان مبدأ را بشناسد و بتواند به کمک فرهنگ‌های لغت معنای جمله را درک کند.

تعبیر برخی ویراستاران از اصلاح خطاهای ترجمه این است که ترجمه‌ای جایگزین ارائه دهند؛ یا بازترجمه را امتیاز و نشانه تبحر فرض کنند. حتی اگر ویراستار خود دستی بر آتش ترجمه داشته باشد، در صورت عدم تقاضای مستقیم ناشر یا مترجم، بهتر است به دلایلی چند از این کار اجتناب کند: ممکن است صرف زمان و دقت بیش از حد بر بازترجمه به باقی جوانب کار ویرایش لطمه بزند؛ ممکن است یکدستی سبک ترجمه از بین برود؛ ممکن است مترجم بخواند ترجمه

هر کدام از این رویکردها مزایا و معایب خود را دارد. در تطبیق سطر به سطر جافتادگی‌ها و خطاهای جزئی نیز قابل ردگیری است. ویراستار یحتمل قادر خواهد بود خطاهای بیشتری را مشخص کند و ناهماهنگی‌های سبکی یا تکیه‌های غلط را نیز راحت‌تر تشخیص دهد. از طرفی یکی از عیوب اصلی آن اتلاف مفادیری تمرکز در فرایند رفت‌وبرگشت میان دو متن خواهد بود (نکته حائز اهمیت در اینجا ترتیب خواندن متن هاست. ویراستار می‌بایست برعکس مترجم از متن ترجمه به متن اصلی برود، زیرا ممکن است با دیدن ساختار جمله اصلی، و به یاری آن، جمله ترجمه را واضح بخواند و از ابهام‌ها یا حشوهای غافل بماند).

تلقی رایج این است که ویرایش تطبیقی متن دقیق‌تر، ارزشمندتر، شاق‌تر و مستحق دریافت دستمزد بالاتری است. گذشته از اینکه هیچ‌یک از این دو فی‌نفسه دقیق‌تر و ارزشمندتر از دیگری نیست، باید بر این نکته تأکید مضاعف کرد که ویرایش غیر تطبیقی از جهاتی می‌تواند از ویرایش تطبیقی بغرنج‌تر باشد و کار فکری و هوشیاری بیشتری طلب کند. ویراستار می‌بایست فعالانه و با آمادگی ذهنی سطوح معنایی و منطقی متن را پی‌بگیرد و بدون وساطت متن مرجع و با یافتن تناقضات و ابهام‌های درون‌متنی خطاهای ترجمه را حدس بزند و بعد به متن اصلی رجوع کند. کشف این ناهمخوانی‌ها عموماً با ردگیری پیوندهای علی‌سست میان جملات و پاراگراف‌ها بروز می‌یابد. گاهی ویراستار از عدم انطباق مطلب با تاریخ و زمینه کلی موضوع به خطا پی می‌برد. بنابراین در ویرایش غیر تطبیقی دانش و آشنایی ویراستار با موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین در این ویرایش انسجام و پیوستگی در فرایند خواندن متن و حضور ذهن ویراستار مهم‌تر می‌شود. می‌توان گفت این گونه ویرایش عموماً برای متون کم‌حجم و موضوعات نه‌چندان تخصصی ویرایش مناسب‌تری است، اما انتخاب میان این دو بیش از هر چیز به نوع متن و ضعف‌هایش بستگی دارد. اگر

تعبیر برخی ویراستاران از اصلاح خطاهای ترجمه این است که ترجمه‌ای جایگزین ارائه دهند؛ یا بازترجمه را امتیاز و نشانه تبحر فرض کنند. حتی اگر ویراستار خود دستی بر آتش ترجمه داشته باشد، در صورت عدم تقاضای مستقیم ناشر یا مترجم، بهتر است به دلایلی چند از این کار اجتناب کند....

خودش را جایگزین کند و، از همه مهم‌تر، ممکن است برداشت ویراستار اشتباه باشد. بهترین راه این است که ویراستار خارج از بدنه اصلی متن این خطاها را به مترجم متذکر شود.

میزان رجوع به متن مرجع بسته به هر نشر و هر کتاب متفاوت است؛ باین حال در این باره انتخاب یکی از دو رویکرد کلی به ویرایش ترجمه — خواندن تطبیقی (مقابله سطر به سطر) و خواندن غیر تطبیقی (رجوع به متن مرجع در صورت نیاز) — ملاک اصلی خواهد بود.

ویرایش بی‌روش و بی‌زویه از قلم انداختن شمار چشمگیری از خطاها و حتی مضاعف کردن اشتباهات متن است. ویرایش موفق ویرایشی مفید و اثرگذار است، و همیشه مترادف با ویرایش سنگین و شلوغ نیست. ممکن است ویراستار زمان و انرژی زیادی صرف ویرایش کند، اما نتیجه کارش مؤثر نباشد.

پرهیز از ویرایش درهم‌جوش فوق‌مستلزم داشتن زویه است، و بخش مهمی از کار ویراستار به تعریف اصولی در خور اثر پیش از شروع کار مربوط می‌شود. خط‌مشی ناشر اغلب مغشوش یا ناکافی است؛ پس ویراستار باید خود آستین بالا بزند، اقتضانات متن و جوانب بیرونی

»
برخی از وظایف ویراستار مستلزم خواندن جزء به جزء متن و برخی نیازمند فاصله‌گیری و دیدن اجزا در کنار یکدیگرند، این رفت‌وآمد میان درجات و سطوح مختلف طبعاً در کار هر کدام اخلال ایجاد می‌کند.
«

را بسنجد و بر اساس شان اولویت‌ها را مشخص کند: مشکلات متن چیست؟ خواننده‌اش کیست؟ ارزش متن برای ناشر چقدر است؟ امکان تعویق چاپ کتاب برای ناشر وجود دارد؟ امکان صرف زمان بیشتر برای ویراستار وجود دارد؟ خود متن چقدر ارزشمند است؟ متن ویراسته همیشه متنی بی‌نقص نیست. گاهی ویرایش مفید متضمن چشم‌پوشی آگاهانه از برخی نواقص به نفع پیروی از اصولی است که پرسش‌پاسخ‌های مذکور مشخص کرده‌اند. مهم است که ویراستار نیازهای اصلی را شناسایی کند و در جهت رفع آن‌ها گام بردارد، آن وقت می‌توان گفت ویراستار کارش را کرده است و ویرایش اثرگذار بوده است.

متن در ترجمه ضعیف باشد، رویکرد تطبیقی انتخاب درست‌تری است. اگر نقطه ضعف متن نشر و روانی‌اش باشد، رویکرد غیر تطبیقی بیشتر به قواره کار می‌خورد. ویرایش تطبیقی به قطب مترجم تمایل بیشتری دارد؛ ویراستار از چشم‌انداز مترجم به متن نزدیک می‌شود. ویرایش غیر تطبیقی متقابلاً خواننده‌محور است؛ ویراستار از چشم‌انداز خواننده متن را می‌خواند، خواننده مثالین متن است و اطمینان حاصل می‌کند که متن در سطح زبانی و مفهومی انسجام و پیوستگی داشته باشد.

۳

سخن آخر در حاشیه بحث: شمار متن‌هایی که در همه سطوح صوری و زبانی و ترجمه‌ای ضعیف باشند کم نیست و ناشران غالباً انتظار دارند ویراستار همه نوع ویرایشی را بر متن پیاده کند و هم‌زمان مقابله سطر به سطر نیز در دستور کارش باشد. چنین معامله‌ای قاعدتاً نباید جوش بخورد. بجاست ویراستار در همان ابتدا اما و اگرهای کار را مطرح کند، و اصلاً درست‌تر این بود که ناشر طی اقداماتی پیشگیرانه شدت مشکلات متن را می‌گرفت. در کمال شگفتی اما دو طرف قرارداد بی‌حرف و گفت‌افزافه بر سر این ناممکن به توافق می‌رسند. یک علتش شاید این باشد که هر دو این دست قرار و مدارها را تشریفاتی برگزار می‌کنند. ناشر با حواله همه مشکلات بالفعل و بالقوه متن به ویراستار خیال خود را آسوده می‌کند. ویراستار نااهل هم البته این کلی‌خواهی را به فال نیک می‌گیرد و به‌فراخور احوالاتش در همه سطوح ویرایش تفننی می‌کند، خیالش هم تخت است که در نهایت متنی شلوغ و پرمالات تحویل ناشر خواهد داد. چنین رویکردی همواره پرخطا و کم‌تأثیر است: از طرفی تغییر مدام لنز ویرایش به کاهش دقت می‌انجامد. برخی از وظایف ویراستار مستلزم خواندن جزء به جزء متن و برخی نیازمند فاصله‌گیری و دیدن اجزا در کنار یکدیگرند، این رفت‌وآمد میان درجات و سطوح مختلف طبعاً در کار هر کدام اخلال ایجاد می‌کند. از طرفی دیگر، نتیجه

هنر ویرایش در هیاهوی خبر



زهرا حسن زاده | ویراستار

می‌کند، بلکه آن‌ها را با زبانی گویا و جذاب و مناسب ارائه می‌دهد.

ویرایش خبر فراتر از اصلاح خطاهای نگارشی است. این فرایند شامل انتخاب دقیق‌ترین واژگان، بازنویسی جملات پیچیده و ساماندهی محتوا به شکلی است که پیام اصلی با بهترین اثربخشی به خواننده منتقل شود. ویراستار در این میان نقش دایه‌ای دلسوز را بازی می‌کند که هر چند عزیزتر از مادر نیست، با نهایت دقت و حساسیت، خبر را از هرگونه خطا یا اغراق یا شایعه‌سازی در امان نگه می‌دارد. خبرنگار، که مادرِ خبر است، منبع و محتوای آن را فراهم می‌کند و ویراستار، با همان دلسوزی اما در جایگاهی متفاوت، این دستاورد را صیقل می‌دهد تا متنی شایسته و تأثیرگذار خلق شود. هدف ویرایش در خبر انتقال پیام به‌گونه‌ای است که در ذهن مخاطب ماندگار باشد، بی‌آنکه او را دچار ابهام، سوءتفاهم یا بی‌اعتمادی کند.

مشکلات ویرایش در دنیای دیجیتال

ویرایش خبر در دنیای امروز با مشکلات بسیاری روبه‌روست که هر کدام نقشی تعیین‌کننده در کیفیت نهایی محتوا دارد، از جمله این مشکلات است:

۱) سرعت و تنگنای زمانی. در دنیایی که مخاطبان

در دنیای پرفرازونشیب امروز، رسانه‌ها همچون پلی میان واقعیت و افکار عمومی، نقش پررنگی در شکل‌دهی به جهان‌بینی مخاطبان خود دارند. اما این نقش زمانی جلوه می‌کند که پیام‌ها با دقت، شفافیت و تأثیرگذاری به مخاطب منتقل شوند. ویرایش متون رسانه‌ای، به‌ویژه در حوزه خبر، یکی از ارکان اصلی فرایند است. ویراستاران حوزه خبر وظیفه دارند، با دقت و ظرافت، متن‌ها را از خطاهای زبانی، ابهامات مفهومی و ضعف‌های ساختاری پالایش کنند تا محتوا با بهترین کیفیت به دست مخاطب برسد.

اکنون که در عصر دیجیتال به سر می‌بریم و اخبار در کسری از ثانیه منتشر می‌شوند، این نقش بیش از گذشته اهمیت می‌یابد. برخورداری از سرعت و دقت و شفافیت در انتشار خبر، به‌مثابه سه ضلع مثلث ویرایش رسانه‌ای، آزمون‌های دشوارند برای هر رسانه‌ای که در پی حفظ اعتبار و اعتماد مخاطبان خود است.

امروزه رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگری در محاصره داده‌ها و اطلاعات قرار دارند. از فضای مجازی گرفته تا رسانه‌های رسمی، انتشار اخبار به‌قدری گسترده و بی‌وقفه است که گاهی تشخیص خبر درست از نادرست دشوار می‌شود. در چنین اوضاعی، ویرایش خبر به هنر تبدیل می‌شود؛ هنری که نه تنها اطلاعات را پالایش

انتظار دارند خیرها در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دستشان برسد، بعد از خبرنگاران، ویراستاران نیز با آزمونی سخت مواجه‌اند. سرعت انتشار نباید دقت و کیفیت محتوا را قربانی کند. هرگونه خطای بی‌دقتی می‌تواند به از دست رفتن اعتبار رسانه و گمراهی مخاطب منجر شود.

۲) حساسیت موضوعات. برخی خبرها، به‌ویژه موضوعات سیاسی و اجتماعی و بحران‌های جهانی، نیازمند ویرایشی با حساسیت بالا هستند. بی‌طرفی در انتخاب واژه‌ها و دقت در انتقال معنا اصلی‌ترین مشکل در این حوزه است. حتی کوچک‌ترین خطا در چنین اخباری می‌تواند پیامدهای گسترده و گاه جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشد. برای مثال، تیتیر اصلی یک روزنامه که خطای فاحشی داشته است: «۱-۵ را جایگزین ۱+۵ می‌کنیم»؛ این تیتیر نه تنها بی‌طرفانه نیست و ضعف در زبان دیپلماسی را نمایان می‌کند بلکه گویای آن است که نه سیاست‌گذار، نه روزنامه‌نگار و نه ویراستار به یک جمع و تفریق ساده توجه نکرده‌اند! $5+1=6$ و $5-1=4$ ؛ بنابراین وقتی آمریکا را از طرفین مذاکره حذف کنیم، ایران به جای $5+1$ کشور، با 5 کشور طرف حساب است، نه 4 کشور!

۳) دیجیتالی شدن رسانه‌ها. در حال حاضر رسانه‌ها به سرعت به سمت دیجیتالی شدن حرکت می‌کنند. از این رو، سرعت انتقال اطلاعات در فضای مجازی، علاوه بر خبرنگاران، ویراستاران را نیز با فشار مضاعف روبه‌رو می‌کند. آن‌ها باید هم‌زمان با حفظ سرعت انتشار، دقت و کیفیت محتوا را تضمین کنند؛ وظیفه‌ای که تنها با مهارت و تجربه انجام‌شدنی است. البته این مشکل در همه جای دنیا وجود دارد و در رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز هست. با جست‌وجو در فضای مجازی می‌توانید نمونه‌های بسیاری را ببینید. مثلاً در یکی از برنامه‌های شبکه خبری جهانی، حین اعلام خبری با عنوان «مجازات یک کشور» به اشتباه نقشه کشور دیگری را روی صفحه نمایشگر نشان داد. این خبر بازتاب جهانی داشت و آن رسانه را از اعتبار انداخت. با این حال، امروزه برخی رسانه‌ها به‌ویژه در فضای مجازی با هدف جذب

مخاطب و گاه به‌عمد این‌گونه به اصطلاح خطاها یا لغزش‌ها را درج می‌کنند که باید مخاطب هشیار باشد و گول نخورد. از نظر نگارنده، این مسئله را می‌توان سوءاستفاده از مخاطب و حتی ویراستار دانست.

۴) استفاده فراوان از نرم‌افزارهای ویرایشی. امروزه این نرم‌افزارها به ابزاری رایج در بسیاری از رسانه‌ها تبدیل شده‌اند. آن‌ها، با اینکه در برخی مواقع سبب سهولت کار شده‌اند، ضعف‌هایی نیز دارند که اتکای بیش از حد به آن‌ها ارزش دانش و تجربه انسانی در ویرایش را کم‌رنگ کرده است. برای نمونه، سردبیری از خبرنگاران خواسته بود در هر بخش از متن که کلمه «خصوص» آمده است کلمه «ویژه» را به سبب فارسی بودن به کار برند، و افراد با تکیه بر نرم‌افزار ویرایش و با دستور کلی آن را اعمال کردند و کلمه «خصوصی‌سازی» به «ویژه‌سازی» تبدیل شد. اینجاست که باید گفت این نرم‌افزارها، اگر نظارت دقیق انسانی بر آن‌ها نباشد، نه تنها کمک‌چندان بزرگی به ویرایش نمی‌کنند، کار ویراستاران را نیز در بسیاری موارد دشوارتر می‌کنند.

با وجود مسائل و مشکلات پیش‌گفته، متأسفانه بسیاری از رسانه‌ها به تعدیل نیرو و در بخش ویرایش روی آورده‌اند؛ گویی نرم‌افزارها می‌توانند جایگزین ویراستاران حرفه‌ای شوند! این نگرش نه تنها کیفیت محتوا را تحت تأثیر قرار داده، بلکه حرفه ویرایش تخصصی را به حاشیه رانده است. امروزه لازم است اهمیت بیشتری برای ویرایش رسانه‌ای قائل شد و صرفاً به ابزارهای ویرایشی اتکا نکرد. ابزارهای ویرایشی می‌توانند نقش تکمیلی داشته باشند؛ اما برای ویرایش اخبار باید از تشخیص انسانی و از ویراستاران استفاده کرد؛ چراکه فقط آن‌ها می‌توانند به طور کامل جنبه‌های گوناگون زبانی، مفهومی و تأثیرگذاری متن را بررسی کنند و بهبود بخشند. ویراستاران درک دقیق‌تری از نیازهای مخاطب دارند و با رویکردی خلاق و حرفه‌ای پیام را به بهترین شکل ممکن به مخاطب منتقل می‌کنند.

الماسِ خامِ خبر

گوهری در دستان ویراستار ماهر



محمد خدادادی | ویراستار، مترجم

۱) خطاهای املائی و رسم‌النخطی

نادرست: مسؤول، جرعت، جستجو، بلیط
درست: مسئول، جرئت، جست‌وجو، بلیت

۲) خطاهای نحوی (حذف فعل بدون قرینه)

ناویراسته: آیین گرامیداشت روز دانشجو در یزد برگزار
و هزاران نفر در این مراسم شرکت کردند.
ویراسته: آیین گرامیداشت روز دانشجو در یزد برگزار
شد و هزاران نفر در این مراسم شرکت کردند.

۳) کاربرد نابجای «به عنوان» متأثر از ترجمه

ناویراسته: او به عنوان پژوهشگر ارشد اندیشکده
سلامت کار می‌کند.

ویراسته: او پژوهشگر ارشد اندیشکده سلامت است.

۴) کاربرد نابجای «عدم»

ناویراسته: سازمان جهانی بهداشت عواقب عدم توجه
به سلامت محیط‌زیست را اعلام کرد.

ویراسته: سازمان جهانی بهداشت عواقب بی‌توجهی
به سلامت محیط‌زیست را اعلام کرد.

زبان فارسی میراث گران‌بهای نیاکان ما و حفظ آن وظیفه‌ی همه‌ی ماست. رسانه‌ها، در جایگاه قدرتمندترین ابزارهای ارتباطی، سهم بسیار مهمی در حفظ و ارتقای زبان فارسی دارند. در «عصر اطلاعات»، رسانه‌ها به قلب تپنده‌ی زندگی ما تبدیل شده‌اند. این غول‌های ارتباطی با زبان‌های متنوعی پیام‌های گوناگونی را به گوش جهانیان می‌رسانند. از خبرهای داغ گرفته تا تحلیل‌های عمیق، همه‌وهمه از طریق رسانه‌ها به دست ما می‌رسند. اما چه چیزی رسانه‌ها را از همدیگر متمایز می‌کند؟ پاسخ ساده است: «کیفیت محتوا». یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در کیفیت محتوا «ویرایش دقیق صوری و زبانی» است.

امروزه، به علت بی‌توجهی یا کم‌توجهی به قواعد زبان فارسی، شاهد اشتباه‌های فراوانی در نوشته‌های روزمره‌ایم. کافی است به اطرافمان دقت کنیم؛ از زیرنویس‌های تلویزیون گرفته تا تابلوهای مغازه‌ها، همه‌جا ردپای این کم‌توجهی دیده می‌شود. بخشی از این خطاهای زبانی و صوری از طریق متن‌های خبری منتقل می‌شود که در زیر به نمونه‌های اندکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۵) کاربرد نادرست «توسط»

ناویراسته: او توسط گروه‌های تندرو تحت فشار قرار گرفته است.
ویراسته: او را گروه‌های تندرو تحت فشار قرار داده‌اند.

آنچه در بالا ذکر شد شاید با آموزش‌های ویراستاری بتوان رفع کرد، اما ویراستار خبر، فراتر از فنون ویرایش، فنون نگارش را نیز باید بداند.

زبان آینه تمام‌نمای ذهن ماست. هر آنچه می‌خوانیم ناخودآگاه در نحوه تفکرمان و بیانمان تأثیر می‌گذارد. وقتی اخبار را دنبال می‌کنیم، نه تنها از رویدادهای اطرافمان باخبر می‌شویم، بلکه در حال یادگیری زبانی هستیم که با آن به جهان اطرافمان معنا می‌بخشیم. برای مثال، اگر اخبار مملو از خطاهای نگارشی و املايي باشد، به ذهن مخاطب این پیام را می‌دهیم که این نوع نگارش استاندارد است؛ در واقع رسانه‌ها و متون خبری یکی از مریبان آموزش گفتار و نوشتارند. برای مثال، تخلفات رانندگی حادثه‌ساز بازیگران در فیلم‌ها و سریال‌ها می‌تواند بر شیوه و فرهنگ رانندگی ما تأثیر بگذارد. آموزش زبان فارسی نیز به همین شکل است. اگر رسانه‌ها در جایگاه مریبان زبان به مخاطبان‌شان اشتباه بیاموزند، مخاطبان نیز ناخودآگاه آن‌ها را در نوشتار و گفتارشان تکرار خواهند کرد.

می‌دانیم که دنیای خبر دنیایی پر هیجان و پرشتاب است. اخبار باید در کمترین زمان ممکن تهیه و منتشر شوند. در این شرایط، «ویراستاران خبر» نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. ویراستاران باید اخبار را با سرعت و با دقت ویرایش کنند و برای انتشار آماده سازند. ویرایش خبر، علاوه بر «دانش زبانی»، نیازمند آشنایی با «اصول خبر نگاری»، «قوانین رسانه‌ای» و «حساسیت‌های اجتماعی» است. علاوه بر این، ویراستار با رعایت اصول نگارشی و ویرایشی به جذابیت و خوانایی اخبار

می‌افزاید. ویرایش رسانه‌ای و خبری فرایندی است که طی آن «متن خام» به خبری جذاب و شیوا تبدیل می‌شود. «ویراستار رسانه‌ای»، مانند جراحی زبده، با دقت و ظرافت، واژگان اضافی را حذف می‌کند، ساختار جمله‌ها را بهبود می‌بخشد و اطمینان حاصل می‌کند که پیام درست و کامل به مخاطب منتقل می‌شود. هر خبر همچون «الماس» خامی است که در دل معدن نهفته است. خبرنگارانی که در خط مقدم رویدادها قرار دارند، با عجله این الماس را از دل خاک بیرون می‌کشند. برای اینکه این «الماس خام» به «جواهر درخشانی» تبدیل شود و نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب کند، به دستان ویراستاری ماهر نیاز دارد. «ویراستار خبری» هنرمندی است که با ظرافت تمام، واژگان و جمله‌ها را جلا می‌دهد و به آن‌ها شکل و شمایل جذاب می‌بخشد. او اخبار را با دقت تمام بررسی، اطلاعات اضافی را حذف و مطالب را به شکلی منسجم و روان سازمان‌دهی می‌کند. در واقع، ویراستار خبری به تعبیری «مهندس زبان» است که، با استفاده از ابزارهای زبانی، ساختاری محکم و استوار برای اخبار فراهم می‌کند. استفاده از جمله‌های کوتاه، استفاده از واژگان ساده و حذف توضیحات اضافی باعث می‌شود مخاطب به سرعت و به راحتی به اصل مطلب برسد. خبر باید مانند «داستانی جذاب»، خواننده را تا انتها با خود همراه کند. جمله‌های طولانی و پیچیده خواننده را خسته می‌کنند. استفاده از جمله‌های کوتاه و روان، خواندن خبر را لذت‌بخش می‌کند. خبر خوب، نه تنها اطلاع‌رسانی می‌کند، بلکه احساسات مخاطب را نیز درگیر می‌کند. ویراستاران باید، با استفاده از واژگان جذاب، مخاطب را به خواندن ادامه متن ترغیب کنند. در نهایت، ویرایش خبر هنری است که با ترکیب «دانش»، «تجربه» و «خلاقیت»، به تولید اخبار با کیفیت و جذاب منجر می‌شود. ویراستاران همانند هنرمندانی اند که با قلمشان به اخبار جان می‌بخشند.



حساسیت‌های ویراستاری در متون خبری و رادیویی



معصومه بنیاد | ویراستار، پژوهشگر

ویرایش متون خبری

الف. در نگارش و ویرایش متون خبری مبحث «برجسته‌سازی»^۱ بسیار مهم است و نویسندگان و ویراستاران برای جلب توجه مخاطب و هدایت او به بخش‌های مهم مطلب از آن بهره می‌گیرند. ویراستاران بخش‌های خبری، بر اساس سیاست‌های سیاست‌گذاران و ملاحظات سیاسی و اجتماعی و مخاطبان هدف خود، به ویرایش و برجسته‌سازی متون خبری می‌پردازند و با آماده‌سازی ذهن مخاطبان آنان را آماده پذیرفتن پیام مدنظر می‌کنند و اولویت‌های خبری را، طبق سیاست‌های سیاست‌گذار، به مخاطبان انتقال می‌دهند.^۲ باید توجه داشت که نحوه تنظیم خبر برای ویراستار بخش خبری فرهنگی-اجتماعی با نحوه تنظیم خبر برای ویراستار بخش سیاسی یا پزشکی و خانواده متفاوت است. با آنکه سیاست‌های کلی یکی است، تفاوت در موضوع و محتوا و پیام تعیین می‌کند که چگونه خبر برگزیده شود.

ب. توجه به کاربرد صحیح زبان رسمی و معیارهای زبان نوشتاری در اخبار از نکات دیگری است که حساسیت ویراستاران بخش خبر بدان معطوف است.

در جهان پیچیده و پر حادثه کنونی، دسترسی و مشاهده همه رویدادها برای افراد ممکن نیست؛ رسانه‌ها در قالب اخبار و گزارش‌های خبری و تصویری و صوتی این وقایع را به مخاطبان عرضه می‌کنند. هر جمله یا سخنی، برای خواننده یا شنونده، حامل پیامی است و یکی از ابزارهای انتقال این پیام به مخاطب نوشتار است که این نوشتار در قالب واحدهای نحوی یک جمله و چگونگی آرایش آن‌ها صورت می‌گیرد. تغییر آرایش این واحدها گاه در «معنای تحلیلی» و گاه در «معنای ارتباطی» آن تأثیرگذار است. توجه به این نکته و ویژگی‌های زبانی، در تنظیم متن اخبار و عادی جلوه دادن یا معنادار کردن متن‌های خبری، حائز اهمیت است. حضور ویراستاران در بخش‌های خبری و غیر خبری رسانه‌های گوناگون، در برقراری ارتباط مؤثرتر رسانه و مخاطب و انتقال صحیح این پیام و چگونگی کیفیت ارائه این واحدها تأثیر بسیاری دارد. در ادامه برخی حساسیت‌هایی که در ویرایش متون خبری و رادیویی وجود دارد و ویراستار باید به آن‌ها توجه و دقت کند به تفکیک آمده است.

خواننده شدن و درک صحیح مطلب کمک می‌کند. گاه استفاده از علائم نشانه‌گذاری در جای نامناسب ممکن است تأکید یا توقیفی نابجا به وجود آورد و سبب ابهام یا سوء تفاهم یا برداشت اشتباه شود. لذا لزوم تسلط و توجه در به کار بردن این علائم ضروری است.

د. ویراستاران خبر، علاوه بر داشتن مهارت ویرایش زبانی و صوری، باید به مسائل گوناگون روز آگاه باشند تا از نظر محتوایی نیز توانایی اصلاح خطاهای محتوایی را داشته باشند.

ه. شتاب و سرعت در تهیه و انتشار خبر وجه تمایز ویرایش متون خبری با ویرایش کتاب است. ویراستاران بخش خبر، در مقایسه با ویراستاران کتاب‌های گوناگون، زمان کمتری برای اصلاح متن دارند. گاه نیز این شتاب و هیجان و حساسیت در انتخاب واژه‌ها و انواع پایدها و نبایدهایی که در انتشار یا چگونگی انتشار برخی از اخبار وجود دارد سبب فرسودگی و خستگی می‌شود، زیرا در اندک فرصتی باید متون خبری را در نهایت دقت و با رعایت همه جوانب ویرایش کرد. اما، در مقابل، ویرایش کتاب در آرامش و با فراغ بال صورت می‌گیرد. در نتیجه، ویژگی مهم ویراستار خبرگزاری، در کنار تخصص و مهارت ویراستاری، سرعت عمل در کار است و اگر این توانایی وجود نداشته باشد امکان فعالیت و موفقیت در حوزه خبر میسر نخواهد بود.

در پایان باید گفت ویراستار توانمند و متخصص در حوزه خبر، با کسب توانمندی‌های لازم در این حوزه، بر ارزش و جذابیت خبر می‌افزاید و مخاطب را علاقه‌مند به خواندن خبر می‌کند. از جمله با انتخاب عنوان مناسب و استفاده از تعابیر و کلماتی جذاب، مخاطب را به خواندن خبر مدنظر ترغیب می‌کند.

ویرایش متون رادیویی

در رسانه‌های شنیداری مانند رادیو، برخلاف تلویزیون و خبرگزاری‌ها، محدودیت‌هایی وجود دارد که ویراستاران

ویژگی مهم ویراستار خبرگزاری، در کنار تخصص و مهارت ویراستاری، سرعت عمل در کار است و اگر این توانایی وجود نداشته باشد امکان فعالیت و موفقیت در حوزه خبر میسر نخواهد بود.

کاربرد نابجای زبان گفتاری (شکسته) خطرهای بسیاری برای زبان به همراه دارد؛ زیرا وقتی به جای زبان رسمی در خبر به کار رود، ارتباط صحیح را مختل می‌کند. مردم عادی، با گویش‌های گوناگون، با زبان معیاری آشنا هستند که انتظار دارند رسانه‌ها در تقویت آن گام بردارند. مثلاً فردی که زبان مادری اش ترکی یا کردی یا عربی است و در مدرسه زبان معیار فارسی را آموزش می‌بیند، اگر اخبار را با زبان گفتاری بشنود، دچار دوگانگی می‌شود؛ زیرا زبان گفتار در خانواده اش همان زبان محلی است و زبان رسمی برای او زبان معیاری است که در مدرسه یا تلویزیون به وی آموزش داده شده است. کاربرد نابجای زبان گفتاری در رسانه‌ها آسیب دیگری هم دارد و آن اینکه رفته‌رفته گوش‌ها به زبانی دور از زبان معیار عادت می‌کند و موجب دوری از زبان رسمی می‌شود.^۳ فرض کنید گزارشی رسمی یا خبری با زبان شکسته این‌گونه پخش شود: «مردم رو روزای زوج به موزه را ندادن. مردم تصور می‌کردن راشون می‌دن». همان‌طور که از مثال مشخص است، کاربرد این زبان ارتباط صحیح را مختل می‌کند و مردم با گویش‌های گوناگون در درک صحیح و سریع مطلب مشکل خواهند داشت.

ج. از نکات دیگری که ویراستار خبر باید به آن توجه داشته باشد، ویرایش صوری و استفاده از علائم نشانه‌گذاری مناسب و بجادر متن خبر است که به بهتر

با توجه به اقتضانات این رسانه، متن‌ها را ویرایش می‌کنند. شاید بتوان گفت که ویراستاران آموزش دیده برای کتاب‌ها و آثار مکتوب، برای به دست آوردن مهارت در ویرایش متن‌های رادیویی باید آموزش‌های دیگری نیز ببینند و با مشکلات و حساسیت‌های این رسانه آشنا شوند. برخی از این حساسیت‌ها در زیر آمده است:

۱) متن رادیویی را به آن سبب متن شنیداری می‌گویند که فقط قابلیت شنیدن دارد، پس باید ساده و روان و به دور از ابهام باشد تا با یک بار شنیدن به خوبی در ذهن شنونده جا بگیرد و درک شود. استفاده از کلمات مناسب و هوشمندی در استفاده از افعال معلوم به جای مجهول و استفاده از جملات کوتاه به جای جملات طولانی به درک صحیح و سریع مطلب کمک می‌کند.

۲) برنامه‌های رادیویی، با تلفیق مطالب صوتی و موسیقی و گفت‌وگو و حتی سکوت، در ذهن مخاطب تصویرسازی می‌کنند. در این مرحله است که جایگاه ویراستار متبحر نمایان می‌شود که بتواند با جای‌گذاری کلمات و عبارات مناسب تصویر بهتری در ذهن مخاطب ایجاد کند.

۳) استفاده از زبان معیار در رادیو بسیار اهمیت دارد و ویراستاران باید در ویرایش انواع سبک‌های متن شنیداری مهارت و آفری داشته باشند. مخاطبان این رسانه اکثراً عموم مردم‌اند از سراسر کشور، بنابراین باید از زبان رسمی و معیار استفاده شود تا همه مردم، در همه شهرهای کشور و با گویش‌های گوناگون، بتوانند از محتوای تولیدشده در این رسانه بهره ببرند.

۴) ویراستاران برنامه‌های رادیویی باید از حال و هوای رادیو و کار در آن فضا و اصطلاحات تخصصی در آن آگاهی نسبی داشته باشند تا به خوبی بتوانند انواع متن را با سبک‌های متنوع ویرایش کنند. مثلاً در نمایش‌های رادیویی، اگر قرار است شخصیتی را به مخاطبان رادیو بشناسانند که از لحاظ روانی تعادل ندارد، باید در استفاده از لحن و نوع کلمات و ویژگی‌های خاصی را لحاظ کنند

استفاده از زبان معیار در رادیو بسیار اهمیت دارد و ویراستاران باید در ویرایش انواع سبک‌های متن شنیداری مهارت و آفری داشته باشند. مخاطبان این رسانه اکثراً عموم مردم‌اند از سراسر کشور، بنابراین باید از زبان رسمی و معیار استفاده شود تا همه مردم، در همه شهرهای کشور و با گویش‌های گوناگون، بتوانند از محتوای تولیدشده در این رسانه بهره ببرند.

تا این امر به خوبی به شنونده منتقل و باور پذیر شود. ضمن اینکه برای ویرایش متن نمایش‌نامه یا آگهی‌های تجاری، که به سبک سکانس‌های کوتاه داستانی اجرا می‌شوند، در خصوص استفاده از میکروفن و تأثیر موسیقی و صدا، که از اجزای اصلی تولید و مسائل فنی هستند، اطلاعاتی داشته باشند. مثلاً اگر قرار باشد در نمایش‌نامه‌ای شنونده صدای طوفان را حس کند و نویسنده در متن خود قادر نبوده این حس را به خوبی به مخاطبان خود القا کند، وظیفه ویراستار است که با آشنایی با فضا و جلوه‌های صوتی رادیو این نقص را اصلاح کند، مثلاً پیشنهاد بدهد برای القای حس طوفان از سازهای بادی و ضربی استفاده شود.

بر این اساس، متن‌های رادیویی نیاز بیشتری به تشریح وقایع دارند؛ چرا که محدودیت‌های تصویری و دیداری دارند. برای این امر، ویراستاران باید از عبارات و کلمات مناسب و بجا، بدون اینکه سبب دشواری و طولانی شدن متن شود، استفاده کنند.

۵) باید از کاربرد کلمات هم‌آوا در رادیو پرهیز شود. استفاده از کلماتی مانند ثواب و صواب یا حیاط و حیات

در نظر گرفته شده برای آن، باید به تک تک کلمات و پیچیدگی و دشواری مفاهیم و نیاز به تأکیدگذاری از طریق مکث یا سرعت در بیان یا چگونگی لحن شخصیت گوینده و حتی شمارش تعداد کلمات متن و مقایسه آن با زمان در نظر گرفته شده توجه کنند و به اصلاح و بررسی این آگهی‌ها بپردازند. البته امروزه برخی از آگهی‌های تجاری به گونه‌ای ساخته می‌شوند که قابلیت استفاده در هر دو رسانه تصویری و شنیداری را داشته باشند؛ اما همچنان حضور و بازنگری ویراستاران متبحر در کیفیت کار تأثیر خواهد داشت.

هنر ویراستار متون شنیداری (رادیو) برانگیختن تخیل شنونده و جلب او به گوش دادن مطلب و لذت بردن هر چه بیشتر از این رسانه صوتی است. این موضوع مسئولیت ویراستار را دشوارتر می‌کند؛ زیرا این رسانه، در مقایسه با دیگر رسانه‌ها، در سال‌های اخیر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پی‌نوشت

۱. «برجسته‌سازی» اصطلاحی است در زبان که در زمینه ارزیابی عملکرد و تأثیرگذاری رسانه‌ها در مخاطب کاربرد بسیاری دارد. سابقه استفاده از اصطلاح «برجسته‌سازی» به دهه ۱۹۲۰ میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۹۲۲، والتر لیمن به این نتیجه رسید که رسانه‌ها این توانایی را دارند که تصاویر مورد نظر خود را از آنچه در اتفاقات رخ می‌دهد به مردم نشان دهند.

۲. مک‌کوایل، دنیس (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجاللی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ص ۳۸۷-۳۸۹.

۳. سمیعی، احمد (۱۳۷۵). «زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌برداری از فرهنگ مردم در صدا و سیما»، نشر دانش، ش ۴۶، ص ۱۸۴.

»
استفاده از علائم نشانه‌گذاری و تقطیع جملات در متون رادیویی بسیار مهم است. این علائم بسیار پرکاربردند و به مجری یا گوینده کمک می‌کنند که بداند کلام خود را از کجا شروع و کجا تمام کند. مثلاً در متون رادیویی «...» نشانه مکث طولانی، «-:» نشانه مکث کوتاه، «!» نشانه تأکید و «؟» نشانه لحن پرسشی است. خطی هم که در زیر جمله‌ای کشیده شود به معنای این است که باید آن جمله را با تأکید خواند.

ممکن است ذهن شنونده را مشوش کند و مانعی برای درک صحیح مطلب بشود.

۶) استفاده از علائم نشانه‌گذاری و تقطیع جملات در متون رادیویی بسیار مهم است. این علائم بسیار پرکاربردند و به مجری یا گوینده کمک می‌کنند که بداند کلام خود را از کجا شروع و کجا تمام کند. مثلاً در متون رادیویی «...» نشانه مکث طولانی، «-:» نشانه مکث کوتاه، «!» نشانه تأکید و «؟» نشانه لحن پرسشی است. خطی هم که در زیر جمله‌ای کشیده شود به معنای این است که باید آن جمله را با تأکید خواند.

۷) ویراستار متون رادیویی باید در استفاده از «حروف اختصاری» تا جای ممکن امساک کند؛ زیرا مخاطبان عام ممکن است متوجه معنای این حروف اختصاری نشوند؛ به خصوص آن دسته از حروف اختصاری که کم‌کاربردند.

۸) ویرایش آگهی‌های تجاری در رادیو نیز با رسانه‌های تصویری همچون تلویزیون متفاوت است. ویراستاران، با توجه به نوع تبلیغ محصول مورد نظر و مدت زمان

آسیب شناسی نوشتار جلدهای آثار موسیقایی



محمد صبری | ویراستار، پژوهشگر



جلد قطعه جهان لافز، محسن چاوشی

جلد، پوشش یا به تعبیر فرهنگستان «پوشن» که از آن با عنوان «کاور»^۱ یا به طور دقیق تر «جلد هنری» یا «کاور آرت»^۲ نام می‌برند، امروزه جزء جدایی‌ناپذیر محصولات تولیدی، به‌ویژه در حوزه موسیقی، به شمار می‌آید. این جلد معرف و به نوعی شناسنامه اثر است و با در نظر گرفتن جنبه‌های زیبایی شناسانه و تجاری به قصد تبلیغ اثر طراحی می‌شود. جلد هنری ترکیبی از تصویر و نوشته است. در نوشتار حاضر بر آنم نوشته‌های درج‌شده بر جلد آهنگ‌های ایرانی را از منظر ویرایش و نگارش بررسی و آسیب‌شناسی کنم.

۱. زبان و خط

در نوشته‌های روی جلد آهنگ‌های ایرانی کمتر از زبان و خط فارسی استفاده می‌شود. با آنکه اکثر مخاطبان این آهنگ‌ها ایرانی‌اند، تولیدکنندگان این آثار در معرفی خود و اثرشان از زبان و خط انگلیسی استفاده می‌کنند. استفاده از زبان فارسی بعضاً محدود به نام اثر یا نام خود خواننده است. در این بین البته مواردی هم هست که به شکل دوزبانه نوشته شده‌اند که این موارد بسیار انگشت‌شمارند.

۲. تناسب عناوین

در بسیاری از این جلد‌ها عناوین به کار رفته با هم تناسب ندارند. برای مثال به این جلد دقت کنید.



برشی از جلد قطعه محکوم، امیرعباس گلاب

در این نمونه، عناوین «آهنگساز» و «ترانه‌سرا» به شکل صفت به کار رفته است، اما عناوین دیگر شکل اسمی و مصدری دارند. در اینجا بهتر بود این دو عنوان نیز، به منظور یک‌دستی با دیگر عناوین، به شکل «آهنگ» و «ترانه» درج می‌شدند یا سه عنوان دیگر، به منظور یک‌دستی با دو عنوان اول، به صورت «تنظیم‌کننده»، «میکس و مسترکننده» (با مهندس میکس و مستر) و «طراح جلد» نوشته می‌شدند.

۳. املا و رسم الخط کلمات

بخش دیگری از آسیب‌های نگارشی جلد‌های قطعات موسیقی مربوط به املا و رسم الخط کلمات است. در برخی موارد غلط‌آملائی در آن‌ها دیده می‌شود.

برای نمونه در جلد زیر (سمت راست) واژه «مرهم» به صورت «مرحم» نوشته شده است. گاه غلط‌آملائی حاصل بی‌توجهی به «های بیان حرکت» است. در جلد زیر (سمت چپ) «خسته‌م» به صورت «خستم» نوشته شده است.



جلد قطعه خستم، بهنام بانی



جلد قطعه مرحم عشق، محسن میرزازاده

«های بیان حرکت» در مواردی که کلمه به پسوندهایی چون «ی» و باصامت میانجی «گ» (روی هم «گی») می‌رسد، حذف می‌شود و حفظ آن در خط رایج نیست؛ اما در جلد زیر خلاف این قاعده رخ داده و واژه «خفگی» به صورت «خفه‌گی» نوشته شده است.



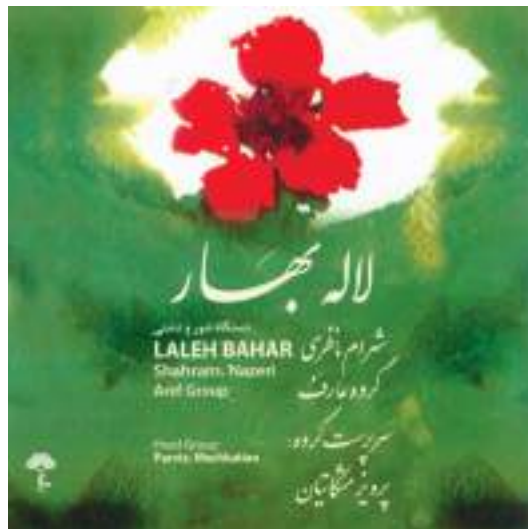
جلد قطعه خفه‌گی، مسعود صادق‌لو

در مواردی این حرف «های ملفوظ» است، اما با آن همچون «های ناملفوظ» برخورد می‌شود و در نتیجه در حالت اضافی واج میانجی گرفته است. محض نمونه «ه» در واژه «فرمانده» ملفوظ است، اما به اشتباه آن را ناملفوظ می‌پندارند و ترکیبی چون «فرمانده دل» را به صورت «فرمانده دل» می‌نویسند. با اینکه عنوان فارسی جلد زیر به درستی نوشته شده، نوشتار لاتین آن درست نیست.



جلد قطعه فرمانده دل، فریدین

از سوی دیگر، صامت میانجی «ی» و کسره اضافه نیز در مواردی نادیده گرفته می‌شود. در جلد زیر صامت میانجی «ی» در ترکیب «لاله بهار» نیامده است.



جلد قطعه لاله بهار، شهرام ناظری

در نوشتار لاتین، به کسره ترکیبات اضافی نیز بی‌توجهی مشابهی دیده می‌شود. در جلد زیر کسره اضافه در ترکیب «آتش نهان» در نوشتار لاتین آن لحاظ نشده است.



جلد قطعه آتش نهان، پرواز همای

از دیگر موارد بی توجهی به همزه است. همزه اکثراً در نوشتار نادیده گرفته می‌شود. در جلد زیر واژه «رؤیا» بدون همزه نوشته شده است.



جلد قطعه زیباترین رویا، علی زندوکیلی

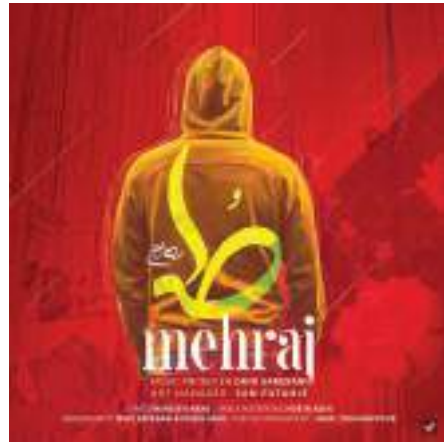
گاه دو حرف که واجگاه مشترک دارند به جای هم به کار می‌روند. در این نمونه حرف «گ» به جای «ک» در واژه «لشکر» آمده است.



جلد قطعه لشکر فرشتگان، حامد زمانی



جلد قطعه شهزاده قصبه گو، حامد عبداللهی و مهدی گرام



جلد قطعه طو، مهراج

در تصویر سمت راست شاهد سلیقه‌گرایی طراح هستیم؛ ضمیر «تو» به شکل «طو» نوشته شده است. در تصویر سمت چپ نیز «هکسره» در عبارت «شهزاده قصبه گو» به کار رفته است.

۴. تشدید

استفاده از تشدید در خط فارسی، به جز مواردی که خوانش را راحت‌تر می‌کند، ضروری نیست، اما اگر بخواهیم واژه‌ای فارسی را با حروف انگلیسی بنویسیم، درج آن تشدید لازم است. برای مثال حرف «ک» در واژه «مسکن» مشدد است و لازم است در نوشتار انگلیسی آن از دو حرف k استفاده شود (Mosakken)، اما در جلد سمت راست این موضوع رعایت نشده است.



جلد قطعه مسکن، حمید عسکری

۵. زمان فعل

یکی از مواردی که عموماً در گفتاری نویسی با آن مواجهیم وجه التزامی است. مثلاً در مورد فعل «شده‌ام»، هنگامی که قرار است آن را به شکل گفتاری و محاوره استفاده کنیم، با مشکلی در نگارش روبه‌رو می‌شویم. به عبارت دیگر، اکثراً تکیهٔ مربوط به شناسه در نوشتار آن مغفول واقع می‌شود. در تصویر سمت راست، عنوان قطعه در شکل معیار این‌گونه است: «نکند عاشق شده‌ام». این فعل در گونهٔ محاوره باید به شکل «شده‌م» نوشته شود، اما در اینجا چنین نشده است.



جلد قطعه نکند عاشق شدم، روزبه نعمت‌اللهی



جلد قطعه من را با خود ببر... حجت اشرفزاده



جلد قطعه «به تو مدیوم»، میثم ابراهیمی

۶. نشانه‌گذاری

از دیگر نکات نگارشی جلد آهنگ‌ها نشانه‌گذاری است. در جلد بالا (سمت راست) به جای گیومه فارسی از گیومه انگلیسی استفاده شده است؛ البته، معمولاً عنوان قطعه در جلد هنری آن نیازی به علائمی چون گیومه ندارد. در جلد دیگر (بالا سمت چپ)، به جای سه نقطه، از دو نقطه استفاده شده است؛ در صورتی که دو نقطه به این شکل هیچ‌گونه هویتی در میان علائم نگارشی ندارد و هیچ معنایی را افاده نمی‌کند. عنوان جلد روبه‌رو نیز پرسشی است، اما علامت سؤال ندارد.



جلد قطعه کجای کجای قلبمو زدی؟، رضا صادقی

۷. فاصله‌گذاری

در نوشتار بعضی از جلدها فاصله‌گذاری استاندارد وجود ندارد. در جلد روبه‌رو نیم‌فاصله در واژه‌هایی چون «صادقی‌نژاد» و «فیروزبخت» و «قهرمان‌پور» رعایت نشده است.

در مواردی، به دلیل سلیقه‌گرایی، فاصله‌های نابجایی در کلمات دیده می‌شود. برای مثال، در جلد صفحه بعد واژه «امسال» به صورت «امسال» نوشته شده است.



جلد قطعه آرام جان، ایرج خواجه‌امیری و سالار عقیلی



جلد قطعه امسال، کاوه آفاق

جمع‌بندی

در این مطلب به آسیب‌شناسی نوشتار جلدهای قطعات موسیقی پرداخته شد. عناوینی که در مطلب حاضر به آن پرداختیم عبارت‌اند از «زبان و خط»، «تناسب عناوین»، «املا و رسم‌الخط کلمات»، «تشدید»، «زمان فعل»، «نشانه‌گذاری» و «فاصله‌گذاری». فایدهٔ نخست هر آسیب‌شناسی‌ای شناختن آسیب‌های شایع در زمینهٔ مورد تحقیق است. این شناخت به ما کمک می‌کند که در مرحلهٔ بعد از آن به‌دنبال راهکار باشیم. برای پیشگیری از خطاهایی که در این موارد با آن مواجهیم، لازم است تهیه‌کنندگان این آثار به ویراستاری نوشتار جلدها توجه کنند. در حالت ایده‌آل ممکن است خود طراح جلد ویراستار نیز باشد؛ اما در مواردی که طراح جلد با حوزهٔ ویرایش و نگارش آشنایی ندارد، بهتر است پس از آنکه جلد طراحی شد آن را به ویراستار بسپارند تا جلد را از منظر ویرایش و نگارش بررسی کند؛ اما اغلب توجهی به این حوزه نمی‌شود و کار اول و آخر را طراحی انجام می‌دهد که از امور ویرایش سررشته‌ای ندارد. از این شیوهٔ آسیب‌شناسی می‌توان در زمینه‌های دیگری چون بررسی انواع پوسترها (فیلم، سریال، کنسرت، تبلیغات بیلبوردها و...) و تیتراژهای تولیدات هنری استفاده کرد.

پی‌نوشت

1. cover
2. cover art

اشتباه‌های ریز، هزینه‌های درشت

چرا ویرایش تبلیغات مهم است؟



دلیریزدان پناه | ویراستار

که در شکل‌های مختلفی از جمله متن، تصویر، ویدیو، و صدا تولید می‌شوند.

«تبلیغ» نیز نوعی محتواست که هدف مشخص‌تری دارد و می‌کوشد مخاطب را متقاعد کند که کاری را انجام دهد؛ خرید، عضویت در خبرنامه، ثبت نام، ثبت شماره تلفن، نصب برنامه و اشتراک‌گذاری لینک و چیزهایی از این دست.

در محتوانویسی جنبه‌آگاهی بخشی، سرگرم‌کنندگی و آموزشی پررنگ‌تر از تبلیغ است. فرض کنید می‌خواهید درباره‌ی مدل خاصی از یک گوشی اطلاعاتی به دست بیاورید؛ محتوانویس متنی می‌نویسد که شما را با آن گوشی آشنا می‌کند اما تبلیغ‌نویس متنی می‌نویسد که شما ترغیب شوید آن گوشی را بخرید.

حوزه‌ی تبلیغ‌نویسی صرفاً متنی نیست و تبلیغات در هر بستری که مخاطب حضور دارد منتشر می‌شود؛ اما هر تبلیغی که تولید می‌شود در ابتدا ایده‌ای نوشتاری دارد و از آنجاکه پای کلمات و زبان در میان است ویرایش و درستی‌نویسی آن هم اهمیت پیدا می‌کند.

تصور کنید با کلیک بر لینکی تبلیغاتی وارد وبگاهی شده‌اید، اما با غلط‌های املایی، اشتباه‌های نگارشی یا متنی پیچیده و نامفهوم روبه‌رو می‌شوید. چقدر احتمال دارد به خواندن ادامه دهید و در آن وبگاه بمانید؟ آیا همچنان به اعتبار حرفه‌ای آن وبگاه اعتماد خواهید کرد؟ اگر هدف تبلیغ‌نویسی را ترغیب مخاطب به انجام کاری که ما می‌خواهیم بدانیم، پس هر چیزی که متن را خوانا، جذاب و ساده می‌کند اهمیت پیدا می‌کند. شاید ویرایش هیجان‌انگیزترین بخش تبلیغات نباشد، اما بی‌شک ضروری‌ترین بخش آن است.

قبل از پرداختن به نقش ویرایش در تبلیغات، خوب است بدانیم «محتوا» و «تبلیغ» چه هستند.

از جنبه‌های مختلفی به پرسش «محتوا چیست؟» پرداخته شده است، اما من این تعریف ساده و سراسر را می‌پسندم: «محتوا هر آن چیزی است که می‌خوانید و می‌بینید و می‌شنوید.» از مقاله‌ای در وبگاه، ویدیویی در یوتیوب تا فرسته‌ای در اینستاگرام. در واقع به هر نوع اطلاعات آگاهی‌بخش یا سرگرم‌کننده محتوا می‌گویند.

هدف کسب و کارها از تبلیغات ارتباط با مخاطب است تا پیام خود را شفاف و با حفظ انسجام لحن به او برسانند؛ بدون تبلیغات چراغ‌های رابطه کسب و کار با مخاطب خاموش اند. پس می‌توانیم بگوییم «اثرگذاری» مهم‌ترین ویژگی هر تبلیغی است و درست‌نویسی مهم‌ترین قدم برای «اثرگذاری» و انتقال شفاف و ساده پیام.

»
بهتر است متن‌های تبلیغاتی ساده و خوانا باشند؛ با جمله‌های کوتاه نوشته شوند؛ بر انتقال پیام اصلی تمرکز کنند؛ و از زیاده‌گویی و پیچیده‌نویسی، که جز سردرگمی مخاطب نتیجه‌ای ندارد، دوری کنند. هر چه جمله ساده‌تر و شفاف‌تر باشد، مخاطب بیشتر ترغیب می‌شود که جمله‌های بعد را بخواند و پیام تبلیغ را به سرعت دریافت کند.
«

کند آن را کافی می‌دانند. باید گفت ویرایش صوری هر متنی بسیار ضروری است؛ اما برای نوشتن تبلیغ بی‌نقص کافی نیست.

هر تبلیغ و پیامی که منتقل می‌کند وقتی کامل می‌شود که دقت و درستی و اعتبار آن سنجیده شود و مخاطب را با اطلاعات اشتباه، ناقص، سوگیرانه و بدون اعتبار گمراه نکند.

از این رو بهتر است متن‌های تبلیغاتی ساده و خوانا باشند؛ با جمله‌های کوتاه نوشته شوند؛ بر انتقال پیام اصلی تمرکز کنند؛ و از زیاده‌گویی و پیچیده‌نویسی، که جز سردرگمی مخاطب نتیجه‌ای ندارد، دوری کنند. هر چه جمله ساده‌تر و شفاف‌تر باشد، مخاطب بیشتر ترغیب می‌شود که جمله‌های بعد را بخواند و پیام تبلیغ را به سرعت دریافت کند.

در دنیای تبلیغات، غلط‌های املائی یا نگارشی اشتباه‌های خجالت‌آوری هستند که هویت برند را در ذهن مخاطب مخدوش می‌کنند. حتی یک ویرگول نادرست می‌تواند متن تبلیغاتی را نامفهوم کند و از اثرگذاری آن بکاهد.

فرض کنید تبلیغی با جمله‌ای مانند «این فرصت رو از دست ندهید!» منتشر شود. در این جمله مخاطب نمی‌داند با زبان معیار و رسمی سروکار دارد یا زبان شکسته؛ نتیجه اینکه ممکن است مخاطب به جای اعتماد به برند از آن فاصله بگیرد.

ممکن است تصور شود که این اندازه حساسیت به درست‌نویسی برای مخاطب معمولی اهمیتی ندارد؛ اما در دنیای پرهیاهو و رقابتی تبلیغات جایی برای اشتباه نیست. هر کلمه باید دقیقاً همان تأثیری را بگذارد که انتظار داریم. ویرایش دقیق و حرفه‌ای نه تنها اعتبار برند را افزایش می‌دهد، بلکه از ابهام و کاهش قدرت پیام جلوگیری می‌کند.

در کسب و کارهای بزرگ محتوانویسی و تبلیغ‌نویسی بر عهده یک نفر نیست، آن‌ها معمولاً گروه‌های مختلفی

تبلیغ وقتی اثرگذار است که نیازهای مخاطب را شناسایی کند و با زبانی ساده و سراسر به او کمک کند تا آن نیاز برآورده شود.

ویراستار برای خلق چنین تبلیغی از تصحیح غلط‌های املائی و نگارشی و نشانه‌گذاری شروع می‌کند و به اصلاح جمله‌بندی و دستور زبان تا بررسی اعتبار و درستی متن و یک‌دست‌سازی لحن می‌رسد.

بسیاری از کسانی که دستی بر آتش نوشتن دارند تصورشان از ویرایش صرفاً رعایت اصول ویرایش صوری است؛ همین که نویسنده غلط املائی نداشته باشد و نیم‌فاصله و تا حدی نشانه‌گذاری را رعایت

دارند که در کنار هم کار می‌کنند. هر کدام از اعضای این گروه‌ها سطح و سبک خاصی از نویسندگی را دارد؛ از آنجا که لازم است متن‌های یک کسب‌وکار لحن و ساختاری یک‌دست و منسجم داشته باشند، حضور ویراستار می‌تواند بر حفظ لحن برند و یکپارچگی در همه محتوای تولیدی آن مؤثر باشد و در نهایت پیام برند را با قدرت بیشتری منتقل کند.

اعضای گروه‌های مختلف، به جای اینکه وقت خود را صرف ویرایش محتوای تولیدی و متن‌های تبلیغاتی کنند، که کاری تخصصی است، بر کار تولید محتوا تمرکز می‌کنند و کار ویرایش و یک‌دست‌سازی لحن متن را به ویراستار می‌سپارند.

علاوه بر این‌ها، همواره بهتر است هر متنی با چشم دومی خوانده و بازبینی شود. ویراستار تنها کسی است که متن را سطر به سطر می‌خواند و کلمه به کلمه آن را ارزیابی می‌کند تا به نوشته‌ای صیقل خورده و منسجم تبدیل شود. او بعد از خواندن هر جمله با آزمون «خب که چی؟» آن را می‌سنجد تا اگر اطلاعات خاصی ندارد یا احساسی را بر نمی‌انگیزد حذف شود.

در بازاریابی امروز، که بخش زیادی از محتوا و تبلیغات در فضای مجازی منتشر می‌شود، ویراستار باید با تغییرات سریع رسانه‌ها و سلیقه مخاطب هماهنگ شود و رویکردی پویا و خلاقانه داشته باشد. در واقع، ویراستار تبلیغات باید با ابزارها و امکاناتی که فضای مجازی در اختیارش می‌گذارد توجه مخاطب را جلب کند و پیام برند را به شیوه‌ای جذاب و مؤثر منتقل کند. در اینجا می‌توان تفاوتی میان ویراستاری تبلیغات و سایر متن‌ها قائل شد؛ اگر در ویراستاری معمول تمرکز بر رعایت دقیق قواعد دستوری است، در تبلیغات این قواعد باید انعطاف‌پذیر باشند. گاهی برای جذاب‌تر کردن پیام و رساندن سریع‌تر آن به مخاطب نیاز است که از ساختارهای غیر معمول استفاده شود یا حتی قواعد شکسته شود.

در تبلیغات، مهم‌ترین هدف این است که پیام به سرعت توجه مخاطب را جلب کند و احساسات او را برانگیزاند. در این مواقع ویراستار باید تصمیم بگیرد که آیا خلاقیت به کار رفته در متن به تقویت پیام کمک می‌کند یا باعث سردرگمی مخاطب می‌شود. کوتاه اینکه، در دنیای پرقابلیت تبلیغات امروز، برندها فقط چند ثانیه فرصت دارند مخاطب را جذب کنند. در این فرصت کوتاه هر کلمه باید دقیق، روشن و تأثیرگذار باشد. ویرایش حرفه‌ای نه تنها اعتبار برند را تضمین می‌کند، بلکه اطمینان می‌دهد که پیام تبلیغاتی به درستی درک و به خاطر سپرده می‌شود. سرمایه‌گذاری در ویرایش حرفه‌ای سرمایه‌گذاری در موفقیت کمپین تبلیغاتی است.

»
در بازاریابی امروز، که بخش زیادی از محتوا و تبلیغات در فضای مجازی منتشر می‌شود، ویراستار باید با تغییرات سریع رسانه‌ها و سلیقه مخاطب هماهنگ شود و رویکردی پویا و خلاقانه داشته باشد. در واقع، ویراستار تبلیغات باید با ابزارها و امکاناتی که فضای مجازی در اختیارش می‌گذارد توجه مخاطب را جلب کند و پیام برند را به شیوه‌ای جذاب و مؤثر منتقل کند.

«

زبان در گذر از فضای مجازی

از آشفته‌گی تا انسجام



الهه گلشنی | ویراستار

سریع و دموکراتیک بدل کرده است؛ جایی که هر کس می‌تواند نویسنده باشد، اما این بدان معنا نیست که هر نوشته‌ای دقیق، درست و شفاف خواهد بود.

فضای مجازی عرصه‌ای برای خلاقیت زبانی

است. زبان‌ها در این فضا با سرعتی بی‌سابقه تغییر می‌کنند. اصطلاحات جدید متولد می‌شوند، زبان محاوره با زبان رسمی درمی‌آمیزد و سبک‌های نوظهوری پدیدار می‌شود. در این میان، حفظ هویت زبان و وظیفه‌ای مهم و همگانی است.

ویرایش در فضای مجازی

هنر و مهارتی است که نه تنها به کیفیت محتوا می‌افزاید، بلکه زبان و فرهنگ را نیز از تغییرات مخرب حفظ می‌کند. در این جهان سریع و بی‌مرز، ویراستاران همچون نگهبانان زبان و حقیقت خواهند بود؛ آنانی که به واژه‌ها جان می‌بخشند و اندیشه‌ها را شفاف می‌سازند.

نکته قابل تأمل این است که در این دریای بیکران

با گسترش اینترنت و امکانات آن در ایران، زبان و ادبیات فارسی دستخوش تحولات فراوانی شده است. امروزه تأثیر فضای مجازی بر زبان فارسی به وضوح نمایان است؛ به گونه‌ای که رواج نوشتارهای سلیقه‌ای،

بدون رعایت اصول و قواعد، و با آشفته‌گی‌های زبانی صدمات جدی و عمیقی بر پیکره زبان و ادبیات فارسی وارد کرده است؛ صدماتی که شاید اصلاح و جبران آن‌ها چالش برانگیز باشد.

در هیاهوی بی‌پایان فضای مجازی، جایی

که کلمات در کسری از ثانیه به گوشه‌وکنار دنیا سفر می‌کنند، ویرایش، بیش از یک مهارت فنی، وظیفه‌ای است که حقیقت را از کژفهمی و زیبایی را از آشفته‌گی می‌رهاند. اینجا دیگر فقط با چاپ و کتاب سروکار نداریم بلکه با پست‌های اینستاگرامی، توییت‌ها و مقاله‌های برخط روبه‌رویم. فضای مجازی زبان را به صحنه‌ای

” فضای مجازی زبان را به صحنه‌ای سریع و دموکراتیک بدل کرده است؛ جایی که هر کس می‌تواند نویسنده باشد اما این بدان معنا نیست که هر نوشته‌ای دقیق، درست و شفاف خواهد بود.“

“

فضای مجازی، ویرایش همه‌متون، به دست ویراستاران حرفه‌ای، آرمانی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. ویرایش تعداد بی‌پایان پست‌ها، توییت‌ها، و مقالاتی که هر لحظه خلق و منتشر می‌شوند از توان هر گروهی از ویراستاران فراتر است. در چنین شرایطی، ناچاریم نگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم و، برای رهایی از هرج‌ومرج زبانی، راه‌حل‌هایی بنیادین و فراگیر بیابیم.

ترکیب ابزار و انسان: راه‌حلی عملی و پایدار

هر چند هوش مصنوعی می‌تواند در ویرایش اولیه نقش ایفا کند، اما جایگزینی کامل آن با ویراستاران انسانی، به دلیل ناتوانی ماشین‌ها در درک لایه‌های عمیق‌تر معنا و ظرایف فرهنگی، ممکن نیست. راه‌حل ترکیب این دو است: استفاده از هوش مصنوعی برای ویرایش سریع و پایه‌ای، سپس بازبینی نهایی از سوی ویراستاران حرفه‌ای در مواردی که حساسیت بیشتری وجود دارد.

جامعه‌های ویرایشی آنلاین

ایجاد پایگاه‌های اینترنتی که در آن کاربران بتوانند متن‌های خود را پیش از انتشار برای بررسی و اصلاح ارسال کنند راهی برای گسترش دسترسی به ویرایش است. در این جامعه‌ها کاربران حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای می‌توانند به اصلاح متون کمک کنند.

نتیجه‌گیری: آینده‌ای روشن با تلاش جمعی

در جهان بی‌پایان فضای مجازی، اصلاح زبان و نگرهانی از آن تنها از عهده ویراستاران بر نمی‌آید؛ این وظیفه‌ای جمعی است. هر گامی، هر چند کوچک، برای آموزش عمومی، بهره‌گیری از فناوری، و رشد فرهنگ مسئولیت‌پذیری، می‌تواند به زبان و ارتباطات در این فضا سامان ببخشد و شاید روزی فرا برسد که این فضای گسترده نه تنها عرصه‌ای برای تبادل اطلاعات که بستری برای زیبایی‌شناسی و رشد زبانی باشد.

همگانی‌سازی اصول اولیه درست‌نویسی نخستین گام آموزش اصول ابتدایی زبان و درست‌نویسی به تمام کاربران است. نیازی نیست همه افراد ویراستار حرفه‌ای باشند؛ اما باید بدانند چگونه از زبان بهره ببرند تا پیام خود را شفاف و زیبا منتقل کنند. محتواهایی در قالب ویدئوهای کوتاه، تصاویر اینفوگرافیک، یا مقالات ساده که نکات پایه‌ای نگارش و ویرایش را توضیح دهند، می‌توانند برای کاربران عمومی مفید باشند.

همگانی‌سازی اصول اولیه درست‌نویسی

کاربران باید اهمیت زبان را درک کنند؛ اینکه کلمات قدرت خلق یا تخریب دارند و درست‌نویسی چیزی فراتر از یک مهارت فردی است؛ این یک مسئولیت اجتماعی است.

کاربران باید اهمیت زبان را درک کنند؛ اینکه کلمات قدرت خلق یا تخریب دارند و درست‌نویسی چیزی فراتر از یک مهارت فردی است؛ این یک مسئولیت اجتماعی است.

کاربران باید اهمیت زبان را درک کنند؛ اینکه کلمات قدرت خلق یا تخریب دارند و درست‌نویسی چیزی فراتر از یک مهارت فردی است؛ این یک مسئولیت اجتماعی است.

استفاده از هوش مصنوعی برای ویرایش محتوا

در کنار آموزش همگانی، هوش مصنوعی می‌تواند نقشی کلیدی ایفا کند. ابزارهای هوشمندی که توانایی تحلیل، اصلاح و پیشنهاد دارند، می‌توانند به کاربران کمک کنند تا پیش از انتشار، متون خود را بهبود بخشند. البته بسیاری از ابزارهای موجود برای زبان فارسی کامل نیستند. سرمایه‌گذاری در ساخت و بهبود این فناوری‌ها می‌تواند اثربخشی آن‌ها را افزایش دهد.

رشد فرهنگ مسئولیت‌پذیری در انتشار محتوا

فضای مجازی بستری است که هر فرد می‌تواند تولیدکننده محتوا باشد، اما این آزادی باید با مسئولیت همراه باشد.

یادداشت‌ها



تعامل بین داستان نویسی و ویراستار

(چند مورد مناقشه برانگیز)



بلقیس سلیمانی | داستان نویسی

اصواتی که در خانه، کوچه، و خیابان در پروازند، کارکردی وافی به مقصود ندارد. اما از این‌ها مهم‌تر اینکه ویراستار باید دقیقاً جهان داستانی نویسنده را بشناسد؛ چراکه هر نویسنده‌ای رفتار خاصی با کلمات و نحو جملات دارد که به عوامل گوناگونی بستگی دارد.

مثلاً اگر شما جنوبی باشید، شخصیت‌هایتان ممکن است در مکالمه‌هایشان «را»ی مفعولی را حذف کنند. نمونه این نوع جملات را می‌توان در رمان‌ها و داستان‌های احمد محمود دید. مثلاً کسی به جای گفتن «آب را گل نکن» می‌گوید «آب گل نکن»؛ آب را هم نه با کسره

که با «ب»ی ساکن تلفظ می‌کند. حالا اگر ویراستار بخواهد جمله را به شیوه مرسوم درست کند، در واقع، به چگونگی رفتار نویسنده جنوبی با زبان بی‌توجهی کرده است.

مورد بعد اقلیم‌نویسی یا اقلیم‌گرایی نویسنده است که به نظرم ویراستار باید، در مواردی که نحوه تلفظ

در رمان تخم‌شریکی از شخصیت‌های اصلی ویراستار است. من باب تمسخر به شخصیت دیگر می‌گوید: «خانم ویراستار صبح‌به‌صبح یک گونی علامت سؤال، نقطه، ویرگول و... تخس می‌کند در میان سطرهایی که از آن خودش نیستند.»

راستش در آغاز من هم تصور می‌کردم ویراستاری همین تخس کردن علائم نگارشی در متن‌هاست؛ اما همین‌طور که جلوتر آمدم و با ویراستاران آثار خودم آشنا شدم، دریافتم ویراستاری مهارتی است که باید آموخته شود و ربط وثیقی

دارد با رفتارهای زبانی نویسندگان، درک زیبایی‌شناسانه آنان از ادبیات، اقلیم‌گرایی آنان، قرار گرفتن و ایستادن آنان در میانه نسلی رو به آینده یا بالعکس رو به گذشته و... البته که مهارت ویراستاری، بدون قوه درک زیبایی‌شناسانه ادبیات، داشتن اطلاعات وافر از جهان اطراف، تاریخ و ادبیات، چشم و گوش باز نسبت به

»
ویراستار باید دقیقاً جهان داستانی نویسنده را بشناسد؛ چراکه هر نویسنده‌ای رفتار خاصی با کلمات و نحو جملات دارد که به عوامل گوناگونی بستگی دارد.
«

و نوشتن اصطلاح یا واژه‌ای در متون مرجع نیامده است، مرجعیت نویسنده را بپذیرد. مثلاً در منطقه ما به حالتی از حالات سگ که در آن وضعیت سگ زبانش را بیرون می‌آورد، تند و تند و باد دهان گشوده نفس نفس می‌زند و گاهی صدایی از خود در می‌آورد، می‌گوییم «هلسک هلسک می‌کند». تا آنجا که من پی جویی کردم، قبل از خود من کسی این واژه (یا این صوت) را ضبط و ثبت نکرده است. در این صورت به نظر من ویراستار باید رسم الخط و مرجعیت نویسنده را بپذیرد و به ضبط او احترام بگذارد، مگر اینکه دلایلی فنی و علمی داشته باشد که در این صورت باید با نویسنده تعامل کند.

مورد بعد فهم موسیقی، ریتم و ضرباهنگ نثر است که ربط دارد به فضای کلی داستان—مثلاً اگر فضا سوگستانی باشد، ریتم و ضرباهنگ متفاوت می‌شود—و اقلیم نویسی او، لحن اثر، نوع زبانی که به کار می‌برد—زبان شاعرانه، فلسفی، علمی، گزارشی، و...

نویسنده هنگام نوشتن کوچک‌ترین نشانه نگارشی را متناسب با لحن و فضای داستان، برای ایجاد ضرباهنگ خاص به کار می‌برد. به همین دلیل ممکن است در یک جمله از نشانه زبانی و نگارشی خاصی بهره ببرد. حالا اگر ویراستار بنا را بر استحسان یا درست‌نویسی بگذارد ممکن است ضرباهنگ جمله یا پاراگراف یا کلیت متن را، با انتخاب جایگزین برای نشانه زبانی نویسنده، به کل از بین ببرد. البته گاهی هم انتخاب‌های ویراستار در ایجاد ریتم در متن کمک بیشتری می‌کند. با این همه، من با این اصطلاح استحسان، که یادآور شیوه‌های خودکامانه و دیکتاتور مآبانه در نهادهای حقوقی و سیاسی است، مشکل دارم. اگر استحسان صرفاً دلالت بر رجحان یک درک زیبایی‌شناسانه یا ذوقی بر یک درک زیبایی‌شناسانه و ذوقی دیگر دارد، ارجحیت از نظر من با درک نویسنده است، که مسئول اصلی متن است. مگر اینکه ویراستار مرجعیت تام و تمام خود را در جامعه ادبی به اثبات رسانده باشد و اتوریته او اجازه عرض اندام به نویسنده ندهد.

راستش من گمان می‌کنم ویراستاران عموماً حامیان و خلوت‌نشینانی هستند که در گمنامی متنی را تبدیل به یک پیام قابل تأمل برای عامه مخاطبان می‌کنند؛ اما گاه نیز نام آن‌ها چنان اتوریته‌ای ایجاد می‌کند که نویسنده را می‌رماند و به پذیرش بی‌چون و چرای فرمان‌های او وامی‌دارد. مخصوصاً وقتی پای «استحسان» به میان می‌آید، در این گونه موارد، نویسنده مقهور مرجعیت ویراستار می‌شود.

مورد دیگر فعل و انفعالات یا اتفاقاتی است که در زبان گفتاری، نوشتاری، و رسم الخط نسل هارخ می‌دهد. این مورد به خصوص با عمومی شدن فعل نوشتن، به واسطه امکان نوشتن در فضای مجازی، اخیراً موجب طرح مباحث و دل‌نگرانی‌هایی شده است. سؤال اصلی در اینجا این است که آیا ویراستار پشت سر نسل حرکت می‌کند یا مثل فرهنگستان‌ها بر فراز سر آن‌ها پرواز می‌کند. مثلاً واژه‌های «هول»، «اکس»، «رل» و... را، آن‌طور که خود نسل جدید در فضای مجازی معنا می‌کنند و می‌نویسند، مینا قرار می‌دهد یا به مرجع دیگری رجوع می‌کند یا خود را مرجع می‌داند و شکلی از نوشتن و معنا را اختراع می‌کند؟

در این میان نوع برخورد نویسنده را ویراستار بر اساس چه معیاری یا معیارهایی تغییر می‌دهد؟

تا آنجا که من می‌دانم، شکل ضبط‌شده و معناشده دائم‌العمری نمی‌توان برای یک واژه و اصطلاح و رسم الخط قائل شد. همین‌الآن بعضی ناشرها و نویسنده‌ها رسم الخط مخصوص به خود را دارند یا نحوه فینگیلیش نوشتن نسل‌های دوران اینترنت حکایت از ایجاد رسم الخطی دارد که نزد بسیاری پذیرفته شده است. با این شرایط ویراستاران و نویسندگان و ناشران جز با توافق و مشورت و البته مدارایی که ویژه دوران نسیت‌گرایی جدید است، نمی‌توانند متنی تولید کنند که سالم و تندریست و زیبا باشد و مخاطب را بر سر شوق آورد.



۴۰۰ ضربه واقعاً یعنی چه؟

چند نکته دربارهٔ عنوان فیلم‌ها به فارسی و وظیفهٔ ویراستار



محسن آزرُم | ویراستار، مترجم، منتقد سینما

آخر هفته انتخاب کنند. در این صورت اگر در کتابی ناگهان به فیلم ۴۰۰ ضربه (*Les quatre cents coups*) ساختهٔ فرانسوا تروفو بر بخورند، حق دارند از خودشان پرسند «۴۰۰ ضربه» واقعاً یعنی چه؟ مشکل اینجاست



نمی‌دانم، در دوره و زمانه‌ای که فیلم دیدن و از سینما حرف زدن بخشی از زندگی روزانه یا هفتگی ماست، گفتن اینکه ویرایش کتاب‌ها و متن‌های سینمایی را باید به چشم کاری تخصصی دید درست به نظر می‌رسد یا نه. احتمالاً کسانی می‌گویند اسم چند فیلم و چند کارگردان و چند بازیگر را اگر درست هم ننویسیم به جایی بر نمی‌خورد؛ چون فهرست چیزهایی که در صف درست نوشتن ایستاده‌اند طولانی‌تر از این‌هاست که نوبت به فیلم‌ها و کارگردان‌ها و بازیگرها برسد. اما واقعیت این است که مخاطبان کتاب‌ها و متن‌های سینمایی فقط فیلم‌دوستان حرفه‌ای و سینماگران نیستند؛ چون سینماگرانی که واقعاً میلی به خواندن کتاب‌ها و متن‌های سینمایی داشته باشند اندک‌اند، یا دست‌کم من افراد کمی را می‌شناسم.

بنابراین در ویرایش کتاب‌ها و متن‌های سینمایی باید هوای خوانندگانی را هم داشت که احتمالاً از سر علاقه کتابی را دست‌گرفته‌اند و با دیدن اسامی فیلم‌ها تصمیم می‌گیرند فیلمی هم برای تعطیلات

سفر تصویر را جایگزین کتاب تصویر کند، مخصوصاً که «کتاب تصویر» بیش از هر چیز خواننده احتمالی آن کتاب یا آن متن را به یاد کتاب‌های تصویری یا کتاب‌های مصور می‌اندازد که قاعدتاً ربطی به فیلم‌گذار و ایده اصلی‌اش ندارد.

گاهی هم ویراستار باید راهی برای ترجمه فیلم‌هایی پیدا کند که عنوان اصلی‌شان زیر سایه ترجمه انگلیسی از یاد رفته است. یکی از مشهورترین نمونه‌ها *Der Himmel über Berlin* ساخته مشهور ویم وندرس (یا اگر بخواهیم دقت بیشتری به خرج بدهیم: وندرز) است که هر چند سال‌های دور با عنوان آسمان برلین شناخته می‌شد (فیلم‌نامه‌اش به همین نام منتشر شده)؛ اما کم‌کم ترجمه انگلیسی و در واقع نام فیلم در نمایش امریکا (*Wings of Desire*) جای آن ترجمه دقیق را گرفت و خیلی‌ها به فارسی از بال‌های اشتیاق وندرس نوشتند.

داستان ویراستار ما همین‌جا تمام نمی‌شود؛ چون گاهی در ویرایش متن‌ها با فیلم‌هایی روبه‌رو می‌شود که در شمار اقتباس‌های سینمایی‌اند. مثلاً فیلم مشهوری که فیلیپ کافمن با فیلم‌نامه‌ای از آن کلود کری بر پر اساس رمان میلان کوندرا ساخت؛ فیلمی با بازی دنیل دی لویس و ژولیت بینوش. عنوان رمان به چکی و فرانسوی و انگلیسی ظاهراً یکی است و طبیعی است کافمن هم عنوان فیلمش را گذاشته باشد *The Unbearable Lightness of Being*. مشکل اینجاست که اولین مترجم رمان به فارسی ترجیح داده، یا در واقع تشخیص داده، که چنین عنوان بلندبالایی به مذاق خواننده فارسی خوش نمی‌آید و تبدیلیش کرده به بار هستی و خیلی‌ها هم رمان را همین‌گونه به یاد می‌آورند. حالا در متنی سینمایی با این فیلم کافمن چه باید کرد؟ سبکی تحمل‌ناپذیر هستی یا بار هستی؟ می‌خواهید نکته تازه‌ای به خواننده یاد دهید یا می‌خواهید نرم و آهسته از کنار اسم‌ها و عنوان‌های آشنا بگذرید؟ انتخاب با شماست.

»
در ویرایش کتاب‌ها و متن‌های سینمایی باید هوای خواندگانی را هم داشت که احتمالاً از سر علاقه کتابی را دست گرفته‌اند و با دیدن اسامی فیلم‌ها تصمیم می‌گیرند، علاوه بر دانش خود، فیلمی هم برای تعطیلات آخر هفته انتخاب کنند. در این صورت اگر در کتابی ناگهان به فیلم ۴۰۰ ضربه (*Les quatre cents coups*) ساخته فرانسوا تروفو بر بخورند، حق دارند از خودشان بپرسند «۴۰۰ ضربه» واقعاً یعنی چه؟

«
که برای ترجمه انگلیسی فیلم *The 400 Blows* احتمالاً جست‌وجو در اینترنت اولین کاری است که باید بکنند. در این جست‌وجو می‌فهمند معنای واقعی عنوان فرانسوی فیلم تروفو می‌توانسته «زندگی وحشی»، «شیطنت» یا چیزی شبیه این‌ها باشد؛ اما به هر حال ۴۰۰ ضربه ترجمه پذیرفته شده‌ای است و بعید است بشود بعد از شصت و شش سال تغییرش داد.

اما داستان فیلم‌های تازه و عنوان‌های تازه‌تر قاعدتاً فرق می‌کند. مثلاً آخرین فیلم بلند ژان لوک گدار را به فارسی ترجمه کرده‌اند کتاب تصویر. عنوان فرانسوی‌اش (*Le livre d'image*) در انگلیسی ترجمه ساده و روانی دارد: *The Image Book*. برای ما که معمولاً ساده‌ترین شکل ممکن را به همه چیز ترجیح می‌دهیم احتمالاً کتاب تصویر ترجمه خوبی است. غلط هم نیست. اما اگر بدانیم گدار در نام‌گذاری فیلم گوشه چشمی به کتاب مقدس و مهم‌تر از آن سفر پیدایش داشته، ویراستار می‌تواند با هم‌فکری مترجم یا نویسنده عنوان

آن مرکز نامرئی



نازنین سرکاراتپور | ویراستار، مترجم

حالا می‌توانم زیر پوست نویسنده بخزم و از چشمان او به متن نگاه کنم. حالا می‌توانم ویرایش زبانی را شروع کنم. وقتی متن ترجمه باشد مراحل پیشین کمی متفاوت خواهد بود. درباره نویسنده مطالعه می‌کنم؛ اما دستم به او نمی‌رسد که زیر پوستش بخزم و ذهنم را با او هماهنگ کنم. واسطه‌ای دارم به نام مترجم. تلاش می‌کنم با مترجم آشنا شوم؛ کارهای پیشینش، سابقه‌اش در ترجمه، اگر داده‌ای در اینترنت پیدا شود درباره علایق و هویت فردی‌اش و...

”
درباره نویسنده مطالعه می‌کنم؛ اما دستم به او نمی‌رسد که زیر پوستش بخزم و ذهنم را با او هماهنگ کنم. واسطه‌ای دارم به نام مترجم. تلاش می‌کنم با مترجم آشنا شوم؛ کارهای پیشینش، سابقه‌اش در ترجمه، اگر داده‌ای در اینترنت پیدا شود درباره علایق و هویت فردی‌اش و...
“

ناشر برایم متنی می‌فرستد که ویرایش کنم. تلفنی با کارفرما صحبت می‌کنم و درباره متن از او اطلاعات می‌گیرم. متن در چه مرحله‌ای به دست من رسیده؟ آیا پیش از من کاری روی آن انجام شده؟ نظر دبیر مجموعه درباره این متن چیست؟ و...
فایل کتاب را باز می‌کنم و شروع می‌کنم به خواندن متن. تألیف است. نام نویسنده را گوگل می‌کنم و کتاب‌های قبلی‌اش را پیدا می‌کنم. سعی می‌کنم خلاصه‌ای از کتاب‌ها یا نقد آن‌ها را در اینترنت پیدا کنم و بخوانم. تلاش می‌کنم درباره هویت و شخصیت نویسنده اطلاعاتی به دست بیاورم.

متن را می‌خوانم. هم‌زمان با خواندن، خطاهای صوری را اصلاح می‌کنم. نایکدستی‌ها را رنگی می‌کنم. اسامی شخصیت‌ها را یادداشت می‌کنم. اسامی کتاب‌ها و آثار فرهنگی را هم رنگی می‌کنم که بعدتر درستی آن‌ها را بررسی کنم و...؛ متن رنگارنگ می‌شود.
به نویسنده پیام می‌دهم تا زمانی را برای گفت‌وگوی تلفنی هماهنگ کنیم. در گفت‌وگو درباره کتاب از او می‌پرسم؛ از شخصیت‌های کتاب؛ از حس خودش در نوشتن کتاب؛ از هر آنچه می‌تواند مرا به ذهنیت او در این کتاب نزدیک کند.

و متوازی الاضلاع یا دوزنقه نشود. باید بتوانم زبان اثر را تا حد ممکن سلیس و پالوده کنم و در عین حال به زبانی که نویسنده انتخاب کرده وفادار باشم. در روند ویرایش باید منافع ناشر را در نظر بگیرم و او را از چند و چون متن مطلع کنم و نظر او را، در مواقعی که لازم است، جویا شوم.

در ویرایش ترجمه این امر حساس تر است؛ زیرا وظیفه دیگری به کار من ویراستار اضافه شده است: باید تلاش کنم تا ضلع مترجم و نویسنده بر هم منطبق شوند و زاویه ای نداشته باشند. بهتر است کار پنج ضلعی نشود. تمام این تلاش ها از برای آن ضلع ویژه است: خواننده کتاب. خواننده نباید جمله ای را دوباره بخواند تا بفهمد. نثر باید مثل آب روان ادامه پیدا کند و دست خواننده را بگیرد و موزون و هموار تا انتهای کتاب ببرد.

در رسم مربع، کمتر کسی مرکز آن را مشخص می کند. مرکز جایی است که تعادل ثقل را تأمین می کند. ویراستار در آنجاست. هست، گر چه نامرئی و نادیده؛ قدر نادیده.

با مترجم گفت و گو می کنم و درباره زبان مبدأ اثر از او می پرسم. نثر مبدأ را چطور ارزیابی می کند؛ نثر فاخر است یا عامیانه یا ساده و سرراست؟ این بار از مترجم درباره هر آنچه می پرسم که می تواند ذهنیت مرا به او و نویسنده نزدیک کند.

حالا مراحل ویرایش را شروع می کنم. ویرایش صوری و زبانی و تطبیق ترجمه و پیدا کردن تلفظ صحیح اسامی و....

ویرایش که تمام می شود، تأیید نهایی متن را که از پدیدآور می گیرم، دست نامه ای برای نمونه خوانی و ریزه کاری های صفحه آرایی کتاب می نویسم که پس از تحویل کار بدانند بر متن چه گذشته و چه تصمیم هایی گرفته شده.

در ویرایش، من ویراستار مرکز مربعی هستم که اضلاعش نویسنده، خواننده، ناشر و زبان فارسی است. باید بتوانم همه را حول این مرکز جمع کنم و سامان دهم تا شکل نهایی متن مربع کامل شود (زهی سعادت!)

” در ویرایش، من ویراستار مرکز مربعی هستم که اضلاعش نویسنده، خواننده، ناشر و زبان فارسی است. باید بتوانم همه را حول این مرکز جمع کنم و سامان دهم تا شکل نهایی متن مربع کامل شود (زهی سعادت!) “



ویراستار شخم زن متن نیست



سیاوش صفری | ویراستار

سبب می‌شود بسیاری از ویراستاران با قلمی لرزان و ذهنی مشوش ویرایش کنند. این وسط پای پدیدآورنده هم به میان می‌آید. فرض کنیم با پدیدآورنده‌ای کاربلد طرفیم. به نظر تان وقتی این پدیدآورنده این حجم از تغییرات غیرضروری را ببیند، شمشیر را از رو برای ویراستار نمی‌بندد؟ البته که از آن سر ماجرا خیر ندارد. نمی‌داند که اگر ویراستار بخت برگشته متن را با تغییرات بیهوده رنگی نکند، به کم‌کاری متهم می‌شود! در این بین پدیدآورنده‌ی نو قلم و کارنابلد سود می‌برد. نوشته‌ای

شاید بارها پیش آمده باشد که از ویراستار بخواهند متنی را ویرایش حداکثری کند. این برساخت مجهول «ویرایش حداکثری» به چه معناست؟ به زبان ساده یعنی شخم‌زدن متن. در این مطلب به درستی و نادرستی این مسئله می‌پردازیم و مشکلاتی را که در پی دارد مرور می‌کنیم.

برخی از متن‌ها چنان روان و مطابق قواعد زبانی نوشته شده‌اند و مفهوم را سرراست و بدون کژتابی منتقل می‌کنند که عملاً زحمت چندانی بر ویراستار بار نمی‌کنند. برخی دیگر هم به اندازه‌ای ناروان و پر از ایرادند که کوهی از خشو و کژتابی و اطباب و مشکلات دستوری و... را بر سر ویراستار آوار می‌کنند. عقل سلیم حکم می‌کند هر یک از این متون بر اساس میزان نیازش به اصلاح ویرایش شود. حال در نظر بگیرد ناشری را که تمایزی بین این دو متن قائل نمی‌شود و هر دورا به یک صورت تلقی می‌کند. به باور او، متن ویراسته مقبول آن است که از زیاد بودن تغییر پر از خط و خطوط رنگی شده باشد، خواه نیازمند چنین تغییراتی پر دامنه باشد، خواه نباشد! مشکل از همین جا آغاز می‌شود. همین امر

”
به نظر تان وقتی این پدیدآورنده این حجم از تغییرات غیرضروری را ببیند، شمشیر را از رو برای ویراستار نمی‌بندد؟ البته که از آن سر ماجرا خیر ندارد. نمی‌داند که اگر ویراستار بخت برگشته متن را با تغییرات بیهوده رنگی نکند، به کم‌کاری متهم می‌شود!
“

بسیاری از ناشران (شاید تازه کار) و حتی به اصطلاح سرویراستاران به این ویروس کمال‌گرایی مبتلا شده‌اند. به متنی که حتی سی یا چهل درصد تغییر داشته به چشم حقارت می‌نگرند و ویراستار را به باد انتقاد می‌گیرند که کم‌کاری کرده است. گویی هر چه تغییر بیشتر باشد، ویراستار کارکشته‌تر است. نگرانی اینجاست که این ویروس کمال‌گرایی به سرعت دارد خودش را تکثیر می‌کند و ویراستارانی را که به معنای خاص کلمه ویرایش می‌کنند در خود هضم می‌کند.

نتیجه آنکه کار ویراستار شخم‌زدن متن نیست. متنی که آن قدر حال و روزش خراب است که باید بازنویسی شود نه نایی برای ویراستار می‌گذارد و نه نامی برای پدیدآورنده‌اش.

پر از ایراد، که شایسته خواندن نیست چه رسد به چاپ، به متنی روان و زیبا بدل شده. چه از این بهتر! بنابراین، فرض کنید نویسنده‌ای را که هر چه دل‌تنگش خواسته نوشته و در گوشه‌کناری ویراستاری هم پیدا می‌شود که جملات نامفهومش را سراسر است کند. حال اگر این بار چنین ویراستاری پیدا نشد، چه؟ اینجاست که خواسته‌ناشر مبنی بر بازنویسی گریبان خودش و پدیدآورنده را می‌گیرد.

ویراستار ایرادها را می‌گیرد، در زمین متن به آرامی قدم می‌زند و علف‌های هرز را می‌چیند و گیاهان خودروی مضر برای آن زمین را وچین می‌کند. ویراستار چگونه در زمین شوره‌زار و بایر و سنگلاخ گل برویاند، در حالی که ناشر چنین می‌خواهد!

”

بسیاری از ناشران (شاید تازه کار) و حتی به اصطلاح سرویراستاران به این ویروس کمال‌گرایی مبتلا شده‌اند. به متنی که حتی سی یا چهل درصد تغییر داشته به چشم حقارت می‌نگرند و ویراستار را به باد انتقاد می‌گیرند که کم‌کاری کرده است. گویی هر چه تغییر بیشتر باشد، ویراستار کارکشته‌تر است.

“

مصاحبه‌ای کوتاه و سه بار ویرایش!؟



احمدرضا حجاززاده | روزنامه‌نگار

سال ۱۳۹۳ که در روزنامه اعتماد کار می‌کردم، در ایام بهمن و روزهای شلوغ و پراشتهاب جشنواره فیلم فجر (دوره سی و سوم)، به درخواست دبیر سرویس فرهنگی، موظف شدم با بازیگرانی که آن سال در فیلم‌های جشنواره بازی کرده بودند تماس بگیرم و درباره فیلم‌هایشان گفت‌وگو کنم. ظهر یکی از همان روزها قرار شد با یکی از بازیگران زن پیش کسوت و مطرح و محبوب سینما، در مورد همکاری با کارگردانی جوان و صاحب‌سبک، مطلب کوتاهی بگیرم. دست‌به‌کار شدم و شماره منزل ایشان را گرفتم. به من گفته بودند که با تلفن همراه به خبرنگاران پاسخ نمی‌دهند و فقط باید با منزلشان تماس بگیرید. با بوق اول نه، با بوق دوم گوشی را برداشت و شتاب‌زده سلام کرد و بعد گفت «یه لحظه گوشی». در حالی که منتظر بودم پشت خط برگردد، در فضای پریماهوی تحریریه، صدای فعالیت او را از آن سوی خط می‌شنیدم. صداهایی مثل باز و بسته شدن شیر آب ظرف‌شویی، صدای سرخ‌کردن روغن و غذا در ماهی‌تابه و صدای پاهایی که به‌سرعت در آشپزخانه رفت‌وآمد می‌کردند. بالاخره یادش افتاد کسی پشت خط تلفن منتظر اوست. گوشی را برداشت و گفت: «خب، بفرمایین».

در میان انواع نوشتن‌های رایج در جهان، شاید نوشتن برای مطبوعات از دشوارترین، پیچیده‌ترین، حساس‌ترین و پرزحمت‌ترین آن‌ها باشد. اهالی مطبوعات، به‌ویژه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، برای تهیه مطلب، معمولاً با مسیری پرچالش روبه‌رویند و از زمان نگارش تا انتشار آن از موانع بسیاری عبور می‌کنند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تنظیم خبر یا مصاحبه و تهیه گزارش یا یادداشت و ویرایش نهایی آن است. گاهی یک بی‌دقتی و اشتباه کوچک، در نوشتن کلمه یا جمله‌ای، می‌تواند دردسری بزرگ برای نویسنده مطلب یا حتی مجموعه مطبوعاتی بیافریند. بنابراین روزنامه‌نگاران، برای پرهیز از بروز چنین مشکلاتی، ناچارند بیشترین دقت را در نگارش مطالب به کار گیرند تا مبادا پس از چاپ مجبور به تصحیح یا عذرخواهی یا تحمل دردهای دیگر بشوند.

این موضوع یک سوئه دیگر هم دارد و آن شخصی است که با او مصاحبه می‌شود. گاه حساسیت یا وسواس بی‌دلیل او دردسر و زحمت مضاعفی برای روزنامه‌نگار یا خبرنگار پدید می‌آورد. در طول سال‌ها کار مطبوعاتی، بارها در چنین موقعیت‌هایی قرار گرفته‌ام که یکی از آن‌ها را در اینجا روایت می‌کنم.

حرف‌های ایشان را خیلی زود تنظیم کنم و برایشان بخوانم. بیست دقیقه بعد، مصاحبه آماده بود. دوباره تماس گرفتم.

گفت: «بخون. گوش می‌دم.»

متن را از ابتدا، یعنی روتیتر و تیتر، خیلی آرام و شمرده برای او خواندم، ولی ایشان از همان سطر نخست شروع کرد به تغییر و ویرایش متنی که از گفته‌هایش نوشته بودم. تقریباً کلمه‌به‌کلمه، جمله‌به‌جمله، همه چیز را تغییر می‌داد و می‌گفت به جای این کلمه آن کلمه را بنویس، یا این جمله را خط بزن و همین چیزی را که من می‌گویم بنویس!

با صبوری و متانت آنچه می‌گفت روی متن اعمال می‌کردم. وقتی کار ویرایش طبق نظر و سلیقه‌ی بازیگر تمام شد، تشکر کردم و قصد خداحافظی داشتیم که درخواست دیگری شنیدم و خشکم زد: «حالا یه بار دیگه از اول متن رو بخون ببینم چیزهایی رو که گفتم درست نوشتی یا نه!»

باورم نمی‌شد. یعنی همان چیزهایی را که او همین دو دقیقه پیش مثل یک معلم املاکرده بود و من نوشته بودم باید دوباره می‌خواندم؟! مگر یادش نبود چه حرف‌هایی زده؟! مگر به من اعتماد نداشت؟

زمان داشت می‌گذشت و در این فاصله دبیر سرویس فرهنگی دو مرتبه از من پرسیده بود: «مصاحبه آماده‌ست؟»

متأسفانه به‌خاطر شهرت و محبوبیت ایشان نمی‌توانستم با خواسته‌اش مخالفت کنم. هرگونه مخالفتی با او یا بی‌احترامی به ایشان تلقی می‌شد یا منجر به حذف مطلب از ویژه‌نامه جشنواره؛ که هیچ‌کدام خوشایند دبیر سرویس روزنامه نبود و نباید اتفاق می‌افتاد.

با کلافگی و کمی اکراه، یک‌بار دیگر متن ویرایش شده را خواندم. حدس می‌زنید چه اتفاقی افتاد؟ باورتان نمی‌شود، ولی در خوانش دوم متن، باز هم برخی جمله‌ها و کلمه‌ها را تغییر داد و واژه‌ها و عبارات‌های تازه‌ای

با صبوری و متانت آنچه می‌گفت روی متن اعمال می‌کردم. وقتی کار ویرایش متن طبق نظر و سلیقه‌ی بازیگر تمام شد، تشکر کردم و قصد خداحافظی داشتیم که درخواست دیگری شنیدم و خشکم زد: «حالا یه بار دیگه از اول متن رو بخون ببینم چیزهایی رو که گفتم درست نوشتی یا نه!»

گفتم درباره‌ی فلان فیلم و نقش ایشان در آن می‌خواهم مصاحبه بکنم.

گفت: «شما سؤال‌ها رو پرس. من دارم آشنایی می‌کنم، ولی حواسم به شما هست و جواب می‌دم». پرسش‌های مصاحبه را که پیش‌تر روی کاغذی نوشته بودم به ترتیب پرسیدم. گویا ایشان به خبرنگار روزنامه اعتماد چندان اعتمادی نداشت، چون به هر پرسشی پاسخی کوتاه و دم‌دستی می‌داد. گفت‌وگو کمتر از ده دقیقه طول کشید! وقتی همه‌ی سؤال‌ها پرسیده شد، از او تشکر کردم و قصد خداحافظی داشتیم که بلافاصله گفت: «لطفاً، قبل از چاپ، مطلب رو برای من بخونین تا مطمئن بشم درست تنظیم شده.»

انتظار چنین درخواستی را نداشتیم، اما با مجوز دبیر تحریریه پاسخ دادم: «می‌دونین که در روزهای جشنواره هستیم و داریم ویژه‌نامه می‌بندیم و زمان کم داریم. بنابراین فرصتی برای خوندن مصاحبه نیست. صفحه‌ی روزنامه باید زودتر بسته بشه.»

در پاسخ گفتم: «اگه نمی‌تونین قبل از چاپ برام بخونین، اصلاً مصاحبه‌ی من رو کار نکنین. من باید حتماً مصاحبه‌م رو قبل از صفحه‌بندی چک کنم!»

چون انتخاب دیگری نداشتیم و دبیر سرویس گفت‌وگو با این بازیگر مهم را می‌خواست، به‌ناچار پذیرفتم که

کرده و نتیجه مطلوبی کم‌مایه شده بود که بعید است کسی با خواندنش اطلاعات مفیدی درباره آن فیلم کسب کند یا به شناخت تازه‌ای از یک بازیگر مطرح سینمای ایران برسد. این خاطره، که شاید برای بسیاری از اهالی مطبوعات آشنا باشد، چند نکته حائز اهمیت دارد:

- مصاحبه‌کننده باید موقعیت زمانی و مکانی مصاحبه‌شونده را در نظر بگیرد و بداند که اگر در شرایط نامناسبی مصاحبه بگیرد ناچار است چند و چندین بار متن را اصلاح کند.
- اگر مصاحبه‌کننده فردی حساس و وسواسی باشد، از همان ابتدای مصاحبه آن را در نظر بگیرد و زمانی را که برای مصاحبه تخمین می‌زند چند برابر کند.

- گفته‌های شفاهی، وقتی مکتوب می‌شود، عموماً قابل انتشار نیست و باید بارها آن‌ها را حک و اصلاح کرد. اگر حرف‌های مصاحبه‌شونده آشفته و نامرتب است، باید چندین راهکار را برای حل مشکل در نظر گرفت: گفته‌ها را ضبط و عیناً مکتوب کرد و فایل صوتی و نوشتاری را در اختیار مصاحبه‌شونده گذاشت تا خودش آن را اصلاح کند و با او توافق شود که خبرنگار خودش اصلاح کند و منتشر کند تا زمان از دست نرود و ...

بد نیست دوستان خبرنگار راهکارهایشان را به این مطلب اضافه کنند.



»
گفته‌های شفاهی، وقتی مکتوب می‌شود، عموماً قابل انتشار نیست و باید بارها آن‌ها را حک و اصلاح کرد. اگر حرف‌های مصاحبه‌شونده آشفته و نامرتب است، باید چندین راهکار را برای حل مشکل در نظر گرفت: گفته‌ها را ضبط و عیناً مکتوب کرد و فایل صوتی و نوشتاری را در اختیار مصاحبه‌شونده گذاشت تا خودش آن را اصلاح کند و با او توافق شود که خبرنگار خودش اصلاح کند و منتشر کند تا زمان از دست نرود و ...



جانشین آن‌ها کرد؛ یعنی متنی که همین دو دقیقه پیش طبق نظر ایشان ویرایش شده بود، برای بار دوم اصلاح و ویراستاری شد و جالب‌تر اینکه تیر مصاحبه را هم خودش انتخاب و بر آن تأکید کرد: «حتماً با همین تیر کار بشه!» و البته بعد از این ویرایش دوباره، من بیچاره مجبور بودم برای سومین بار متن مصاحبه را برایشان بخوانم تا خیالشان بابت وفاداری روزنامه اعتماد به گفته‌های ایشان از هر نظر راحت بشود.

امروز ده سال از آن زمان می‌گذرد. وقتی گذشته را مرور کردم و آن مصاحبه کوتاه اما وقت‌گیر و پرزحمت را دوباره خواندم، به نظرم آمد که آنچه به چاپ رسیده مطلب ضعیف و بی‌محتوا و نجسبی شده است! شاید چون او با رعایت حداکثر احتیاط و در موقعیتی نادرست (در حال آشپزی) به پرسش‌هایم پاسخ داده بود، بدتر از آن، مصاحبه‌ای که من خبرنگار، با رعایت امانت‌داری در گفته‌های سوژه، به شکلی جذاب و خواندنی تنظیم کرده بودم با کلمات و ادبیات موردپسند خودش عوض

چند واقعیت ساده در ویرایش روزنامه



محمد رضا ربیعیان | ویراستار، مترجم

۳. منابع کار در روزنامه گاهی شفاهی است و خبرنگار باید متن صوتی را پیاده و تنظیم کند. وقتی کار عجله‌ای باشد، فقط باید دعا کرد که طرف مقابل خوب صحبت کرده باشد، وگرنه کار ویراستار مثل راه رفتن در سنگلاخی تاریک است. گاهی هم خبرنگار در خبرگزاری‌ها و اینترنت و کتاب‌ها و مجله‌ها می‌گردد تا اطلاعات موردنظرش را پیدا کند که این هم در دسرهای

۱. یکی از همکاران که دیگر کلافه شده بود تکیه داد به صندلی و گفت: «همه‌ش داریم همون چیزایی رو درست می‌کنیم که همیشه می‌کردیم. ده سال دیگه هم طرز نوشتنشون عوض نمی‌شه و فرقی با الآن نداره. فقط داریم وقتمون رو حروم می‌کنیم.»

۲. واقعیت این است که بعضی روزنامه‌نگاران نقصی در کارشان نمی‌بینند که بخواهند اصلاحش کنند. حتی عده‌ای از اینکه کسی در متن یا تیتراژشان دست ببرد شاکی می‌شوند و دعوا و مرافعه راه می‌اندازند. ما در روزنامه با زبانی سروکار داریم که معمولاً هدفش اطلاع‌رسانی است، نویسندگانش چندان در قید و بند درست‌نویسی با معیارهای ویراستارانه نیستند و طبق قالب‌هایی کار می‌کنند و دلیلی برای تغییر روالشان نمی‌بینند. به همین دلیل، در روزنامه زیاد می‌بینیم که نشانه‌های فصل و وصل غالباً اشتباه به کار می‌رود (به‌ویژه ویرگول و نقطه‌ویرگول)؛ درک درستی از سبک وجود ندارد و هنوز تأثیرات سبک و سیاق نشر اداری در مطالب به چشم می‌خورد؛ زبان متن تحت تأثیر ترجمه‌های تحت‌اللفظی است و مشکلات نحوی مشخصی در آن‌ها تکرار می‌شود (مثلاً «را»ی بعد از فعل یا آشفتگی در زمان دستوری روایت).

ما در روزنامه با زبانی سروکار داریم که معمولاً هدفش اطلاع‌رسانی است، نویسندگانش چندان در قید و بند درست‌نویسی با معیارهای ویراستارانه نیستند و طبق قالب‌هایی کار می‌کنند و دلیلی برای تغییر روالشان نمی‌بینند. به همین دلیل، در روزنامه زیاد می‌بینیم که نشانه‌های فصل و وصل غالباً اشتباه به کار می‌رود.

خاص خودش را دارد (به خصوص به لحاظ ارزش و اعتبار محتوا).

۴. ویرایش روزنامه مراتبی دارد که هر کدام جنبه‌هایی از کار را پوشش می‌دهد؛ از جمله بخش عکس و گرافیک، که حکم ویتترین روزنامه را دارد و بخش متن و محتوا. دبیرهای صفحه، دبیران ارشد، سردبیر و مدیر مسئول، همه به نوعی ویراستار مطبوعاتی به شمار می‌آیند که شرح وظایفشان مشخص است؛ اما در کنار این افراد بخش دیگری هم هست که به آن «تصحیح» می‌گویند و کارش خواندن و ویرایش کل مطالب روزنامه است که در چند مرحله انجام می‌شود.

۵. عده‌ای از دایره‌واژگانی نسبتاً محدود روزنامه‌ها گفته‌اند که در جای خود درست است؛ اما نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود محدودیت ساختار جمله‌هایی است که خبرنگار با استفاده از همین واژگان محدود اطلاعاتش را عرضه می‌کند. اینجاست که ضعف نگارش خودش را نشان می‌دهد و روزنامه‌نگار، به جای بیان ساده و سراسر مطلب، با استفاده نابجا از ویرگول و نقطه‌ویرگول (آن هم مشت مشت)، جمله‌ها و پاره‌جمله‌ها را به هم وصل می‌کند و گهگاه سلاطین کلمات تحویل خواننده می‌دهد. یکی از وظایف مهم

ویراستار زبانی روزنامه هموار کردن همین دست‌اندازهای کلامی، مفهوم کردن جمله‌های عجولانه یا بی‌معنا، و رفع بی‌دقتی‌هایی است که با بازخوانی مطلب قبل از ارسال می‌توان تعدادشان را کمتر کرد؛ اما به ندرت این اتفاق می‌افتد.

۶. واقعیت این است که متن روزنامه تاریخ مصرفش کوتاه است و زود می‌سوزد. کسی آن را او به او نمی‌خواند، بلکه چشم خوانی می‌کند تا لب مطلب دستش بیاید. در ویرایش متن روزنامه نمی‌توان مته به خشخاش گذاشت؛ چون وقت کم است و به همین دلیل هم نمی‌توان از آن توقع زبانی شسته‌رفته و دقیق داشت. همین که مطلبی اطلاعات نادرست و غلط‌تایی نداشته باشد و قابل خواندن باشد کافی است (البته اگر کلیشه‌های ویرایشی بگذارد).

بنابر نظر استاد آذرنگ، با دقت‌های مصاحب‌وار نمی‌توان مجله و روزنامه منتشر کرد، مصاحبه مطبوعاتی انجام داد یا برنامه رادیویی-تلویزیونی را ویرایش کرد. ویراستار باید به چنان تربیت شود که مثل بازیگر، بنا به نقش بازی کند؛ بنا به موقعیت؛ بنا به هدف؛ بنا به کاربرد؛ بنا به تأثیر؛ نه بنا به تصویری که خود دارد و می‌خواهد به آن پایند بماند.

در ویرایش متن روزنامه نمی‌توان مته به خشخاش گذاشت؛ چون وقت کم است و به همین دلیل هم نمی‌توان از آن توقع زبانی شسته‌رفته و دقیق داشت. همین که مطلبی اطلاعات نادرست و غلط‌تایی نداشته باشد و قابل خواندن باشد کافی است.

ویرایش و دانشگاه



علیرضا رحمتی | ویراستار

۲. مهارت‌های علمی و حرفه‌ای دانشجویان را در بیان مفاهیم پیچیده تقویت می‌کند؛
۳. راه را برای پذیرش نوشته‌ها در مجامع علمی و نشریات معتبر باز می‌کند.

پژوهش‌های علمی بدون ویراستاری دقیق، در مواجهه با داوری‌های سخت‌گیرانه، دچار ضعف اساسی می‌شوند. ویراستاری به پژوهشگران دانشجویان این امکان را می‌دهد که خطاهای محتوایی، ساختاری و مفهومی را حذف کنند و پژوهش خود را به سطح استانداردهای

ویرایش، به مثابه هنری ظریف و پیچیده، نقشی بی‌بدیل در تضمین کیفیت محتوای علمی و دانشگاهی دارد. این فرایند فراتر از اصلاح اشتباه‌های املائی است و نیازمند مهارتی چندجانبه است: تسلط بر دستور زبان، درک عمیق از محتوا، دقت در انسجام مفهومی و ساختاری و توانایی تطبیق متن با استانداردهای علمی. دشواری این فرایند در توجه به جزئیات و صرف زمان زیاد برای بازبینی چندباره نهفته است. با وجود این پیچیدگی‌ها، ویراستاری ابزار اصلی برای انتقال شفاف و تأثیرگذار مفاهیم به مخاطب است.

دانشجویان، در جایگاه تولیدکنندگان اصلی محتوای علمی در دانشگاه‌ها، باید به ویراستاری — همچون یکی از مهارت‌های بنیادی خود — نگاه دقیقی داشته باشند. در بسیاری از نوشته‌های علمی و غیرعلمی دانشجویی، اشتباه‌های املائی و مفهومی پیش‌پاافتاده بسیاری به چشم می‌خورد که گاه محتواهای علمی با ارزش را زیر سایه می‌برد. یادگیری ویرایش برای دانشجویان ضروری است، چرا که:

۱. کیفیت نوشتار را بهبود می‌بخشد و تأثیرگذاری

آن را افزایش می‌دهد؛

حتی در میان کتاب‌ها و مقاله‌های
استادان دانشگاهی نیز اشتباهات نگارشی
و ویرایشی به چشم می‌خورد. این مسئله
نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت تسلط بر
اصول و مهارت‌های ویرایشی برای تمام
تولیدکنندگان محتوای علمی است.

از خدمات ویراستاران بهره می‌گیرند و حتی هزینه آن را شخصاً پرداخت می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که وجود ساختارهای حمایتی و تأمین مالی پایدار می‌تواند، ضمن کاهش فشار مالی بر دانشجویان، به ارتقا و حرفه‌ای‌تر شدن سطح نوشته دانشجویان و نشریات دانشجویی کمک کند.

برگزاری دوره‌های ویراستاری از سوی انجمن‌های علمی استقبال چشمگیر دانشجویان را به همراه داشته است. این استقبال نشان‌دهنده نیاز جدی به گسترش چنین دوره‌هایی است؛ اما علاوه بر دوره‌های عمومی، آموزش ویراستاری تخصصی و محتوایی متناسب با رشته‌های تحصیلی نیز می‌تواند گامی مؤثر برای تقویت توانایی‌های حرفه‌ای دانشجویان باشد. هر رشته، با زبان و قواعد خاص خود، نیازمند ویراستاری تخصصی است که فقط با آموزش‌های هدفمند می‌توان به آن دست یافت.

کوتاه سخن آنکه ویراستاری نه تنها ابزاری فنی بلکه ابزاری برای پالایش و بهینه‌سازی محتوای علمی است. با گنجاندن دوره‌ها و دروس مرتبط در برنامه‌های درسی دانشگاه، حمایت از گروه‌های ویراستاری دانشجویی و اختصاص بودجه کافی به این حوزه، می‌توان جایگاه علمی دانشگاه‌ها را در سطح ملی و بین‌المللی ارتقا داد. ویراستاری، بیش از مهارت، سنگ‌بنای کیفیت علمی است.

دانشگاهی برسانند. در این راستا، مهارت ویراستاری تضمین‌کننده دقت علمی است و نقشی مهم و اصلی دارد. شایان توجه است که حتی در میان کتاب‌ها و مقاله‌های استادان دانشگاهی نیز اشتباهات نگارشی و ویرایشی به چشم می‌خورد. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت تسلط بر اصول و مهارت‌های ویرایشی برای تمام تولیدکنندگان محتوای علمی است. از سوی دیگر، تسلط بر نرم‌افزارهای نگارشی، مانند ورد، یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای پژوهشگران است. این تسلط نه تنها به بهبود کیفیت متون کمک می‌کند، بلکه از هدررفت زمان و منابع جلوگیری و روند تولید محتوای علمی را بهینه می‌کند.

نشریات دانشجویی نیز بستری مناسب برای تقویت مهارت‌های ویراستاری و تولید محتوای علمی‌اند. در سال ۱۴۰۲، دانشگاه شهید بهشتی، با تشکیل کارگروه ویراستاری متشکل از دانشجویانی که در دوره‌های تخصصی شرکت کرده بودند، نشان داد که سرمایه‌گذاری روی ویراستاری می‌تواند کیفیت نشریات را بهبود چشمگیری بخشد. با این حال، توقف فعالیت این کارگروه، به دلیل نبود حمایت‌های مالی مناسب، ضرورت تخصیص بودجه‌های کافی — در قیاس با هزینه‌های فراوان در دیگر بخش‌های غیرمولد — را بار دیگر برجسته می‌کند. شایان ذکر است که برخی دانشجویان، برای انتشار نوشته‌های خود در نشریات،



ویرایش آموزشی در فضای مجازی



فاطمه آقامیری | ویراستار

که برای آن دو ساعت کلاس از دزفول می‌آمد. تمام شب در قطار بود و تا عصر هم دوری می‌زد تا زمان کلاس برسد و شب هم با قطار به دزفول برمی‌گشت. این تجربه برای بسیاری آشناست.

اما برگزاری کلاس‌های برخط (آنلاین) از زمان شیوع ویروس کرونا آغاز شد یا دست‌کم گسترش یافت و همچون سنتی در آموزش توانست جایگاه ویژه‌ای برای خود دست‌وپا کند؛ سنتی که با استقبال بی‌نظیر

کسانی مواجه شد که دل

در گرو یادگیری داشتند و

با حسرت به پایتخت‌نشینان

چشم می‌دوختند؛ سنتی که

سبب پدید آمدن عدالتی

گسترده در میان مشتاقان و

فراگیران شد. دیگر فرقی

نمی‌کرد چه کسی ساکن

تهران است و چه کسی

ساکن شمال و جنوب، و

چه کسی در روستایی در

زاهدان است یا در یاسوج.

حتی برای برخی از ساکنان

ویروس کرونا، با همه مصیبت‌های بزرگی که داشت و با همه آسیب‌هایی که به بار آورد، تغییراتی اساسی در برخی از جزئیات سبک زندگی ما به وجود آورد که در واقع نتیجه مثبت حضور این موجود خطرناک بود. گسترش

کلاس‌ها و نشست‌ها و جشنواره‌ها به صورت مجازی یکی از این عواقب مثبت بود که بی‌اغراق می‌توان گفت چه حسرت‌های عمیقی را از دل‌ها زدود و چه آرزوهایی را تحقق بخشید. تا پیش از آن، کلاس‌های آزاد عمدتاً

در پایتخت و/یا شهرهای

بزرگ برگزار می‌شد و البته

هنوز هم برگزار می‌شود.

پیش از آن، شرکت در این

کلاس‌ها و کارگاه‌ها برای

خیلی از مشتاقان امکان‌پذیر

نبود و برخی هم مسافت‌های

طولانی را طی می‌کردند تا

هر هفته بتوانند از کلاس‌ها

بهره ببرند. زمانی که کلاس

داستان‌نویسی می‌رفتم و آن

زمان خودم هم ساکن تهران

بودم هم کلاسی‌ای داشتم

”
**برگزاری کلاس‌های برخط (آنلاین)
از زمان شیوع ویروس کرونا آغاز شد یا
دست‌کم گسترش یافت و همچون سنتی
در آموزش توانست جایگاه ویژه‌ای برای
خود دست‌وپا کند؛ سنتی که با استقبال
بی‌نظیر کسانی مواجه شد که دل در
گرو یادگیری داشتند و با حسرت به
پایتخت‌نشینان چشم می‌دوختند.**
“

پایتخت هم این نوع آموزش ارجح بود، زیرا آنان را از بودن ساعات زیاد در ترفیک معاف می‌کرد. دوران همه‌گیری تمام شد ولی سبک زندگی پسا کرونا ادامه یافت و تا کنون نیز ادامه دارد.

با همه این اوصاف، چه کسی می‌تواند منکر حال و هوای کلاس‌های حضوری شود؟ کلاس‌های حضوری، همکاری‌های دوشادوش، رابطه‌های دوستانه. گمان می‌کنم اکنون دیگر خوب می‌دانیم که یک ساعت ارتباط مجازی حتی با یک دقیقه حضور برابری نمی‌کند. درک می‌کنیم که نشانه‌های تصویری و نمادها را یارای انتقال احساسات نیست. حضور مجموعه‌ای از کلام و زبان بدن و احساسات است و با ارتباط چشم در چشم همراه است. در فرایند یادگیری، بخشی از انتقال معنا و مفهوم با نگاه صورت می‌گیرد و گاه استاد می‌تواند از چشمان دانشجو بفهمد که آیا مطلب را درک کرده یا نیاز به توضیح بیشتری دارد؛ اما در فضای مجازی این اتفاقات مهم و انسانی رخ نمی‌دهد. استاد و دانشجو فقط به نمایشگر خیره می‌شوند و از ارتباط‌های دیگر خبری نیست. حضور «آنی» دارد که مجاز نمی‌تواند جای آن «آن» را بگیرد.

اما آیا می‌توانیم معایب و مزایای این دو دنیا را در دو کفه ترازو بگذاریم و بسنجیم؟ شاید بشود، اما بعید می‌دانم با پیچیدگی جوامع امروزی بتوان یکی را بر دیگری ارجح دانست؛ ولی می‌توان برخی موارد را بررسی کرد و تک به تک به بررسی هر کدام پرداخت. برای نمونه، اندکی از تجربه یادگیری خود در دوره ویرایش می‌گوییم.

هفتمین دوره نگارش و ویرایش انجمن صنفی ویراستاران که به صورت مجازی برگزار شد و به تازگی پایان یافت یکی از این دوره‌های مجازی بود که من در طی این سال‌ها شرکت کردم. این دوره مزایا و معایبی داشت که قابل تأمل است. از مزایای آن در ابتدا باید بگویم که این دوره فرصتی مغتنم بود که چشم‌اندازی جدید از عرصه درست‌نویسی به رویم باز کرد و اهمیت و ارزش درست‌نویسی را برایم صدچندان کرد. حال چطور بگویم که کلاس فقط حضوری و لاغیر؟! درست است که وقتی پای زبان و ادبیات فارسی در میان باشد چه شیرین است در حضور استادی که از شعر و داستان و گفتمان و دستور و نشانه‌ساختن می‌گوید باشیم؛ اما اگر بخواهیم سخت‌گیرانه نگاه کنیم انتخاب این گونه می‌شود: یا کلاس حضوری یا هیچ کلاسی! و این دور از عقلانیت می‌شود که خودمان را از آموزش‌های خوبی که می‌توانیم ببینیم به علت حضوری نبودن کلاس محروم کنیم.

دومین مزیت این دوره این بود که تفکیک انواع ویرایش برایم شفاف شد؛ اینکه ویرایش صوری، ویرایش زبانی، ویرایش استنادی چیست و هر کدام چه کارایی‌هایی دارد. در واقع هر کدام از آن‌ها متخصص خاص خودش را دارد. این جزئیات برای من آشکار نبودند.

شناخت مسائل پیچیده پیش‌رو در دنیای ویراستاری که برایم ناشناخته بودند مزیت سوم بود؛ وقتی استادان از تجربه‌های چندین‌ساله خود و خاطرات حیرت‌انگیزشان می‌گفتند، تازه درمی‌یافتم که چه راه دشواری را طی کرده‌اند.

”
چه کسی می‌تواند منکر حال و هوای کلاس‌های حضوری شود؟ کلاس‌های حضوری، همکاری‌های دوشادوش، رابطه‌های دوستانه. گمان می‌کنم اکنون دیگر خوب می‌دانیم که یک ساعت ارتباط مجازی حتی با یک دقیقه حضور برابری نمی‌کند. درک می‌کنیم که نشانه‌های تصویری و نمادها را یارای انتقال احساسات نیست.
“

چهارمین مزیت آشنایی با کتاب‌ها و منابع گوناگون برای نگارش و ویرایش بود؛ اینکه بدانم در میان منابعی که در بازار موجود است کدام یک از آن‌ها بهتر می‌تواند به من کمک کند تا به بی‌راهه نروم. درک نقش مهم ویراستار در وزین کردن و ارزش بخشیدن به یک اثر مزیت دیگری بود که در این دوره با تمام وجودم لمس کردم و ویراستار و جایگاه او در ذهن و ضمیرم ارج و قربی متعالی پیدا کرد.

اگر بخواهم به معایب این دوره هم اشاره کنم، ابتدا باید به همان ارتباط غیر حضوری که در بالا هم ذکر کردم بپردازم. دانشجو فقط صدای استاد را دریافت می‌کرد و ارتباط انسانی واقعی صورت نمی‌گرفت. با اینکه به ظاهر هر دو در یک زمان در یک مکان واحد (پلتفرم) بودند، اما در واقع نبودند. آن‌ها در دو دنیای متفاوت حضور داشتند و نمی‌توانستند مکان مشترکی را ادراک کنند. از دیگر معایب مشکل اینترنت بود که البته نمی‌توان گفت علش به برگزارکنندگان دوره برمی‌گردد؛ به گمانم این مشکلی کلی برای تمام کلاس‌های برخطی است که در کشور برگزار می‌شود. گاهی اینترنت استاد ضعیف بود و صدا قطع و وصل می‌شد و گاهی هم اینترنت ما ضعیف بود و مجبور می‌شدیم چندین بار از کلاس خارج شویم و باز وارد شویم تا بلکه این مشکلات برطرف شود.

مورد دیگر پرسش‌های زیاد و تکراری شرکت‌کنندگانی بود که گاه وقت کلاس را بیش از اندازه می‌گرفت.

البته برخی استادان یادآوری می‌کردند که در مورد این مبحث قبلاً صحبت شده و دانشجویان می‌توانند فیلم جلسات قبلی را ببینند ولی برخی استادان این زحمت را تقبل می‌کردند که باز آن مطالب را توضیح دهند و بازگویی مطالب تکراری هم وقت کلاس را برای تدریس مباحث جدید می‌گرفت و هم تا اندازه‌ای باعث کسل‌کننده شدن کلاس می‌شد.

با همه این اوصاف، واقعیت این است که برای منی که همیشه تشنه یادگیری هستم و هر فراگیری‌ای مرا با دنیایی ناشناخته آشنا می‌کند که دوست دارم در آن غرق شوم این دوره بسیار ارزشمند و کاربردی بود و از لحظه لحظه‌های حضورم در آن لذتی وافر بردم. در این برهه، اگر دوره حضورم برگزار می‌شد امکان شرکت در آن برای من وجود نداشت. بنابراین قطعاً بر این باورم که آموزش، چه آموزش ویرایش باشد و چه هر آموزش دیگری، در فضای مجازی نیز امکان‌پذیر و ثمربخش است.

در این دوره پای درس و صحبت برجستگان ادب این مرزوبوم نشستیم؛ کسانی که خود از شاگردان برجستگان ادب نسل پیش از خود بودند و مدام از بزرگانی چون ابوالحسن نجفی، میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، کامران فانی و دیگر استادان نقل قول می‌کردند و خاطره می‌گفتند و چه لذتی بالاتر از این خاطره‌گویی‌های پندآموز؛ حتی اگر مشکل همچنان پابرجا باشد که «واقعیت یا مجاز؟! مسئله این است!»



انتحال یا انتحار؟

(داستان)



جمیله سنجری | ویراستار

تقدیم به استادان عزیز انجمن صنفی ویراستاران، که غیر از ویرایش از ایشان درس‌های زندگی و نیکی آموخته‌ام.

و تهمینه: از روی شاهنامه به نثر علی شاهری. رستم و سهراب از کتاب کودکان مهرداد بهار. فیش‌ها را لای شاهنامه می‌گذارد.

فیش دیگری می‌نویسد و روی قابوسنامه می‌گذارد. کلیلهدومنه را ورق می‌زند. یک لحظه احساس می‌کند دمنه نگاهش می‌کند. کتاب را زود می‌بندد و می‌نویسد: شرح و توضیح از مینوی. پنج جلد سسک عیار را از قفسه کتابخانه برمی‌دارد و وزنشان می‌کند و می‌نویسد: از کتاب‌های تلخیصی. روی فیش دیگری می‌نویسد: پاراگراف بندی و نشانه‌گذاری از روی چهارمقاله عباس جهانگیریان. چهارمقاله‌ی نظامی عروضی را باز می‌کند. بلند می‌خواند: «پس دبیر باید کریم‌الاصل شریف‌العرض دقیق‌النظر عمیق‌الفکر ثاقب‌الرأی باشد و به حُطام دنیوی و مزخرفات آن مشغول نباشد.»

چهارمقاله‌ی جهانگیریان را باز می‌کند. همان جمله‌ها اما ساده‌تر و نشانه‌گذاری شده: «پس دبیر و نویسنده باید بزرگ‌زاده و شریف، باریک‌بین و ژرف‌اندیش و اثرگذار باشد. آداب‌دان باشد و مقام و جایگاه هر کس

ویراستار قرارداد را روی میز می‌گذارد و به آن خیره می‌شود. ناشر گفته بود: «این شیش تا رو شیش ماهه تحویل بدی، شصت میلیون می‌دم. دست‌به‌قلمی می‌تونی تندتند بازنویسی شون کنی. اگه دیر بشه، به ازای هر یه روز یه میلیون کم می‌کنم. زود باش تا بدیمشون چاپخونه و برسونیمشون نمایشگاه.» بعد هم غیر مستقیم بهش فهمانده بود از تصحیحات خانلری، یوسفی، قزوینی، فروزانفر و حتی از کارهای جدید استفاده کند؛ یک جور که معلوم نباشد. گفته بود چند تا جمله اول و آخر را تغییر بدهد و حذف کند. فصل بندی‌ها را هم با شکل و شمایل جدید مرتب کند. گفته بود پول توی متون کهن فارسی و عاشقانه‌هاست. یک جور کار کند که ارشاد گیر ندهد.

ویراستار ویس و رامین را برمی‌دارد. ورق می‌زند. چه جور عشق بین این دورا عوض کند که طرح قصه خراب نشود؟ روی فیش می‌نویسد: گزیده‌نویسی با تغییر طرح. آن را لای کتاب می‌گذارد. برای زال و رودابه می‌نویسد: به نثر ساده با کتاب‌های دبیرسیاقی. رستم

را بشناسد و به چیزهای بی ارزش دنیا و جلوه‌های فریبنده آن سرگرم نباشد.»

یخ می‌کند. دارد چه کار می‌کند؟! شصت میلیون برای شش ماه؟! ارزش دارد؟ شصت میلیارد هم بود می‌ارزید؟ احساس ضعف می‌کند. سرش را می‌گذارد روی چهارمقاله.

ارزش داره؟ نداره؟ شیش ماه؟

کلمه‌های نظامی در ذهنش رژه می‌روند: کریم‌الاصیل... شریف‌العروض... دقیق‌النظر... عمیق‌الفکر... ثاقب‌الرأی....

آقاغلام وارد می‌شود و با همان دستمال کثیفی که کاشی‌ها و گازآبدارخانه را تمیز می‌کند غبار کتاب‌ها را پاک می‌کند. ویراستار عصبانی می‌شود. می‌گوید: «این چه کاریه، آقا غلام؟ آقا غلام؟! آقا غلام انگار نمی‌شنود. می‌رود. بلند می‌شود دنبالش می‌رود تا حالی‌اش کند که این چه کاری بود کرد، اما پشیمان می‌شود. به کتابخانه بر می‌گردد. چشمش می‌افتد به آدم‌هایی با لباس‌های عجیب‌غریب قدیمی که روی دوازده صندلی نشسته‌اند. مردها دستار بر سر و زن‌ها بدون حجاب‌اند. یکی از مردها هم تاج بر سر دارد.

بهت‌زده است و می‌خواهد بگوید: بروید تا شما را ندیده‌اند که پایش گیر می‌کند به پایین درگاهی و می‌خورد زمین. زود بلند می‌شود. آن‌ها را نگاه می‌کند. خودشان‌اند: فردوسی، سلطان قابوس، فرامرز بن خداداد، فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی عروضی، نصرالله منشی، ویس و رامین، رستم و تهمینه، زال و رودابه.

از ترس نا ندارد بایستند. روی صندلی شکسته سیزدهم می‌نشیند. همین موقع، سلطان قابوس با مشت می‌کوبد روی میز: «چه زمانه‌ای است این زمانه! اسم خودتان را نویسنده و شاعر و مُحَرَّر گذاشته‌اید و عَرَضه نوشتن یک سطر و یک مصراع هم ندارید؟! از تصحیح و تحریر دیگران استفاده می‌کنید. اگر هم تحریر کنید، به غلط.» ویراستار در صندلی فرو می‌رود.... فخرالدین اسعد

”

ویراستار بیشتر در صندلی فرو می‌رود. زبانش بند آمده. چشمش می‌افتد به رامین که دست در گردن ویس انداخته. متوجه زال می‌شود که دارد موهای بلند رودابه را می‌بافد. با خودش می‌گوید: «خدایا چه کار کنم؟ اگر مسئول حراست بیاید که اینجا را تخته می‌کند.»

“

می‌گوید: «چه شب‌ها که تا صبح چشم بر هم نگذاشتیم تا درست و بلیغ بسراییم.»

فرامرز بن خداداد یک جلد سمک را بر می‌دارد و می‌گوید: «جناب اسعد! همه‌شان سارق نیستند. بین این پنج جلد را خوب تلخیص کرده‌اند. خودمانیم ما خودمان هم دیگر حوصله و سر و سوز خواندن این کتب و نوشته‌ها را نداریم که نداریم. روده‌درازی و مطول‌سُرایی متعلق به زمانه ما بود. درست معروض نمی‌دارم، جناب عروضی؟!»

نظامی عروضی می‌گوید: «درست می‌فرمایید، اما برخی مُحَرَّران و نَسَاح به استادان خود هم احترام نمی‌گذارند. انتحال و سرقت ادبی شده روش روزمره‌شان. از تصحیحات و تقریرات استادانشان استفاده کرده به نام خود منتشر می‌کنند. این انتحال نیست؛ انتحار است. اگر بدانند و خرد داشته باشند.»

ویراستار بیشتر در صندلی فرو می‌رود. زبانش بند آمده. چشمش می‌افتد به رامین که دست در گردن ویس انداخته، متوجه زال می‌شود که دارد موهای بلند رودابه را می‌بافد. با خودش می‌گوید: «خدایا چه کار کنم؟ اگر مسئول حراست بیاید که اینجا را تخته می‌کند.» با فردوسی احساس نزدیکی می‌کند. بارها

به او می‌گوید اگر در اینجا تخته شود، بیکار می‌شود، دستمالش را می‌اندازد در ظرفشویی و با ویراستار می‌رود. روی صندلی سیزدهم می‌نشیند. کاغذی را می‌خواند: «اینجانب غلام دستمال‌کش اعتراف می‌کنم که مسئولم و دستور داده‌ام کتاب‌ها را تندتند کپی و خلاصه کنند تا چاپ کنیم و بفروشیم. قول می‌دهم دیگر از کتاب‌های شما دزدی نکنم و نگذارم کس دیگری هم دزدی کند.» سلطان قابوس می‌گوید: «عرضه‌تان کجا رفته؟ مگر نمی‌دانید ادب فارسی با نوشتن و خلق تازه گسترش یافته و به اقصی نقاط می‌رود؟!»

اسعد هم می‌گوید: «درست است و نیکو. مگر نمی‌دانید باید برای فرزندان زمان خود بنویسید. اگر کمی خرد داشتید از فرزندانتان می‌آموختید. شاهدیم که این نسل چقدر فرهیخته‌اند و درونی پاک دارند.» فرامرز بن خداداد می‌گوید: «در کدام دوره دیده‌اید که طفلان از والدینشان آگاه‌تر باشند؟ از آن‌ها بیاموزید.» همین‌طور آن‌ها صحبت می‌کنند و غلام هم سر را به نشانه تأیید تکان می‌دهد.

آخر سر فردوسی رو می‌کند به ته‌مین و رستم، زال و رودابه، ویس و رامین و بقیه: «برویم!» و آهسته به ویراستار می‌گوید: «ما زنده‌ایم و آگاه. اگر می‌اندیشید، می‌دانستی نمی‌توانی فریبمان دهی!» ویراستار و امی‌رود. آن‌ها با غلام از کتابخانه خارج می‌شوند. ویراستار آه بلندی می‌کشد. خودش را روی صندلی سیزدهم می‌اندازد. صندلی می‌شکند و او پخش زمین می‌شود. از روی زمین بلند می‌شود. خواب می‌دیده. صندلی شکسته را کنار می‌گذارد. روی یکی از صندلی‌های سالم می‌نشیند. گریه‌اش می‌گیرد. از پشت اشک چشم‌هایش کاغذ قرارداد را تار می‌بیند. با خودکار قرمز ضربدر بزرگی روی آن می‌کشد.



”
درست است و نیکو. مگر نمی‌دانید
باید برای فرزندان زمان خود بنویسید.
اگر کمی خرد داشتید از فرزندانتان
می‌آموختید. شاهدیم که این نسل چقدر
فرهیخته‌اند و درونی پاک دارند.“
“

پشت چراغ قرمز میدان فردوسی مانده و با مجسمه‌اش درددل کرده. با نگاهش به او التماس می‌کند. فردوسی به زوج‌ها چشم‌غره می‌رود و بعد رو می‌کند به ویراستار: «دخترم، برخی از گرد راه نرسیده و دانه‌ای نکاشته می‌خواهند خرمنی برداشت کنند.»

سلطان قابوس دوباره با مشت روی میز می‌کوبد و با داد: «چرا پاسخ نمی‌دهی؟! گفتیم مسئول این همه انتحال کیست؟!»

ویراستار خودش را جمع‌وجور می‌کند: «ن... ن... نمی‌دانم». نظامی عروزی می‌گوید: «این که نشد پاسخ! مگر اینجا کتاب‌ها شرح و تصحیح و تلخیص نمی‌شوند؟! فرامرز بن خداداد می‌گوید: «و تلخیص و گزیده‌نویسی. تا مقصر را نیاوری نمی‌رویم.»

ویراستار می‌گوید: «ال... ال... الان مسئول حراست می‌آد... لطفاً برین!»

فردوسی بلند می‌شود: «دختر جان برو به بزرگت بگو بیاید. می‌خواهیم با او سخن بگویم.» سلطان قابوس باز روی میز می‌زند: «با تویم! برخیز! درنگ نکن!» نصرالله منشی می‌گوید: «تنها می‌خواهیم پندش دهیم.» ویراستار سنگین بلند می‌شود. خودش را به سمت در می‌کشانند. استادش راست می‌گفت؛ بزرگان ادبیات زنده‌اند. از خودش بدش آمده. به آبدارخانه می‌رود. به آقا غلام التماس می‌کند. اول قبول نمی‌کند اما وقتی



حقوق مالکیت فکری در گفت‌وگو با

دکتر سید عباس حسینی نیک

حقوق‌دان، پژوهشگر، مدیر مسئول انتشارات مجد

■ مصاحبه‌کننده: مهناز مقدسی

| پاییز ۱۴۰۳، تهران |

موضوع کپی‌رایت، حقوق مالکیت فکری و قوانین مترتب بر آن برای بسیاری ناشناخته یا کمتر شناخته شده است؛ پس در این گفت‌وگو از دکتر حسینی نیک خواستیم ما را با گوشه‌ای از آن آشنا کند. این گفت‌وگو بسیار مفصل شد، لذا بخشی از آن را در ویژه‌نامه روز ویراستار درج می‌کنیم و بخشی دیگر را در مناسبتی دیگر منتشر خواهیم کرد.

دکتر سید عباس حسینی نیک، حقوق‌دان، پژوهشگر و مدیر مسئول انتشارات مجد، سال‌هاست در حوزه مباحث حقوقی و قوانین مالکیت فکری تحقیق می‌کند. حاصل تلاش‌های او برگزاری چندین نشست و کارگاه آموزشی و چند کتاب بوده است. انجمن صنفی ویراستاران، که نخستین دوره جامع نگارش و ویرایش خود را در سالن همایش انتشارات مجد برگزار کرده بود، سال‌هاست از مشاوره‌ها و حمایت‌های فکری وی بهره‌مند است.



مالکیت فکری و قوانین داخلی و جهانی آن

* مالکیت فکری یا حق نشر در ایران تابع چه قوانینی است و چقدر این قوانین اجرا می‌شود؟

جهانی نیستیم، کپی‌رایت داخلی مان کاملاً بر اساس مبانی علمی حقوق مالکیت فکری است.

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ تصویب شد و در سال ۱۳۵۲ «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» به کمک آن آمد، یعنی نواقص قانون سال ۱۳۴۸ را در حوزه ترجمه و مسئله تکثیر، که مربوط به ناشران می‌شد، و مسئله آثار صوتی، که تازه آن سال‌ها نوارهای کاست آمده بود، تحت پوشش قرار داد.

بعد از انقلاب، سال ۱۳۷۹، که شرکت‌های نرم‌افزاری تأسیس شدند، قانونی به نام «قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» تصویب شد. قانونی نسبتاً ضعیف با دامنه محدود که جای بحثش اینجا نیست. سال ۱۳۸۲ «قانون تجارت الکترونیک» تصویب شد که بخشی از آن مربوط به حق مؤلف است. ۴ یا ۵ ماده این قانون مربوط به حوزه ما می‌شود که مهم‌ترینش ماده ۶ است که «داده‌پیام» را در حکم «نوشته» تلقی کرده و مستقیم به آن اشاره کرده است. بنابراین هر پیامک، ایمیل یا پیام‌ها در گروه‌ها، همه در حکم نوشته است که ممکن است توهین و تشویش اذهان عمومی تلقی شود و بار حقوقی داشته باشد یا نقض حقوق دیگران از لحاظ کپی‌رایت محسوب شود و قابل پیگیری باشد.

سال ۱۳۹۸ قانونی بابت تهیه منابع علمی با عنوان «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» تصویب شد. هدف این قانون نظم بخشی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری و کارهای تحقیقی دانشگاهی است که با هدف ساماندهی آشفستگی موجود تصویب شد. اما ماده یک این قانون فراتر رفت و نتایج و خصوصیات ویژه‌ای در پی داشت. با اینکه قانون خیلی مختصری است و چند ماده بیشتر ندارد، به حفظ حقوق پدیدآورندگان چه در قالب نویسنده یا دیگران (مترجم، ویراستار، گردآورنده) کمک می‌کند. جمع قوانینی که داریم این هاست. اما به هر حال ما تا به الآن عضو کنوانسیون نیستیم. البته اشاره

کشور ما اگر چه عضو کنوانسیون برن نیست و انتقاداتی در این حوزه مطرح است که چرا به کنوانسیون نپیوستیم؛ خوشبختانه جزو کشورهای پیش‌تاز در منطقه خاورمیانه است که قانون کپی‌رایت را از سال ۱۳۴۸ تدوین کرده و مقدم بر آن، در سال ۱۳۰۴، یعنی چیزی حدود ۱۰۰ سال پیش، درباره رعایت حقوق مؤلفان و مصنفان ۴ ماده قانونی تنظیم کرده است. اگر قوانین حقوقی کشورهای منطقه را ببینید اثری از این موضوع در آن سال‌ها نیست. سال ۱۳۴۸ قانونی به نام «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» تعریف شد که این قانون، به دلیل جدید بودن مباحث، کاملاً بر اساس «کنوانسیون برن» نوشته شده و دارای اصولی محکم است. امروز با آن قانون می‌توان حتی فضای مجازی را، که در زمان تصویب قانون وجود نداشته، نیز پوشش داد. اصول و مبانی حقوق مالکیت صنعتی در «کنوانسیون پاریس» و مالکیت ادبی و هنری در کنوانسیون برن آمده است. اصولی که در کنوانسیون برن بوده همان اصول است که در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان کشورمان آمده و بر اساس همین اصول هم ما عضو کنوانسیون نشدیم؛ یعنی صلاحیت حمایت از حقوق مؤلفان را سرزمینی (در سرزمین خودمان) در نظر گرفته است. این قانون تمام کسانی را که داخل مرزهای جغرافیایی ایران هستند، چه ایرانی و چه خارجی، حمایت می‌کند. وقتی داخل مرزهای جغرافیایی ایران باشند و اثری منتشر کنند از آن اثر حمایت می‌شود. این اصل حمایت سرزمینی از همان کنوانسیون برن برگرفته شده است.

درست است که ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ما را از اتحادیه کنوانسیون برن جدا کرده و اگر چه در حوزه کپی‌رایت عضو جامعه

بکنم که عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی هستیم. خیلی‌ها سؤال می‌کنند که چطور عضو سازمان جهانی مالکیت فکری هستیم، اما عضو کنوانسیون برن نیستیم. کشورهایی که می‌خواهند عضو سازمان وایپو (WIPO): سازمان جهانی مالکیت معنوی) باشند بایستی یکی از دو کنوانسیون پاریس یا کنوانسیون برن را پذیرفته باشند.

ما به دلیل اینکه از سال ۱۳۳۷ عضو کنوانسیون پاریس شده‌ایم و از علائم تجاری و اختراعات حمایت می‌کنیم، عضو سازمان مالکیت فکری معنوی هستیم و عضو اصلی هم هستیم؛ اما در بخش کپی‌رایت عضو ناظریم. * در صحبت‌هایتان چند موضوع را مطرح فرمودید و سابقه مباحث قانونی در حوزه نشر و حقوق مالکیت

کنوانسیون برن	با نام کامل «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری»، معاهده‌ای بین‌المللی است با موضوع حق تکثیر و حق مؤلف، که اولین بار در شهر برن در سوئیس در سپتامبر سال ۱۸۸۶ تصویب شد.
سازمان وایپو	سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) یکی از ۱۵ آژانس تخصصی سازمان ملل است. وایپو با امضای توافقنامه‌ای در استکهلم در سال ۱۹۶۷ «برای تشویق آثار خلاقانه در راستای حمایت از مالکیت معنوی در جهان» تأسیس شد.
کنوانسیون پاریس	این معاهده در سال ۱۸۸۳ در شهر پاریس منعقد شد و طی تجدیدنظرها و اصلاحاتی تکمیل شد. کنوانسیون پاریس ناظر بر مالکیت صنعتی، از جمله اختراعات، علامت تجاری، طرح‌های صنعتی، اسامی تجاری است. همه کشورها، اعم از اینکه عضو سازمان جهانی مالکیت فکری باشند یا نباشند، می‌توانند به عضویت کنوانسیون مزبور درآیند.
گات	موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، یا به اختصار گات (GATT)، با مشارکت ۲۳ کشور در سال ۱۹۴۷ در شهر ژنو تهیه شده است.
سازمان تجارت جهانی	سازمان تجارت جهانی (به اختصار: WTO) سازمانی بین‌المللی است که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضا را حل و فصل می‌کند. اعضای سازمان تجارت جهانی کشورهایی‌اند که موافقت‌نامه‌های (حدود ۳۰ موافقت‌نامه) این سازمان را امضا کرده‌اند.
تریپس	موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، به اختصار تریپس (TRIPS)، موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی است که سازمان تجارت جهانی مدیریت آن را به عهده دارد و حداقل استانداردهای جهانی را برای قوانین مربوط به انواع مالکیت فکری در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی تعیین می‌کند.
کنوانسیون ژنو	کنوانسیون جهانی کپی‌رایت یا میثاق جهانی کپی‌رایت یا کنوانسیون ژنو یا میثاق ژنو یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه کپی‌رایت (حق تکثیر) است که در سال ۱۹۵۲ در ژنو سوئیس به امضا رسید. این کنوانسیون به وسیله یونسکو توسعه یافت و به عنوان انتخاب ثانویه به کشورهای پیشنهاد شد که با برخی از جنبه‌های کنوانسیون برن مخالف بودند، ولی همچنان مایل به شرکت در یک کنوانسیون چندجانبه در زمینه کپی‌رایت بودند.
دادگاه لاهه	دیوان بین‌المللی دادگستری، که به نام دادگاه بین‌المللی شناخته می‌شود، رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد که ستاد آن در شهر لاهه در کشور هلند واقع شده است. این دادگاه به اختلافات حوزه حقوق بین‌الملل میان کشورها رسیدگی می‌کند.

فکری در ایران را بیان کردید که بسیار آموزنده است. دربارهٔ معاهدهٔ برن و حق کپی‌رایت فرمودید و چون این موضوع مطرح شده بد نیست به خطرات یا محاسن پیوستن به کپی‌رایت یا در واقع پیوستن به معاهدهٔ برن اشاره کنید. چون بعضی‌ها معتقدند که اگر به این معاهده پیوندیم این خطر وجود دارد که ناشری ضعیف انحصاراً مجوز انتشار یا ترجمهٔ کتابی را بگیرد و آن را بی کیفیت یا نازل منتشر کند و در این صورت حق از دیگر ناشران یا مترجمان قوی ساقط می‌شود. به نظر شما این موضوع چقدر جای نگرانی دارد؟ یا خطرهای دیگر آن کدام است؟

باید به این نکتهٔ مهم اشاره کنم که کشور ما قبل از انقلاب هم عضو کنوانسیون کپی‌رایت نبود و الآن هم نیست. دلایلش متفاوت است؛ اما نتیجه یکی است. قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۷ هیچ جاد را اسناد سیاسی و فرهنگی ایران مصاحبه‌ای مبنی بر اینکه باید عضو کنوانسیون برن بشویم نیست. بعد از انقلاب هم عضو نشدیم. اما دلایل قبل و بعد از انقلاب متفاوت است. از ۱۸۸۶ که اتحادیه و کنوانسیون برن تأسیس شد عمده‌تأثیرهای صاحب منابع علمی و کشورهای که منافع اقتصادی داشتند عضو آن شدند. کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه عضو نمی‌شدند. تا اینکه بحث گات (GATT) یا سازمان تجارت جهانی (WTO) مطرح شد و مقید کردند کشوری که می‌خواهد عضو این سازمان شود باید عضو موافقت‌نامهٔ تجاری حقوق مالکیت فکری که اصطلاحاً به آن تریپس (TRIPS) می‌گویند شود و هر کشوری که می‌خواهد عضو تریپس شود بایستی یا عضو کنوانسیون برن باشد یا لااقل ۲۱ مادهٔ کنوانسیون را بپذیرد؛ بنابراین یک‌دفعه اعضای کنوانسیون برن چند برابر شدند. جالب است بدانید که آمریکا تا سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) عضو نبود. مهم‌ترین دلیل مخالفان پیوستن به کنوانسیون برن، قبل و بعد از انقلاب، این بوده است که با توجه به اینکه بیشتر باید واردات علم انجام بدهیم و حرکت علم به سمت داخل است تا به سمت خارج، به نفعمان نیست که

سد ایجاد کنیم. بگذاریم این علم وارد کشور شود. این منطق را خیلی از کشورها داشتند. اما کشورهایی که می‌خواستند پیوندند، قبل از پیوستن، کلی منابع علمی تهیه کردند، ساختارشان را آماده کردند و بعد عضو شدند. امریکایی‌ها تقریباً هر چه علم در اروپا بود تخلیه کردند و بعد عضو کنوانسیون شدند. در کشور ما با اینکه الآن چهل و چند سال از انقلاب می‌گذرد هنوز هم عضو نیستیم. هنوز هم کسی به فکر این نیست که لازم است این علوم را وارد کنیم و کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و منابع پژوهشگاه‌ها را غنی کنیم و ترجمه کنیم، یا بنیاد ترجمه داشته باشیم. من مقاله‌ای دربارهٔ این موضوع نوشته‌ام و کاش صدای ما به گوش مقامات و مسئولان برسد. امروز که امکانش هست و ما عضو کپی‌رایت نیستیم باید این علم موجود در دنیا را وارد و ترجمه کنیم. بودجهٔ کلان اختصاص دهیم که البته در مقایسه با بودجه‌های اقتصادی و نفت و پالایشگاه چیزی نیست. یعنی بودجهٔ یک پالایشگاه را به حوزهٔ علم اختصاص بدهند و منابع علمی را وارد و ترجمه کنند و پژوهشگاه‌ها برای ترجمه بودجه بگذارند، و بعد از آن، عضو شویم. یکی از دلایلی که خیلی مشهور است و همه می‌گویند این است که جهت علم به سمت داخل است و ما نبایستی محدودیت ایجاد کنیم.

قبل از انقلاب، رژیم پهلوی خیلی می‌خواست هماهنگ با علوم روز باشد و البته در منطقه پیشگام بودیم و بقیهٔ کشورها واقعاً عقب بودند. مثلاً ما در سازمان فضایی (هوا و فضا) جزو معدود کشورهای بودیم که قبل از انقلاب در دو نقطهٔ حیاتی مدار زمین ماهواره داشتیم. همان زمان فقط یکی دو کشور اروپایی این امکان را داشتند و بقیهٔ کشورها نداشتند. آن زمان حواسشان به علم بود و خیلی به آن توجه می‌کردند؛ اما چرا عضو سازمان برن نشدند؟ یکی از دلایل مهم این بود که آمریکا هم عضو نشده بود. آمریکا هم در ۱۹۴۶-۱۹۴۷ با کمک یونسکو کنوانسیون را در مقابل کنوانسیون برن به نام ژنو ایجاد کرد. کنوانسیون ژنو

به نظر من ما در حقوق مالکیت فکری بی تردید بایستی عضو بشویم. مهم‌ترین دلیل هم این است که اگر در آینده بخواهیم عضو سازمان تجارت جهانی شویم، مثل اکثریت مطلق کشورهای دنیا، بایستی تریپس و کنوانسیون برن را بپذیریم و این دلایل دیگر را پوشش می‌دهد و اصلاً منطقی نیست بگوییم گران است یا ارزان. وقتی بخواهیم عضو سازمان تجارت جهانی شویم، هزار سؤال می‌فرستند که باید جواب دهیم. از سال‌ها قبل سازمان تجارت جهانی برای کشورهایی که خواهان عضویت هستند سؤال‌های متعددی می‌فرستد. صدها سؤال، مثلاً در حوزه رقابت یا ضد رقابت چه می‌کنید؟ در حوزه قیمت‌گذاری دستوری چه عملکردی دارید؟ عوارض گمرکی؟ تعدادی سؤال هم مربوط به حوزه کپی‌رایت و کنوانسیون است که در این حوزه چه می‌کنید. باید به این سؤال‌ها جواب داد، قوانین داخلی را بر اساس آن‌ها اصلاح کرد تا اجازه دهند عضو سازمان تجارت جهانی شویم. بنابراین اگر کشوری می‌خواهد به جامعه جهانی بپیوندد از جهت تجاری حتماً و بدون هیچ تردیدی باید عضو کنوانسیون برن شود. اصلاً دلیل دیگری نمی‌خواهد.

پرداخت پول کلان

موضوع دوم این است که آن‌هایی که می‌گویند وقتی ما عضو شویم علم خیلی گران می‌شود به دلایل مختلفی این طور نیست. مثلاً اینکه باید پول کلان بدهید، همین الآن هم دارید می‌دهید. مثلاً کجا این پول کلان را می‌دهید؟ موقع پخش فوتبال یا رویدادهای ورزشی مثل کشتی و المپیک و... کشورهای غربی بدون پول اجازه پخش نمی‌دهند؛ چه عضو باشیم چه نباشیم. دوره این هم گذشته که فیلم از کشورهای منطقه بگیرند و کاورش کنند و ببخشند و علامت صداوسیما بگذارند و پخش کنند. چون این کشورها همه عضو شده‌اند و اجازه ندارند آن خدمات را به ما به صورت رایگان بدهند. الآن میلیون‌ها و میلیارد‌ها دلار پول حق پخش

»
به نظر من ما در حقوق مالکیت فکری بی تردید بایستی عضو بشویم. مهم‌ترین دلیل هم این است که اگر در آینده بخواهیم عضو سازمان تجارت جهانی شویم، مثل اکثریت مطلق کشورهای دنیا، بایستی تریپس و کنوانسیون برن را بپذیریم و این دلایل دیگر را پوشش می‌دهد و اصلاً منطقی نیست بگوییم گران است یا ارزان.
«

خیلی تلاش کرد به جای کنوانسیون برن باشد که بحث بسیار مفصل است که این کنوانسیون‌ها چه تفاوت‌هایی داشت. به هر حال کاری کردند که نگرفت و نهایتاً امریکایی‌ها ژنورا ترک کردند. از دلایلی که ما قبل از انقلاب عضو کنوانسیون نبودیم این بود که امریکایی‌ها هم عضو نبودند. اما دلایل بعد از انقلاب چیست که نمی‌پیوندیم؟ مخالفان این پیوستن متعدد و متنوع‌اند.

علت مخالفت با پیوستن به کپی‌رایت

عده‌ای معتقدند که ما منابع علمی زیادی نداریم و اگر الآن عضو شویم باید هزینه‌های زیادی پرداخت کنیم و این به نفع کشورمان نیست. عده‌ای دیگر معتقدند با واردات علم تهاجم فرهنگی اتفاق می‌افتد. اگر ما عضو کنوانسیون شویم، یک سری کتاب‌های غیر اسلامی یا ضد فرهنگ بومی وارد کشورمان می‌شود و این تهاجم فرهنگی است. عده‌ای دیگر معتقدند، به دلیل اینکه در کنوانسیون پیش‌بینی شده حل اختلافات بایستی در لاهه و به اصطلاح در دادگستری بین‌المللی انجام شود، خارج کردن صلاحیت قضایی از دستگاه قضا به دادگاه لاهه به صلاح کشور نیست و دلایل مختلف دیگری برای این قضیه مطرح است.

تلویزیون می دهند. فوتبال و کشتی و بقیه چیزها که در مقایسه با حوزه کتاب بسیار زیاد است. جمع که بزیند خیلی بیشتر از حوزه کتاب دارند پول این‌ها را می دهند.

تهاجم فرهنگی از طریق نشر آثار

عده‌ای می‌گویند مثلاً تهاجم فرهنگی پیش می‌آید؛ نه این طور نیست. در کنوانسیون برن پیش‌بینی کرده‌اند کشورهای که عضو می‌شوند اختیار و اجازه دارند که اگر کتاب‌ها یا منابع علمی، موسیقی یا فیلم ضد ارزش‌های اجتماعی‌شان باشد، مجوز تولید و انتشار آن‌ها را ندهند. البته نمی‌شود اجازه داد نصف یک کتاب منتشر شود و نصف دیگرش حذف و سانسور شود. نه آن‌ها این طوری نمی‌گذارند. ولی مثلاً کتابی راجع به صهیونیسم است شما می‌توانید اجازه انتشار آن را ندهید. این طوری نیست که طرف بگوید ما عضو کمی‌رایت هستیم و آزادی بیان است، نه این طوری نیست. مخالفان برداشت

سرآمدشان ما هستیم، خوب پس معلوم است مشکلی برای ما پیش نمی‌آید. این طور نیست که عضو شویم و بعدش علم متوقف شود. این برداشت‌ها غلط است.

ظرفیت عرضه جهانی محصولات فرهنگی

باید به این نکته توجه کنیم که ما اتفاقاً جزو جوامعی هستیم که حرف‌هایی برای گفتن داریم؛ مثلاً کشورهای حاشیه خلیج فارس هیچ چیز برای گفتن ندارند. چند سال پیش به مسقط عمان رفته بودم کتابی چاپ شده بود از سنگ‌هایی که در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان است. این کشورها واقعاً چیزی ندارند؛ نه آثار

تمدنی، نه موسیقی ویژه‌ای، نه ادبیات. در کشور ما از نقش‌های قالبی تا موسیقی قابل حمایت است. زادگاه و خاستگاه حوزه ادبیات فارسی ایران است. متأسفانه ما ادبیات فارسی را داریم به کشورهای اطرافمان واگذار می‌کنیم. همچنین بحث فیلم هم جدی است. وقتی عضو کنوانسیون نباشیم همه

” باید به این نکته توجه کنیم که ما اتفاقاً جزو جوامعی هستیم که حرف‌هایی برای گفتن داریم... زادگاه و خاستگاه حوزه ادبیات فارسی ایران است. متأسفانه ما ادبیات فارسی را داریم به کشورهای اطرافمان واگذار می‌کنیم.... “

فیلم‌ها و سریال‌هایی را که با زحمت تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های خصوصی تهیه می‌شود بدون اجازه در شبکه‌های اینترنتی پخش می‌کنند. این فیلم‌ها هر شب از ماهواره‌ها پخش می‌شود و این‌ها خسارت و ضرر برای فیلم‌سازی ماست. مادر خیلی موارد حرفی برای گفتن داریم. حالا ممکن است نسبتش مثلاً ۱۰ به ۹۰ باشد ولی خوب ورود و خروج علم خیلی از کشورها ۱ در برابر ۹۹ است. ما در مقایسه با بقیه مقبول‌تریم.

انحصار در ترجمه و چاپ آثار

نکته آخر موضوعی است که فرمودید درباره ترجمه. بعضی معتقدند اگر عضو شویم ممکن است یک کتاب

اشتباه دارند. همه کشورها این طور هستند. همان طور که در آلمان اگر کتابی در رد هولوکاست نوشته شود اجازه چاپ نمی‌دهند. دامنه‌میزی‌ها و سانسورها متفاوت است. عده‌ای سنی، یا شیعه یا بودایی و... هستند و موارد فرهنگی‌ای دارند که می‌توانند اجازه ندهند. بنابراین کنوانسیون زمینه‌ای برای تهاجم فرهنگی نیست و می‌توان اجازه انتشار نداد. فکر می‌کنم دلایلی که برای پیوستن داریم از جحیت دارند. در فقه مباحثی به نام اجماع داریم؛ یعنی اگر علما درباره موضوعی فتوا دادند و به اجماع رسیدند، به این اجماع استناد می‌کنند. وقتی همه کشورهایایی که می‌شناسیم و شنیدیم همه عضو کنوانسیون هستند، به جز ۱۰-۱۲ کشور که

وجود دارد که جای دیگری است. وقتی بخواهیم عضو سازمان تجارت جهانی بشویم، باید ساختارهای سیاسی و بین‌المللی و اجتماعی را درست کنیم تا عضو شویم. شرایط موجود شرایطی نیست که اجازه عضو شدن در سازمان تجارت جهانی را بدهند.

تحریم‌های جهانی

دوم وضعیت تحریم‌های جهانی مخصوصاً امریکاست. معمولاً تحریم‌های سازمان ملل تحریم‌های قانونی و مستدل‌اند. اما تحریم‌هایی که امریکا علیه ایران وضع کرده و عمده تحریم‌ها هم از امریکا است، واقعاً ظالمانه و برخلاف قواعد بین‌المللی است که در اعلامیه حقوق بشر آمده که هیچ کشور و جامعه و مردمانش را نمی‌توانید از علم و دانش محروم و آن‌ها را تحریم کنید.

من در طی ۱۴ سال در نمایشگاه فرانکفورت آلمان با ناشران بین‌المللی توافقی‌هایی داشتم و در ایران حقوقشان را رعایت و تبلیغ می‌کردم؛ چون دانش‌آموخته رشته حقوق بودم، سر کلاس‌ها و جاهای مختلف تبلیغ می‌کردم که باید حقوق نشر را رعایت کنیم و خودمان هم این کار را می‌کردیم. من کتاب‌های متعددی چاپ کردم که از ناشر و نویسنده اجازه گرفتم و بعد چاپ کردم. با این حال، قبل از کرونا (سه چهار سال پیش) و سال آخری که به آلمان رفتم، یکی از ناشران بزرگ بین‌المللی، که به عبارتی نمایندگی غیررسمی آن را در ایران داشتیم و هر کس می‌خواست کتابی از آن‌ها ترجمه کند به انتشارات ما (انتشارات مجد) ارجاع می‌دادند و اگر مجد تأیید می‌کرد آن‌ها هم قبول می‌کردند، به من گفت که بانک‌های ما قذغن کرده‌اند که با شما همکاری کنیم و گفته‌اند که این‌ها ایرانی هستند و به آن‌ها نزدیک نشوید و حتی ایمیلشان را هم جواب ندهید. این را سوپروایزر ناشر به من گفت. بهشان گفتم این خلاف قاعده است. من که رئیس انجمن ناشران دانشگاهی و در نمایشگاه بودم و خیلی برای انتشارات آثار ناشران غیرایرانی تبلیغ کردم، چقدر به ناشران خودمان گفتم

خوب حذف شود و یک مترجم و ناشر وقتی اجازه‌اش را گرفت دیگری نتواند آن را ترجمه یا منتشر کند. اولاً این طوری نیست؛ اگر یک کتاب ضعیف باشد و به ناشران خارجی گزارش شود که این کتاب یا مترجم یا ناشر ضعیف کار کرده، حتماً در آن تجدیدنظر می‌کنند. ثانیاً، به اصطلاح انحصار ترجمه و انتشار کتاب خارجی اغلب به دست ناشران قدرتمند می‌افتد و آن‌ها آبروی خودشان را نمی‌برند و امکان این را دارند که هزینه بیشتری برای اصلاح بپردازند و کتاب خوب منتشر کنند. اتفاقاً در همین حوزه الآن با مصیبت عظمای دیگری مواجهیم و آن ترجمه‌های مختلف از یک کتاب است. به اسم اینکه مترجم جدایی دارد و ترجمه‌اش جداگانه انجام شده و ناشرش هم جداست. کتابی را می‌بینید با ۳۰ ناشر و ۵۰ مترجم! خب این‌ها همه خسارت است. این‌ها هم مترجم و هم ناشر اولیه را نابود و دلسرد می‌کنند و بازارش را تهدید می‌کنند. اتفاقاً در این حوزه ترجمه‌های خیلی غلط منتشر می‌شود و چون می‌خواهند مثل اولی نباشد فعل جمع را مفرد می‌کنند و بالعکس، موضوع قصه حال را آینده می‌کنند و آینده را گذشته می‌کنند؛ کارهایی که بعداً در دادگاه بتوانند جوابگو باشند — شما ویراستارید و بیشتر این موضوع را می‌دانید.

موقعیت نامناسب برای پیوستن

به کنوانسیون برن

با همه توضیحاتی که دادم باید بگویم، در حدود ۳۵ سالی که در حوزه حقوق نشر فعالیت دارم و کارشناس هستم، معتقدم الآن موقعیت مناسبی برای پیوستن به کنوانسیون نیست. با همه توضیحاتی که دادم، الآن و در شرایط موجود، به چند دلیل، امکان پیوستن نیست. اول اینکه اگر بخواهیم عضو کنوانسیون بردن شویم، باید امکانی برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) داشته باشیم، ولی عزم و اراده‌ای برای پیوستن به این سازمان را نمی‌بینیم؛ پس مشکل اساسی‌تری

باید از ناشر اصلی اجازه بگیرید، این وظیفه اخلاقی را یاد بگیرید و آموزش ببینید، این کار به نفع خودتان است و اعتبار کتابتان را بالا می‌برد، حالا شما می‌گویید که چون ایرانی هستید نمی‌توانیم با شما کار کنیم. خوب من ایرانی‌ام چه باید بکنم؟ در پاسخ گفتند که دفترتان را از ایران به ترکیه یا دبی منتقل کنید. گفتم ابداً این کار را نمی‌کنم. من در ایران هستم و شما بر اساس قواعد بین‌المللی بایستی در حوزه علم و دانش با ایرانی‌ها یا هر جامعه‌ای فعالیت و مراد داشته باشید. درست است که کشورم عضو کنوانسیون نیست؛ ولی من از نظر اخلاقی برای شما و کتابتان تبلیغ می‌کنم که برای چاپ از شما اجازه بگیرید. اینکه الان خودتان نمی‌خواهید و جبهی از ما بگیرید یک موضوع دیگر است. هر وقت خواستید بیایید و وجه کپی‌رایت را بگیرید؛ ما نمی‌خواهیم ارتباطمان را متوقف کنیم. ما در مقابل جامعه علمی و فرهنگی کشورمان مسئولیم. ناشران ما بایستی آخرین منابع علمی را به کشورشان بیاورند. کشور من از جهت حاکمیتی عضو نیست، ولی ما آماده‌ایم که حقوق شما را بدهیم و این کار ما خیلی ارزش دارد که بدون آنکه اجبار قانونی باشد می‌خواهیم حقوق شما را رعایت کنیم. من به آن‌ان گفتم که چون طبق کنوانسیون بین‌المللی کشور ما مختار و مجاز است که به آن بپیوندید یا نپیوندید و این امر اجبار نیست و نپیوسته و من هم حاکم ایران که نیستم، ولی با این حال آمده‌ام و می‌گویم ناشران و شاید ۵۰ ناشر دانشگاهی از شما اجازه بگیرند تا روابطی بسازیم و در کشور این موضوع را جا بیندازیم؛ اگر نمی‌خواهید رعایت نمی‌کنیم و این شد که دیگر هم به نمایشگاه کتاب فرانکفورت نرفتم.

شرایط پیوستن به کپی‌رایت

الآن در شرایطی هستیم که اگر به ناشر امریکایی ایمیل بزنید جرئت جواب دادن ندارد. خوب در این شرایط عضو کنوانسیون شدن معنی ندارد؛ جز اینکه وقتی

عضو شدیم راهمان بسته است و در این شرایط غیر از اینکه باید به دادگستری بین‌المللی جوابگو باشیم نتیجه دیگری ندارد.

بنابراین می‌خواهم بگویم این وضعیت دو جانبه است. هم در داخل کشور باید شرایط به نحوی باشد که ما عضو جامعه جهانی بشویم، هم از لحاظ بین‌المللی. اگر شرایط دو طرف اقتضا ندارد، نبایستی فعلاً دنبال کنوانسیون هم برویم تا شرایط داخلی و بین‌المللی مان عوض بشود. مشکل اساسی در قواعد داخلی کشور است. خیلی‌ها فکر می‌کنند ما چون عضو کنوانسیون نیستیم این مشکلات فعلی در حوزه ترجمه در کشورمان وجود دارد. من درباره اوضاع ترجمه مقاله‌ای بر اساس قوانین داخلی نوشته‌ام. اگر مسئولان وزارت ارشاد حرف کارشناسی و حقوقی را گوش بدهند، می‌شود کاملاً ترجمه‌ها را کنترل و به اصطلاح ساماندهی کرد و معایبی که هست برطرف کرد و امکانش هم هست. قوانین داخلی ما کاملاً گویاست و امکان حمایت از مترجمان، ویراستاران، تصویرگران و... را دارد. اما چه نیامندی‌هایی دارد؟

نیاز به اصلاح قوانین موجود

اولین نیاز این است که قوانین موجود نه به صورت لایحه جدید، چون با لایحه جدید موافق نیستیم، با اصلاح قوانین موجود عمل کند. معتمد زمانه که تکلیف ما با کنوانسیون مشخص نشده نباید لایحه جدید بنویسیم. به این دلیل که زمانی که بخواهیم عضو کنوانسیون شویم باید مجدداً قوانین را طبق کنوانسیون عوض کنیم. دلیلی ندارد که الان دو یا سه یا ده سال دیگر دنبال لایحه باشیم. عده‌ای مخالف‌اند و عده‌ای موافق. در چند سال گذشته پیشنهاد به وزارت ارشاد این بوده که قوانین موجود اصلاح، تنقیح و تجمیع شوند. این در موارد دیگر هم در کشور ما مرسوم است؛ در حوزه‌های دیگر هم انجام شده. قوانین مرتبط جمع می‌شوند. ما هم باید در این حوزه همین کار را بکنیم.

بررسی کنید، نظر و پیشنهاد بدهید. من از دوسه نفر از قضات دادگستری نظر خواستم. مثلاً در بحث ضمانت اجراها از قضات نظر خواستم و پرسیدم چه درجه‌ای از مجازات‌ها (از هشت درجه‌ای که قانون مجازات تعیین کرده) بهتر است؟ کدام بازدارنده است؟ از ناشران، حقوق‌دانان و حتی دانشجویان فوق‌لیسانس و دکتری خودم در دانشگاه نظر خواستم. ترم گذشته برای کارهای تحقیقی دانشجویهای دوره دکتری حقوق همین موضوع را انتخاب کردم و گفتم هر کسی یک پیشنهاد هم بدهد ۵ نمره کامل را می‌گیرد. بنابراین از همه ظرفیت‌ها باید استفاده کرد.

ویراستاران هم مطالب این کتاب را ببینند و اگر موردی هست که جامعیت دارد و می‌شود اضافه کرد پیشنهاد بدهند. نمی‌شود این موضوع را خیلی صنفی ببینیم. نمی‌شود دو تا ماده برای یک مسئله بگذاریم. این طوری، باید برای تصویرگران، معماران و طراحان و ...

هم ماده در نظر بگیریم؛ همه توقع دارند. ما باید قواعد کلی بگذاریم که همه حمایت شوند. توصیه می‌کنم همه انجمن‌ها و فعالان حوزه کتاب، سینما، موسیقی و همه مواردی که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده و خیلی دامنه‌اش وسیع است از پدیدآورندگان، مترجمان، ویراستاران تا ناشران و حتی چاپخانه‌ها، سینماگران، اهالی موسیقی، هنرهای تزئینی، ترسیمی و مجسمه‌سازی تا مد و لباس و طرح‌های قالی ... (خیلی زیادند و این دامنه بسیار گسترده است) همه کمک کنند.

من در کتابم طرح پیشنهادی دادم، اما باور دارم که مطالب من آیه قرآن نیست که ثابت باشد. همه چیزش را می‌شود عوض کرد. از این تریبون هم خدمت شما عرض می‌کنم، هر کسی با ما مکاتبه کند، تماس بگیرد

قانون گفته که محوریت همه چیز بر اساس قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان است. حالا که موضوعات جدیدی به وجود آمده، مثل فضای مجازی، دیتابیس‌ها، بانک‌های اطلاعاتی و بستر مبادلات الکترونیکی، نیاز به قانون مشخص وجود دارد. چند سال پیش وزارت ارشاد از من خواست این‌ها را در قالب یک لایحه و پیشنهاد ارائه بدهم که عید گذشته تحویلشان دادم. کل قوانین را جمع کردم، آنچه فکر می‌کردم به نفع حقوق داخلی مان است از کنوانسیون استخراج کردم و حتی از ژنو و تریس و معاهده کپی‌رایت و ایپو (سازمان جهانی مالکیت معنوی)

که به بانک‌های اطلاعاتی هم پرداخته، مواد مهمی را استخراج کردم و سپس همه این موارد را با شرایط روز تطبیق داده و اصلاحات اساسی انجام دادم.

قانون جمعیتی جدید را در پایان سال ۱۴۰۲ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل دادم ولی

تاکنون خبری از نتیجه کار داده نشده است. اخیراً طی نامه‌ای از رئیس جمهور خواستم که در این خصوص دستوری بدهند که خوشبختانه موضوع را به معاون حقوقی خود و وزارتخانه‌های ذیربط ارجاع داده و جلساتی برگزار شده است. امیدوارم به‌زودی این تلاش‌ها به نتیجه برسد.

کتاب تنقیح قوانین مالکیت ادبی و هنری

من همه پیشنهادها را با ضmannم در قالب کتاب تنقیح قوانین مالکیت ادبی و هنری منتشر کردم چون فکر می‌کردم ممکن است به گوش کسی نرسد. توصیه می‌کنم دوستان ویراستار این کتاب را بخوانند. الآن هم کتاب را به شما هدیه می‌دهم. این کتاب را ببینید،

حالا که موضوعات جدیدی به وجود آمده، مثل فضای مجازی، دیتابیس‌ها، بانک‌های اطلاعاتی و بستر مبادلات الکترونیکی، نیاز به قانون مشخص وجود دارد.

و بگوید در فلان جا اگر این را حذف کنی یا زیاد کنی من پذیرا هستم. البته اگر صحیح نبود با ادله جواب می‌دهم. اگر صحیح بود به دیده منت می‌پذیرم. این مسئولیتی اجتماعی است. اگر همه این کار را انجام دهند بعداً می‌توانیم در دولت، در کمیسیون فرهنگی مجلس، به عنوان طرح یا لایحه آن را ارائه بدهیم و کمک بکنیم تا لایحه قانونی عوض بشود و به اندازه‌ای ضمانت اجرا داشته باشد که بازدارنده باشد. ضمانت اجرایی که در آن جبران خسارت نیست و جریمه‌ای نیست فایده‌ای ندارد. بعد از کلی هزینه وکیل و دادگاه و دادرسی، کسی دستگیر و بعد از یک سال و نیم آزاد می‌شود و مجازاتش به اندازه‌ای نیست که بازدارنده باشد. خب خستگی به تن همه می‌ماند. ما پشت صحنه می‌بینیم که پدیدآورنده و ویراستار و ناشر شب تا صبح بیدار بوده‌اند تا کاری خوب انجام شود ولی به‌سادگی حقوقشان تضییع می‌گردد.

حق مالکیت فکری در فرسته‌های آموزشی

* در چند سال اخیر و با رشد کارگاه‌های آموزشی برخط (آنلاین) مدرسان بخشی از مطالب آموزشی خود را در فضای مجازی منتشر می‌کنند و عموماً نگران‌اند که اطلاعاتشان برداشته و در صفحات دیگری بدون نام آنان منتشر شود یا از مطالب کلاسی برداشته شود و مدرسی دیگر همین درس را با اندکی تغییر ارائه کند. اگر این جرم تلقی می‌شود، از چه جنس جرمی است و چگونه پیگیری می‌شود؟ یعنی برای پیگیری آن چه مستنداتی لازم است و چه مراحل باید طی شود؟ اصلاً کارشناسی برای این کار هست؟ میزان این رونویسی یا احیاناً دزدی را چگونه می‌شود تشخیص داد؟

ابتدا ببینیم که اصلاً مجازات نقض حقوق اثر چیست تا بعد ببینیم چه میزان از تغییر محتوا عمل مجرمانه است. اگر کسی حقوق اثری را نقض کند که تحت حمایت قانون است، یعنی آن را منتشر کند یا در کتابش از آن استفاده کند یا آن را به نام خودش منتشر کند، همگی عمل

مجرمانه محسوب می‌شود. فقط نوع برخورد قضایی با هر کدام از این‌ها متفاوت است. وقتی من کتاب شمارا به نام خودم منتشر می‌کنم، من قطعاً مجرمم. اگر کتاب شمارا به نام شخص دیگری منتشر کنم، ممکن است اشتباه شده باشد. مثلاً ممکن است تاپیست اشتباه کرده باشد. به هر حال اشتباه ممکن است. حتی ممکن است به اشتباه فکر کرده باشیم سی سال از نشر آن گذشته است و انتشار آن اشکالی ندارد، ولی اگر به نام خودم تخلف کنم، «جرم تام» است. بنابراین جرم‌ها متفاوت‌اند. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان این جرایم را حیثیتی می‌بیند، نه مالی. حیثیتی یعنی چه؟ ساده بگویم حیثیتی مثل عمل مجرمانه «فحش دادن» است. می‌شود برای انواع فحش‌ها جریمه تعیین کرد؟ مثلاً اگر به خواهر و مادر بود، یک میلیون تومان و اگر به پدر بود ۵۰۰ هزار تومان، اگر به خودش بود ۲۰۰ هزار تومان؟ نمی‌شود! مجازات جرم حیثیتی زندان است. پیش‌تر بالاترین مجازات آن شش ماه تا سه سال حبس بوده است. ولی، انتهای سال ۱۳۹۹، قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری همه مجازات‌های تعزیری را نصف کرد و حالا اگر کسی حقوق مؤلفی را نقض کند، دادگاه می‌تواند بین سه ماه تا یک سال و نیم به او حکم حبس بدهد. پس نقض حقوق مؤلف حکم مجازات سنگین دارد و با پرداخت جریمه حل نمی‌شود.

می‌بینیم که در آن زمان قانون‌گذار خیلی دقیق بوده است. چون مثلاً در قانون ترجمه و تکثیر برای مترجمان و ناشران که کارشان این‌قدر حیثیتی نیست آسان‌گیرتر است. مترجم، با همه زحمتی که می‌کشد، خلق اثر نمی‌کند؛ اثر را به زبانی دیگر عرضه می‌کند. در ترجمه کتاب‌های علمی تغییر مطالب هم ممکن نیست. مثلاً اگر جدول مندلیف ۳۲ عنصر دارد (برای مثال) مترجم نمی‌تواند در ترجمه بگوید ۳۳ عنصر دارد. یا اگر مبحث حقوقی است، باید همان مبحثی را که نویسنده طرح کرده به زبانی دیگر بنویسد. پس خیلی حیثیتی نیست. ترجمه نوعی اثر تبعی است؛

۱۳۹۸ تصویب شده است، می خواهد از پایان نامه ها و رساله ها و امثال آن در دانشگاه ها و کارهای تحقیقی استادان، که برای ارتقای شغلی و رتبه دانشگاهی لازمش دارند، حمایت کند؛ و نکته جالب آن است که متخلفان ممکن است مؤلفان باشند.

”
حق تمامیت پدید آورنده خارجی (حق معنوی اثر) را بایستی ناشر ایرانی یا هر که می خواهد از آن استفاده کند رعایت کند. حق نداریم اسم نویسنده را عوض کنیم. حق نداریم مطالب کتاب خارجی را عوض کنیم. اگر ناشر خارجی شکایت کند، دادگاه ایران بایستی رسیدگی کند و مجازات دارد.
“

نکته اساسی این است که قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان آن قدر مؤلف محور است که مؤلف را سوگلی خودش می داند. قانون گذار تصور نمی کرد که ممکن است روزی مثل امروز برسد که متخلفان خود پدید آورندگان و ناشران باشند. البته هنوز ناشرانی و چاپخانه هایی پیدا می شوند که کتاب های دیگران را بی اجازه چاپ می کنند، اما الآن تعداد پدید آورندگان متخلف، آن هایی که کتابی نوشته اند و می روند از جایی می دزدند یا یک کتاب خارجی ترجمه می کنند و به اسم تألیف چاپ می کنند بیشتر است. بعضی ها می گویند که این کتاب خارجی صاحب نداشت و ما ترجمه کرده ایم. خیر، درست است که حقوق مادی این آثار خارجی در ایران تحت حمایت نیست؛ اما حقوق معنوی آن ها تحت حمایت است. نمی توانید، به صرف اینکه کتاب خارجی را اینجا همه افسست می کنند، بگویند

مثل کسی که کتاب فردی دیگر را خلاصه می کند. درست است بسیار مهم است مترجم به چه زبانی بنویسد یا مهم است که کسی که خلاصه می کند همه جوانب را دیده باشد؛ اما هیچ کدام از این ها با خلق اثر برابری نمی کند. یک درجه از خلق اثر پایین تر است و قانون گذار آن را حیثیتی ندیده است. به همین دلیل مترجمان و ناشران، علاوه بر جبران خسارت، به حیس هم محکوم می شوند؛ پس در مواردی که ناشران شکایت می کنند، بهتر است که به قانون ترجمه و تکثیر استناد کنند تا، علاوه بر مجازات حیس، شامل جبران خسارت هم باشد. در مورد فضای مجازی به جبران خسارت توجهی نشده است؛ ولی علاوه بر حیس جریمه تعیین کرده اند. تفاوت جریمه با جبران خسارت این است که جریمه در حق دولت پرداخت می شود اما جبران خسارت به خسارت دیده پرداخت می شود.

جریمه ها به روز می شوند و تقلیل می یابند و تعدیل می شوند؛ امسال که ۱۴۰۳ است، جریمه ۵۰ میلیون تومان است. یعنی اگر کسی اثر شخص دیگری را در فضای مجازی به نام خودش منتشر کند یا از راهی حقوق مؤلف را نقض کند، علاوه بر مجازات زندان به ۵۰ میلیون تومان جریمه محکوم خواهد شد.

* این شامل فرسته های کوچک در فضای مجازی هم می شود؟ یا حجم اطلاعات باید از مقدار مشخصی بیشتر باشد؟

نوشته ها و پاراگراف های کوچک فقط در صورتی پیگیری می شوند که جنبه کیفری داشته باشند. در مورد مطالبی که در فضای مجازی «فوروارد» می شوند، توجه کنید کسی که دارد فوروارد می کند ادعا نمی کند که من نوشته ام؛ ولی شاید خواننده و مخاطب فکر می کند او آن را نوشته است. قابل اثبات است که این شعر شما یا نوشته شماست؛ اما اثبات سرقت ادبی در این موارد مقداری سخت است. شخص می گوید نه، من فقط انتقال داده ام. این موضوع در امروز خودش جریانی ویژه است. اما لایحه پیشگیری از تقلب، که در سال

من نوشته‌ام. حق تمامیت پدیدآورنده خارجی (حق معنوی اثر) را بایستی ناشر ایرانی یا هر که می‌خواهد از آن استفاده کند رعایت کند. حق نداریم اسم نویسنده را عوض کنیم. حق نداریم مطالب کتاب خارجی را عوض کنیم. اگر ناشر خارجی شکایت کند، دادگاه ایران

افشای کپی برداری فرسته‌ها یا مطالب در فضای مجازی

* گاهی پیش می‌آید فردی که نوشته‌اش برداشته شده و در جایی به نام دیگری منتشر شده این موضوع را در فضاهای مجازی مطرح می‌کند. اعلام کردن اینکه مثلاً کارهای من را کسی دزدیده جرم تلقی می‌شود؟ ممکن است مؤلف فکر کند که چند فرسته که از من کپی کرده‌اند برای طرح در دادگاه و پیگیری قانونی کوچک است، پس بهتر است خودم این موضوع را اعلام کنم. علنی کردن این قضیه در حوزه مالکیت فکری نیست؛ ولی توهین و افترا از مواردی است که در قانون تعزیرات و مجازات حکمش معلوم است؛ شلاق و زندان دارد. مثلاً در فضای مجازی به من تهمت زده‌اند که من بی‌سوادم و کتابم را از دیگری کپی کرده‌ام. با این موارد هم مثل بقیه افتراها و توهین‌ها برخورد می‌شود. بله می‌شود به آن‌ها رسیدگی کرد، ولی امر کیفری در حوزه مالکیت فکری نیست.

حفاظت از فرسته‌های تحقیقی و آموزشی در فضای مجازی

* پیشنهاد شما این است که بهتر است موضوع دزدیده شدن فرسته‌ها را علنی نکنیم. چه بسا آن شخص برای توهین و افترا شکایت کند و کار را پیچیده‌تر کند؟ اما به این نکته توجه کنید که، با وجود این خطر، ممکن است مدرسان ویرایش، یا اصولاً مدرسان، فرسته آموزشی تهیه و منتشر نکنند چون مطالبشان در فضای مجازی به اسم دیگران منتشر می‌شود. در این شرایط برای دفاع از حقوق خود چه باید کرد؟

ببینید اصولاً اگر متنی را که می‌خواهید در فضای مجازی منتشر کنید قفل گذاری نکنید، مانند خانهای است که

حق تمامیت پدیدآورنده خارجی (حق معنوی اثر) را بایستی ناشر ایرانی یا هر که می‌خواهد از آن استفاده کند رعایت کند. حق نداریم اسم نویسنده را عوض کنیم. حق نداریم مطالب کتاب خارجی را عوض کنیم. اگر ناشر خارجی شکایت کند، دادگاه ایران بایستی رسیدگی کند و مجازات دارد؛ مثلاً می‌تواند بگوید دو فصل از فیزیک هالیدی من را در اینجا کم و زیاد کرده‌اند یا اسم کس دیگری را هم کنار اسم من نوشته‌اند، این نقض حقوق من است. ولی شکایت نمی‌کنند چون تاحدودی از جامعه جهانی دور هستیم! از اشکالات قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان این است که به این توجه نشده است که زمانه ممکن است عوض شود؛ وضعیت اقتصادی ممکن است عوض شود؛ شرایط اخلاقی ممکن است عوض شود و ممکن است به وضع موجود برسیم که پدیدآورندگان ادعایی آن قدر زیادند که آثار دیگران را به نام خودشان بزنند و به ناشر بدهند. توجه کنید که ناشر علامه دهر نیست که بتواند تشخیص دهد پدیدآورنده ادعایی آن را از کجا برداشته است. اثر چاپ می‌شود و پس از انتشار می‌بینیم که کسی شکایت کرده است. در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، این اتهام به ناشر وارد است و ناشر خیلی با زحمت می‌تواند این اتهام را متوجه پدیدآورنده کند و ثابت کند که بی‌گناه است.

اما قانون سال ۱۳۹۸ این کار را بسیار آسان کرده و سراغ اصل همین موضوع رفته است. ماده یک می‌گوید که پدیدآورندگان اگر حقوق آثار دیگران را نقض کنند، محکوم به مجازاتی بسیار کامل‌تر از مجازات قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌شوند که هم شامل مجازات کیفری است و هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت اداری. برای مثال این قانون حکم می‌کند که اگر شما با استفاده از اثری که حقوق مؤلفی را نقض کرده ارتقای شغلی یافتید، مثلاً از استادیاری دانشیار شدید، دانشگاه باید این سمت شما را لغو کند. به همین ترتیب مثلاً اگر از رساله دکتری دفاع کردید و معلوم شد

درودیوار ندارد. حرز ایجاد نکرده‌اید. حرز حقوقی باید ایجاد شود. اگر صندلی خود را کنار خیابان بگذارید و کسی آن را ببرد، دزدی است یا نه؟ دزدی نیست؛ چون گذاشته‌اید کنار خیابان. چرا نیست؟ چون در آن حرز نبوده و در محدوده‌ای تحت مالکیت و کنترل شما نبوده است. این قاعده‌ای حقوقی است. بنابراین اگر مطلب شما برایتان مهم است، باید برای آن دیوار بکشید و قفل بگذارید حتی قفل آبکی یا دیواری یک‌متری که اگر کسی آن را شکست بتوانید شکایت کنید. اما وقتی مطالبتان را به‌طور عام در فضای مجازی می‌گذارید، فقط وقتی طرف اسمتان را عوض کرد می‌توانید شکایت کنید.

البته باید اصلاح کنم که اطلاق کلمه مجازی غلط است. فضای مجازی وجود ندارد. این فضا واقعی است. بستر مبادلات الکترونیکی است. در فضای الکترونیکی همچون فضای واقعی بایستی دیوار بکشید و قفل بگذارید. اگر برای جزوه آموزشی خود قفل نگذارید، معنایش این است که همه می‌توانند از آن استفاده عمومی کنند. من اگر با ذکر نام مطلب شما را منتشر کنم، عملی مجرمانه نیست؛ چرا که شما اعلام نکرده‌اید که حقوق محفوظ است و کسی اجازه ندارد از آن استفاده کند.

ممکن است مطلبی سیاسی نوشته باشم. مقاله‌ای نوشته باشم و موضوعی را تحلیل کرده باشم. مثلاً درباره حمله آمریکا و اسرائیل به ایران و ایران به اسرائیل. اگر شما تحلیل من را نصفه منتشر کنید و این باعث ایجاد مشکلات حقوقی برای من شود، هم جزو تخلفات است، هم نقض حقوق مالکیت فکری و تمامیت کتاب. اما اگر متنی عمومی بود و از سایت یا کانال من برداشته‌ید و به نام من و بدون کم‌وکاست منتشر کردید، مجرمانه نیست.

تمامیت مقاله باید حفظ شود؛ یعنی مثلاً نمی‌توانید به متن من پاورقی بزنید و بگویید اینجا غلط است. اگر می‌خواهید این را بگویید باید خودتان مطلبی بنویسید و آنجا بگویید مطلب آقای حسینی غلط است.

”
ویرایش چاپ و صحافی نیست که ویراستار بتواند بدون داشتن سواد در این صنعت شغش این باشد و نمی‌تواند بگوید «من فقط ویرایش می‌کنم». ویراستار، در این موارد، با دقت مطلب را خوانده و به‌عمد و با مهارت آن را عوض کرده است. از طرفی خود ویراستاران می‌توانند مانع ادامه یافتن این تخلفات شوند. اما اگر به علت جذابیت‌های مالی‌اش این کار را می‌کنند، باید تبعات حقوقی آن را بپذیرند.

کتاب‌سازی و جرایم آن

* درباره کتاب‌سازی بگویید در سال‌های اخیر ناشران بسیاری هستند که کتابی را به ویراستار می‌دهند تا آن را با ویرایش حداکثری تغییر دهد. آیا ویراستار اگر به کتاب‌سازی کمک کند شریک جرم تلقی می‌شود؟ این موضوع بسیار رایج است. مثلاً کتاب شازده کوچولو را حدود ۱۱۴ ناشر با مترجمان گوناگون چاپ کرده‌اند که بعضی تغییر داده شده یک ترجمه خوب یا متوسط‌اند. اساساً عده‌ای از ناشرها و مترجم‌ها این‌گونه عمل می‌کنند.

بله، از مواردی که قانون پیشگیری از تقلب در آثار علمی (۱۳۹۸) به آن اشاره می‌کند معاونت در جرم است. «معاون» کسی است که «مباشر» نیست. برای مثال در قتل «مباشر» کسی است که می‌کشد. معاون کسی است که وسایل را تهیه می‌کند، مقدمات را فراهم می‌کند، نگهداری می‌دهد که کسی نبیند و... در واقع در قتل همکاری می‌کند. پس همکاری کردن هم عمل مجرمانه است. به‌خصوص ویراستاران که جرمشان «تام»

محسوب می‌شود. ویراستار نمی‌تواند بگوید من سه ماه روی این کتاب کار کردم و نفهمیدم چه کار می‌کنم. ممکن است چاپخانه‌ای که کتاب را منتشر می‌کند بگوید من نمی‌توانم از همه مجوزشان را بخوام و ببینم. یا می‌تواند بگوید کتاب‌شناس نیستم، من چاپچی‌ام و دیپلم هم ندارم. پس عمل چاپخانه معاونت نیست. مگر اینکه عملش مداوم و نظام‌یافته باشد و با کتاب‌های زیادی این کار را کرده باشد و برای این کار سازمانی و تشکیلاتی داشته باشد.

پیش‌تر پرونده‌ای را برای داوری به من داده بودند. در این پرونده صحاف واقعاً از تخلف اطلاع نداشت. او قبول داشت که اشتباه کرده که مجوز ارشاد از ناشر نگرفته؛ ولی واقعاً فکر می‌کرده که ناشر انسانی معتبر است. ما این را معاونت نمی‌دانیم؛ خطا می‌دانیم. در واقع چاپخانه خطایی کرده و باید جبران خسارت کند. اما ویراستار نمی‌تواند بگوید من نمی‌دانستم. او خود تسهیلگر تخلف است. ناشر سواد این تخلف را نداشته و تو آن را برایش انجام داده‌ای. اگر نگویم مباشری، حتماً معاونی. این مورد متأسفانه زیاد اتفاق می‌افتد و ناشرانی سودجو پیدا می‌شوند که اشخاصی را با منافع مالی به طمع می‌اندازند و می‌گویند برو کتابی مشابه این بنویس و تدوین کن. اما چون ویراستار انسان بی‌سوادی نیست، نمی‌تواند بگوید نمی‌دانستم این کار مجرمانه است. جهل به قانون ویراستار را تبرئه نمی‌کند. دادگاه می‌بیند که کتاب را خود ناشر به ویراستار داده است در حالی که ویراستار می‌داند که این کتاب از فلان انتشارات است و نویسنده‌اش هم اینجا نیست؛ از طرفی، خود ناشر هم می‌گوید برو و تغییرش بده، پس به‌سادگی نمی‌پذیرد که ویراستار از تخلفش بی‌خبر بوده است. جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. دانستن و ندانستن مهم نیست، متخلف محکوم است.

چون بحث حقوقی می‌کنیم، اصل بر این است که ویراستار متخلف اگر اطلاع نداشت که اثر مربوط به ناشر دیگری است، تبرئه است. ولی ویراستار ممکن است از راه‌های مختلف از این موضوع مطلع شود؛ مثلاً ویراستار ممکن است با سوابق ناشر آشنا باشد و بداند کتاب مال او نیست یا مثلاً ناشر شفاهی گفته باشد که این کتاب از ناشری دیگر است. پس ویراستار باید بداند در این زمینه دلایل الکی محکمه‌پسند نیست. ویرایش چاپ و صحافی نیست که ویراستار بتواند بدون داشتن سواد در این صنعت شغلش این باشد و نمی‌تواند بگوید «من فقط ویرایش می‌کنم». ویراستار، در این موارد، با دقت مطلب را خوانده و به‌عمد و با مهارت آن را عوض کرده است. از طرفی خود ویراستاران می‌توانند مانع ادامه یافتن این تخلفات شوند. اما اگر به علت جذابیت‌های مالی‌اش این کار را می‌کنند، باید تبعات حقوقی آن را بپذیرند.

رونویسی و تهیه پایان‌نامه‌های دانشگاهی

* البته این موضوع در مورد پایان‌نامه‌های دانشگاهی هم متأسفانه وجود دارد. افرادی هستند که نقل قول‌ها را کم و زیاد می‌کنند که ایرانداک و همانندجوها‌ی دیگر را فریب بدهند تا نفعمند که پایان‌نامه رونویسی است. البته ما اسم این افراد را ویراستار نمی‌گذاریم.

بله، درست می‌گویید. عجیب است که هیچ‌کس با پایان‌نامه‌نویس‌ها برخورد نمی‌کند که اکنون در خیابان انقلاب تابلو می‌زنند و دادزن دارند. رساله دکتری می‌نویسند که خیانت بزرگی است. این افراد با همین رساله‌های دروغین مسئول می‌شوند، وزیر و وکیل می‌شوند، متخصص می‌شوند، پزشک می‌شوند و....

پیگیری حقوقی پایان‌نامه‌نویسی

* متأسفانه این قضیه چندان قبیح نیست. همچنین روند قانونی آن برای اینکه متقلب را مثلاً سه ماه زندانی یا جریمه کنند بسیار سخت است. چون جرم بزرگی نیست

* البته ناشرها اطلاعات درستی نمی‌دهند. می‌گویند ما چند سال پیش داده‌ایم به مترجم که ترجمه کرده و الآن دیگر اینجا نیست. می‌خواهیم شما آن را ویرایش کنید.

و تازه باید برای اثبات آن یک سال دوندگی کرد. همین ها موجب می شود که دائم این کار تکرار شود.

فرایند رسیدن به نتیجه بیشتر نیاز به تقویت جنبه اخلاقی و فرهنگ سازی دارد. دولت، مردم، ناشران و انجمن ها باید فرهنگ سازی کنند؛ همان طور که دروغ گفتن قبیح است. شخصیت آدم نباید اجازه دهد که فرد دروغ بگوید. باید بدانیم که نوشتن پایان نامه برای دیگری نوشتن دروغ است. جلو استاد داور و استاد راهنما و مشاور مطالب را توضیح می دهی در حالی که تو این ها را نوشته ای. چطور این قدر مستمر دروغ می گویی؟ این موضوع از نظر اخلاقی بسیار خطرناک است. هر ستمی به این فرد بدهی: پیمانکار ساختمان، پزشک، مسئول درمانگاه، مسئول بیمارستان، وزیر، وکیل، ناشر، در هر جایی باشد دارد خیانت می کند. این مسئله بیشتر جنبه اخلاقی و فرهنگ سازی دارد تا پیشگیری های حقوقی و قانونی.

حل شکایات در صنوف

* با توجه به اینکه مراکز حقوقی یا انجمن ها و اتحادیه ناشران ممکن است سخنشان تأثیرگذار باشد، توصیه می کنید که شکایت ابتدا در صنف یا اتحادیه یا بخشی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ظاهراً به همین کار اختصاص داده مطرح شود و بعد به دادسرا و دادگاه برود؛ یعنی جایی که بشود بدون شکایت قانونی مشکلات را حل و فصلشان کرد.

توصیه ای که می خواهم کنم این است که تشکل های تخصصی مثل انجمن ویراستاران و اهل قلم و ناشران، تشکل هایی که وجود دارند، چه صنفی، چه فرهنگی، چه تعاونی و اقتصادی، این ها بایستی برای اعضایشان فرهنگ سازی کنند که اگر این حوزه و فضای علم و دانش و فرهنگ را پالایش کنیم و سلامت نگه داریم، همه سود می کنند. از منافع ملی بگیرد تا منافع آن نویسنده جزء و ویراستار و ناشر و چاپخانه و... این

آشفته بازار به نفع هیچ کس نیست. پس تشویق و تبلیغ کنیم. اصل مسئله آموزش است. مهم ترین کاری که در توسعه کشورها مؤثر است، هم در سطح کلان و در سطح خرد، آموزش است. آموزش نینیم در حوزه ای دائم خطاهایی را انجام می دهیم و فکر می کنیم صحیح است. این هم نوعی دانش است. بنابراین باید آموزش ببینند. دوم اینکه که اعضایشان را در آنی به دادگستری نفرستند. دادگستری جای حل اختلاف نیست! هزینه، رفت و آمد، بوروکراسی، محیط و... تصور کنید نویسنده برود دادگستری در صف بنشیند، در حالی که آنجا قاتل می آورند، یا افرادی که می خواهند طلاق بگیرند رفت و آمد دارند و... اصلاً دادگستری جای اهل فرهنگ نیست. توصیه می کنم حتماً نهادها و تشکل ها نهادی برای داوری داشته باشند؛ دادگاهی غیررسمی که بر اساس قانون داوری رسمیت دارد. قانون آیین دادرسی مدنی چند ماده قانونی بابت داوری دارد که حکم داوری را مانند حکم دادگاه دانسته است. من بیش از پنجاه پرونده داوری کرده ام.

در همین جایی که الآن نشسته ایم، اشخاص آمده اند، از جمله مؤلف، مترجم، ناشر و نهاد و شکایتشان را به من گفته اند. من تخصصم این بوده؛ هم حقوقش را بلد بوده ام و هم ناشر بوده ام. استدلال طرفین را شنیده ام و در همین جلسه حکم صادر کرده ام. در همین جلسه ۲۰۰ میلیون تومان طرف را جریمه کرده ام. در همین جلسه پرداخت شده و رضایت را گرفته ایم و خارج شده اند؛ در حالی که شما برای همین پروسه بایستی دو سال در دادگستری بروید و ببایید. شما می توانید این شیوه را در انجمن پی بگیرید.

توصیه می کنم حتماً در قراردادهای ویراستاران بندی برای ارجاع به داوری بگذارید و داور را به طور مشخص تعیین کنید، چه افراد متخصص و چه نهاد رسمی مانند انجمن صنفی ویراستاران.



مراسم روز ویراستار، ۱۱ بهمن ۱۴۰۳

به روایت تصویر

سخن پارسی صرف کرده بود در ۲ فروردین ۱۴۰۲ درگذشت.

انجمن ویراستاران از سال ۱۳۹۹ هر ساله مراسمی در این روز برگزار می‌کند. در روز ۱۱ بهمن امسال، که به نام و یاد استاد کریم امامی نام‌گذاری شده بود، مراسمی با حضور جمعی از پیش‌کسوتان، ویراستاران، ناشران، مترجمان و اعضای انجمن برگزار شد. در این مراسم دکتر حسن انوری و دکتر ژاله آموزگار سخنرانی کردند. گزارش کامل این نشست در وبگاه انجمن آمده است.

www.anjomanvirastar.ir

انجمن صنفی ویراستاران هم‌زمان با یک‌صدسالگی استاد احمد سمیعی (گیلانی) در سال ۱۳۹۹ پیشنهاد کرد که روز تولد ایشان را روز ویراستار بنامیم. این پیشنهاد با استقبال اهالی نشر و مدیران فرهنگستان زبان و ادب فارسی مواجه شد. با تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت این روز در سال ۱۴۰۲ در تقویم اصناف و حرفه‌ها و مشاغل ثبت شد.

استاد احمد سمیعی (گیلانی) که بیش از نیم‌قرن از عمر خود را در سمت‌های سردبیری مجلات معتبری چون نشر دانش، نامه فرهنگستان و ویرایش و سرپرستی مجموعه‌هایی چون فرهنگ آثار (ایرانی و اسلامی) و



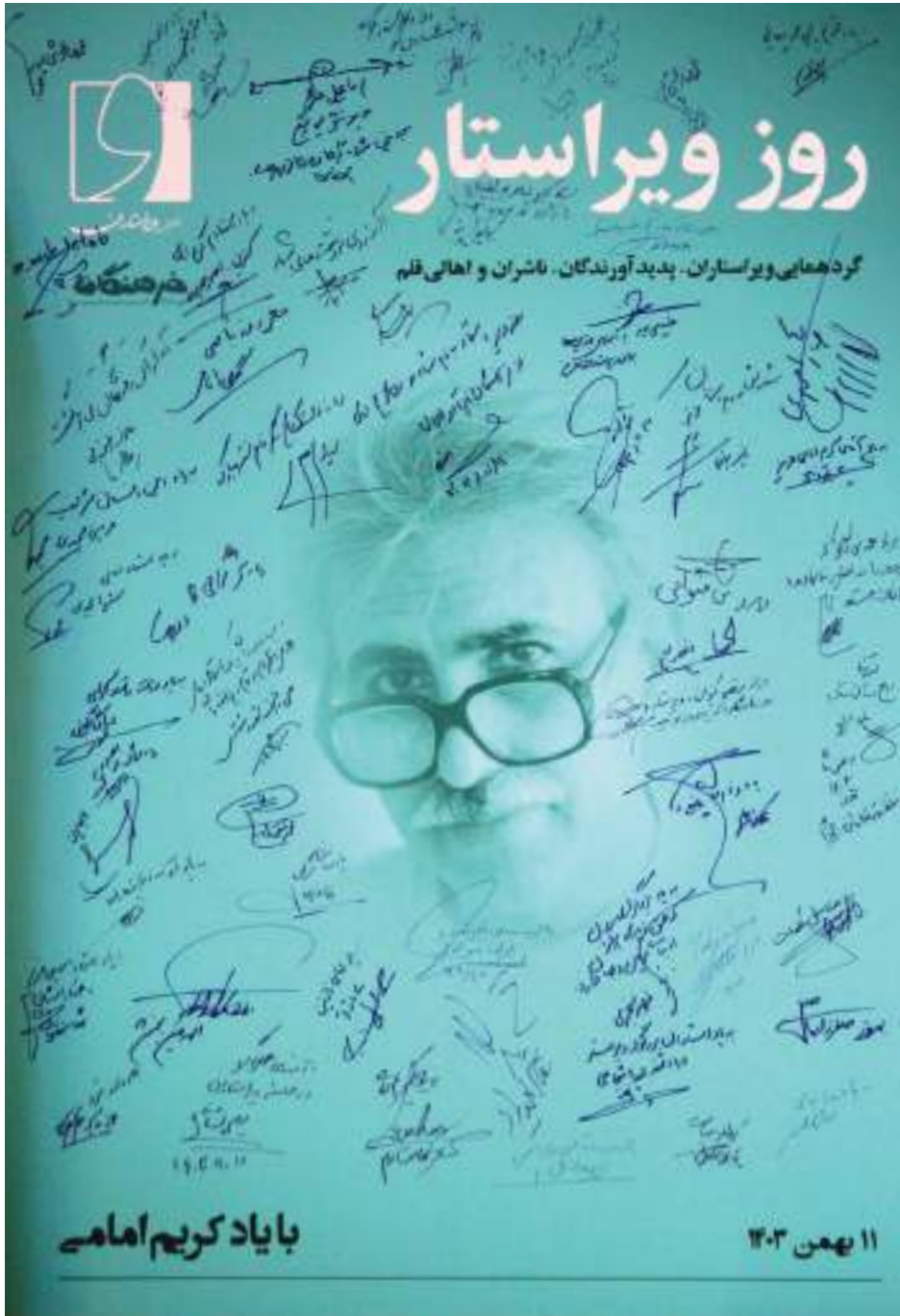












نشانی: تهران، خیابان خرمشهر
(آبادانا)، خیابان صابونچی (مهناز)،
کوچه دهم، پلاک ۴، واحد ۱

۰۲۱-۸۸۵۱۴۶۱۴
anjoman.virastar@gmail.com
www.anjomanvirastar.ir

